



معارف‌الاهل‌البیت علیهم‌السلام

سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱

فصلنامه معارف اهل البيت

سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

هیئت تحریریه:

محمد رضا آرام

دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

محمد رضا احمدی طباطبائی

دانشیار دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه

امام صادق

ناصر باهنر

استاد دانشکده فرهنگ و ارتباطات و معارف اسلامی

دانشگاه امام صادق

سید مرتضی حسینی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی

مشهد

جلال درخشه

استاد دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام

صادق

سید علاء الدین شاهرخی

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان

باقر قربانی زرین

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی واحد تهران مرکزی،

دانشگاه آزاد اسلامی

سید مهدی مسبوق

استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا

محمد هادی همایون

استاد دانشکده فرهنگ و ارتباطات و معارف اسلامی

دانشگاه امام صادق

ویراستار:

نعمت الله پناهی، محمد علی ندائی

ترجمه چکیده‌ها:

محمد رضا آرام

صاحب امتیاز:

بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا

مدیر مسئول: مرتضی سعیدی زاده

سرمدیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمد علی ندائی



نشانی:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب

۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام

رضا، دفتر نشریه. تلفن: ۳۲۲۸۳۰۴۴-۹

پایگاه اینترنتی فصلنامه و سامانه دریافت مقالات:

www.maarefahlalbait.ir/

فصلنامه «معارف اهل البيت» به صاحب امتیازی

بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا پس از اخذ

پروانه انتشار به شماره ثبت ۷۹۸۵۸ از وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی به منظور ترویج و تعمیق فرهنگ و

معارف اهل البيت در جامعه و گسترش و حمایت از

پژوهش‌های معارف اهل البيت به طور مستمر و در

قالب فصلنامه در حال انتشار است.

فصلنامه «معارف اهل البيت» در دو نسخه چاپی و

الکترونیکی منتشر می‌شود و براساس آئین‌نامه نشریات

علمی مصوب کمیسیون نشریات وزارت علوم، پس از

انتشار چهار شماره متوالی در فرایند ارزیابی نشریات علمی

قرار خواهد گرفت.

فصلنامه معارف اهل البيت در پایگاه‌های علوم

استنادی جهان اسلام (ISC)، اطلاعات علمی جهاد

دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags)

و پایگاه اطلاعات نشریات کشور (magiran) نمایه می‌شود.

درباره مجله

فصلنامه معارف اهل البیت (علیه السلام)، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت ائمه اطهار (علیهم السلام) را می‌پذیرد.



راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۲۰۰ کلمه) و کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه مدنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آن‌ها در پایین همان صفحه درج شود.

- نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه‌شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.

- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «معارف اهل البیت (علیه السلام)» است.

- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.

- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.

- «معارف اهل البیت (علیه السلام)» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ اهل البیت (علیهم السلام) باشد.

- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، بر عهده نویسندگان آن‌هاست.



اشتراک

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۱,۶۰۰,۰۰۰ ریال است.
متقاضیان محترم می توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی
به نام بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی
پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.



۹

محمد حسن بهنام‌فر

تحلیل سبک‌شناختی
قصاید رضویه در دیوان
شیخ آذری اسفراینی

مقاله اول

۳۹

حامد توانا

نقش دولت در صیانت از سرمایه
اجتماعی در نامه ۵۳ نهج البلاغه

مقاله دوم

۷۱

رسول محمد جعفری

امام هادی علیه السلام و مواجهه با آرای
کلامی عامه

مقاله سوم

مقاله چهارم

بررسی ابعاد فردی و اجتماعی
الگوی اقتصادی اسلامی در سیره
امام کاظم (علیه السلام)

محمد دانش نهاد
محمد حسن وکیلی

۹۵

مقاله پنجم

بررسی مضامین آموزه‌های اسلامی
در کتیبه‌های معماری رواق‌های
حرم اهل بیت (علیهم السلام) (مطالعه موردی:
حرم امام رضا (علیه السلام) در دوران تیموری و
صفوی)

محبوبه زمانی
امیر اکبری
محمد دارینی

۱۱۵

مقاله ششم

جایگاه حضرت خدیجه (علیها السلام) در
مدیریت و سامان‌دهی بحران
محاصره شعب ابی طالب

محمد کشاورز (بیضایی)
محمد جمیری
رضا معینی رودبالی

۱۴۹

ترجمه

چکیده‌های انگلیسی

English Abstracts

۱۶۵



تحلیل سبک‌شناختی قصاید رضویه در دیوان شیخ آذری اسفراینی

دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲

محمد حسن بهنام‌فر^۱

چکیده

مدح و منقبت در قالب قصاید مذهبی، از عمده‌ترین روش‌های ابراز علائق دینی شاعران به اولیای دین بوده است. نازک‌اندیشی و لطافت بیان در شعر آیینی وقتی با ابراز احساسات برای ائمه اطهار (ع) تلفیق می‌یابد، زیباترین منظومه‌های ادبی را رقم می‌زند. شیخ فخرالدین حمزة بن علی اسفراینی (۷۸۴-۸۶۶ ق.) متخلص به آذری از مشاهیر، مشایخ و شاعران قرن نهم هجری، بخش زیادی از قصاید او در منقبت ائمه اطهار (ع) سروده شده است. با مراجعه به قصاید دیوان آذری، مدح و ارادت به ائمه اطهار (ع) و به طور خاص امام رضا (ع) به سبب حضور این شاعر در خراسان قابل توجه است. این مقاله با بررسی و تحلیل قصاید رضویه در دیوان شیخ آذری، برآن بوده است تا ویژگی‌های سبک‌شناسی و نوآوری‌هایی را که شاعر به آن توجه داشته، در سه سطح، زبانی، ادبی و فکری واکاوی و جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن را شناسایی کند. آذری با بیانی شیوا و روان، موفق شده است قصاید رضوی را همراه با صنایع ادبی و مفاهیم عمیق مذهبی و تاریخی بسراید. درون‌مایه و زبان فکری شاعر با مفاهیم آیینی ترکیب یافته و شاعر به خوبی، ارادت خود را با نگاهی عرفانی و با زبان شعر بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، شیخ آذری اسفراینی، قصاید رضوی، سبک‌شناسی.

۱. استادیار مجتمع آموزش عالی فنی و مهندسی اسفراین. خراسان شمالی. اسفراین. ایران: behnamfarb@gmail.com

۱. بیان مسئله پژوهش

یکی از میراث‌های فرهنگی زبان و ادب فارسی دیوان شاعران گذشته است. این سخنوران هر یک به اندازه‌ی توان و دریافتی که از فرهنگ ایرانی اسلامی داشته‌اند و با توجه به مبانی فکری و اعتقادی و میزان برخورداری از معرفت دینی و مطابق با ذوق، احساس و اندیشه خود نعت و منقبت معصومان (ع) را در سروده‌های خویش به قلم آورده و باقی گذاشته‌اند. یکی از شاعران خوش‌نام زبان فارسی، شیخ آذری طوسی اسفراینی (۷۸۴ - ۸۶۶ ق) است که در قرن نهم هجری در قالب شعر و نوشته‌های عرفانی، آثار چندی^۱ از خود باقی گذاشته است. آذری در دوره‌ای قرار داشت که به لحاظ شرایط خاص سیاسی در آثار فرهنگی کمتر به او توجه شده است. نابسامانی‌هایی که پس از تهاجم مغولان در شرق جهان اسلام روی داده بود، منجر به زوال و بی‌نظمی فکری و اندیشه‌ای شده و فقدان دولت مقتدر مرکزی، بی‌ثباتی سیاسی را شکل داده بود. در این میان سلسله‌های محلی سر برآوردند و همراه آن عقاید مختلف مذهبی که خصوصاً از مکتب تشیع اثنا عشری مایه گرفته بودند و مدتی اجازه انتشار نداشتند، در سرزمین‌های مختلف شکوفا شدند. یکی از

۱. شیخ آذری را می‌توان از شاعران و نویسندگان پرکار قرن نهم به شمار آورد و آنچه از آثار منظوم و منثور شیخ در دسترس است یا ذکر آن‌ها در منابع آمده، به این شرح است: ۱. بهمن نامه: این مثنوی را شیخ به درخواست سلطان احمدشاه بهمنی، در احوال و آثار این سلسله سروده است. این مثنوی در وزن متقارب به تقلید از شاهنامه حکیم توسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده و شیخ در سرایش این اثر، تحت تأثیر مستقیم آن‌ها بوده است. ظاهراً از این کتاب تاکنون نسخه‌ای در فهرست‌ها و کتابخانه‌ها دیده نشده است. ۲. عجایب الغرایب: این منظومه که در بحر خفیف (فاعلاتن مفاعیلن فاعلن) سروده شده، در ذکر عجایب شهرها، سرزمین‌ها، کوه‌ها، چشمه‌ها، بناها و حیوانات است. مثنوی عجایب الغرایب حدود ۵۳۰ بیت دارد و از آن نسخه‌های فراوانی در کتابخانه‌های مختلف موجود است. ۳. سعی الصفا: این کتاب که بنا به قول مشهور بخشی از مثنوی مرآت شیخ آذری است حاصل سفر حج شاعر است و آن را در مدت یک سال مجاورت خانه خدا سروده است. این منظومه ظاهراً درباره تاریخ کعبه و آداب زیارت است. از این مثنوی نیز متأسفانه تاکنون نشانی به دست نیامده است. ۴. مفتاح الاسرار: هنگامی که شیخ آذری حدود سال ۸۳۰ قمری به همراه مرشد و پیر خویش شیخ محی الدین توسی غزالی به حج رفت، در برگشت و هنگام اقامت در شهر حلب این کتاب را تألیف کرد. از کتاب مفتاح الاسرار نشانی بر جای نیست ولی از آنجا که کتاب جواهر الاسرار شیخ، خلاصه‌ای از آن است، می‌توان با بررسی آن کتاب، دریافت که مفتاح الاسرار در چه موضوعی تألیف شده است. ۵. جواهر الاسرار: مفصل‌ترین و مشهورترین اثر موجود شیخ آذری به نثر این کتاب است. این کتاب حدود سال ۸۴۰ قمری در اسفراین تألیف شده است (صفا، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۲۵). کتاب جواهر الاسرار یکی از متون اولیه نقد و شرح شعر شاعران، منبع بسیاری از نویسندگان در قرون بعد بوده است. از این کتاب، چاپی سنگی به سال ۱۳۰۳ در تهران و به همراه دو اثر شیخ جامی و عزیز الدین نسفی صورت گرفته است. نسخ خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌ها موجود است که کار تصحیح آن را ساده‌تر می‌کند. سال ۱۳۸۸ چاپی غیر مقابله‌ای از آن به همت آقای احمد شاهد در اسفراین زادگاه شیخ آذری انجام گرفته است. نظر به اهمیت موضوع کتاب و جامع الاطراف بودن آن، ضرورت تصحیح انتقادی از این اثر شیخ کاملاً مشهود است. ۶- طغرای همایون: درباره این اثر شیخ به‌جز نام در تذکره‌ها چیزی موجود نیست. ۷. دیوان اشعار: مهم‌ترین و ارزشمندترین اثر شیخ آذری دیوان اشعار وی است. دیوان شیخ آذری که در دوران خود شهرتی فراگیر داشته حدود ۵۰۰۰ بیت دارد (همان: ۳۲۸).

این دولت‌ها سربداران بودند که موفق شدند با اتکا به مذهب تشیع اثنا عشری به صورت یک اندیشه، حاکمیت و قدرت خود را در جامعه هدایت کرده و در خلال نیم قرن، سبب گسترش اندیشه تشیع و نفوذ آن در منطقه خراسان و سایر نواحی گردند و همچنین به نحوی به سلطه سیاسی نظامی مغولان پایان دهند (آژند، ۱۳۶۳: ۱۲-۱۶).

سربداران، سال ۷۳۶ قمری به پیروی از تعالیم شیخ خلیفه و شیخ حسن جویری علیه ظلم و جور حاکمان محلی و بازماندگان دولت ایلخانی برخاستند و نخستین دولت مردمی بودند که با اندیشه شیعی مطرح شدند. از طریق دولت سربداران، شاعران و نویسندگانی نیز ترغیب شدند که با آثار خود به توسعه و پیشرفت اندیشه و ادبیات یاری و کمک کنند. ترویج فضایل ائمه اطهار و اندیشه امامان (علیهم‌السلام) در دولت سربداران به عنوان دولتی شیعی وجود داشت که بدون شک این امر در شکوفا شدن اندیشه‌های افرادی چون آذری تأثیر زیادی داشته است. شیخ آذری همچنین با دولت بهمنیان هند نیز تعاملات و ارتباطاتی داشته است و به تأکید منابع در ترویج تشیع در هند تأثیر بسیار زیادی از خود به جای نهاد. ایجاد بسترهای گفتمانی برای ابراز عقاید دینی مخصوصاً مدح و ارادت به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و به‌طور خاص امام رضا (علیه‌السلام) با توجه به حضور این بزرگوار در خراسان در قصاید شیخ آذری اسفراینی قابل بررسی و تحلیل است. آذری مسلمانی شیعه مذهب است، او قصاید متعددی در توحید، نعت پیامبر و مناقب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سروده و علاقه خاص به حضرت علی و امام رضا (علیه‌السلام) نشان داده است. سروده‌های آذری ساده و بی‌تکلف بوده و مهم‌ترین اثر او دیوان^۱ است. دیوان او شامل ۳۵ قصیده، ۴۸۰ غزل، تعدادی ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، رباعی و قطعه است. از ۳۵ قصیده موجود در دیوان او، نه قصیده در توحید، چهار قصیده در نعت پیامبر، ۱۴ قصیده در منقبت حضرت علی (علیه‌السلام)، پنج قصیده در منقبت امام هشتم، یک قصید در منقبت امام دوازدهم، یک قصیده درباره پیامبران و امامان و یک قصیده هم

۱. دیوان آذری سال ۱۳۸۹ به اهتمام محسن کیانی و عباس رستاخیز و توسط کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است. البته این اثر از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملک و نیز از روی چند جنگ و مجموعه شعری فراهم آمده است. آنچه در این تحقیق انجام گرفته، بررسی قصاید رضویه در دیوان فوق و مقابله با نسخه‌های دیگر است. نسخه‌های دیگر به این شرح است: نسخه خطی دیوان آذری، دانمارک، کپنهاک سلطنتی، با شماره ۲۱۲۷۰. نسخه پاریس، با شماره ۳۹۴ p، که میکروفیلم آن در مرکز اسناد دانشگاه تهران با شماره ۱۳۱۳ موجود است. بادلیان، ۳۲۹ الیوت، فیلم آن در دانشگاه تهران با شماره ۸۷۸ موجود است. موزه بریتانیا، با شماره Add ۲۵۸۲۱، فیلم آن در دانشگاه با شماره، ۲۸۹ موجود است. کتابخانه ملی ملک، با شماره ۵۹۳۸ موجود است. هند، با شماره ۶۰۶ psc در انجمن آسیایی کلکته موجود است.

با عنوان بهاریه آمده است. با توجه به مدح و ارادت آذری به امام رضا (علیه السلام) در قصاید خود، در این مقاله برآنیم تا شاخصه‌های ارادت شاعر به امام رضا (علیه السلام) در قصاید دیوان را واکاوی کنیم.

۱-۱. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

پژوهش درباره آثار مهم آیینی ادب فارسی که کمتر شناخته شده‌اند و در دوره‌هایی بوده‌اند که اجازه ابراز اندیشه مذهبی خود را نداشتند، اهمیت بسزایی دارد؛ به خصوص آنجا که شاعرانی همچون آذری در قالب کلام موزون با بیان زیبا و دلنشین و با پیوند گفتمان‌های عرفانی، با ائمه اطهار (علیهم السلام) ارتباط برقرار می‌کنند. از آنجا که آذری خود اسفراینی و خراسانی بوده، با مراجعه به دیوان اشعارش در ارادت و دوستی امام رضا (علیه السلام) هیچ شکی باقی نمی‌ماند. علاوه بر قصاید رضوی که موضوع این تحقیق است، حسن مطلع غزلیات دیوان اشعار آذری^۱ نیز ارادت به امام رضا (علیه السلام) است. هدف از این پژوهش شناسایی بیشتر میراث ادبی و زنده نگه‌داشتن معارف اهل بیت (علیهم السلام) و به‌طور خاص امام رضا (علیه السلام) در قصیده‌های دیوان آذری است. آنجا که شعر در انتقال مفاهیم نقش برجسته‌ای دارد، می‌تواند به شناخت فضای فکری و فرهنگی کمک کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی تحلیلی و با تکیه بر دیوان چاپ شده و مطالعه نسخه‌های خطی، ضمن ارزیابی قصاید رضویه شیخ آذری به تحلیل شکلی و مفهومی آن‌ها می‌پردازد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

امروزه محققان بسیاری به فضایل امام رضا (علیه السلام) در ادب فارسی پرداخته و جنبه‌های شخصیتی، علمی و اخلاقی ایشان در آثار شاعران را واکاوی کرده‌اند؛ اما پژوهش در آثار آذری اسفراینی، کمتر دیده می‌شود. برخی تحقیقات که به موضوع امام رضا (علیه السلام) در

۱. الهی امن و ایمان بخش ما را / وفا کن عهد و پیمان بخش ما را / ز تاب چهل بس پژمرده رنگیم / به آب معرفت جان بخش ما را / ز بی دردی خود داریم دردی / چو دردی هست درمان بخش ما را / امامان سربه سر پاکند و معصوم / خداوند بدیشان بخش ما را / جهانی جرم داریم آذری وار / به سلطان خراسان بخش ما را (آذری، ۱۳۸۹: ۱۰۷) در بیت سوم به آیه تطهیر اشاره بسیار زیبایی می‌کند.

شعر و شاعران فارسی تمرکز داشته، اشاره‌ای به آثار و اندیشه آذری نداشته‌اند مانند شهیدی (۱۳۶۵) در مطلبی ستایش و سوگ امام رضا (علیه السلام) در شعر را واکاوی کرده و هادی (۱۳۸۸) در پژوهشی سیمای امام رضا (علیه السلام) را در شعر پارسی از سنایی تا جامی بررسی کرده، اسمی از آذری نیاورده‌اند. همچنین تحقیقاتی که به تازگی در دیوان شیخ آذری صورت گرفته، هنوز به موضوع قصاید اشاره‌ای نداشته‌اند: سلامت آذر (۱۳۹۱) «سبک‌شناسی غزلیات شیخ آذری» را تحلیل کرده و شکاک (۱۳۹۹) به «مقایسه سبک‌شناسی ترکیب بند آذری اسفراینی و محتشم کاشانی» پرداخته است. از این نظر، این پژوهش با توجه به تمرکز بر قصاید دیوان آذری تحقیق جدیدی بوده و به لحاظ موضوع، می‌تواند دریچه‌های جدیدی از انعکاس معارف اهل بیت (علیهم السلام) و امام رضا (علیه السلام) در آثار ادب فارسی بازگشاید.

۱-۳. زندگی و زمانه شیخ آذری

شیخ آذری در هیاهوی جنگ و گریزهای سربداران و لشکریان طغایمور در اسفراین و در حدود سال‌های ۷۸۲ تا ۷۸۴ قمری چشم به جهان گشود (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۲۸). دولت‌شاه شیخ آذری را این‌گونه معرفی می‌کند: «شیخ آذری خواجه علی ملک از بزرگان دولت سربداران که پشت او به معین الدین صاحب الدعوة احمد بن محمد الزمجدی الهاشمی المروزی می‌رسد که در وقت سربداران در اسفراین صاحب اختیار بود» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۳۹۹) تاریخ فرشته ماه تولد شیخ را آذرماه می‌داند و می‌گوید: شیخ آذری در پاسخ الغ بیگ میرزا گفته چون در ماه آذر زاده شده، خود را آذری نامیده است (فرشته، ۱۳۰۱، ج ۱: ۶۲۹). در تذکره‌ها و منابع تاریخی از کودکی و نوجوانی شیخ، مطلبی دیده نمی‌شود. برابر قرائن و شواهد وی روزگار کودکی خویش را در اسفراین گذرانده و علم آموخته است، در جوانی به شعر و شاعری مشغول شد و در این راه شهرت یافت. شیخ آذری سفرهای متعددی برای زیارت بارگاه منور علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) داشت. وی سه نوبت به حج رفت و حتی به زیارت قدس شریف نیز مشرف شد. در میان این سفرها همچنین با دانشمندان، علما و بزرگان زیادی دیدار کرد. برابر سخن دولت‌شاه، آذری بعد از طی مراحل سلوک و پس از دومین

زیارت کعبه و اقامت در مکه، در بازگشت از آن دیار به هندوستان رفت (فروزانفر، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۲۵). تاریخ این سفر باید در سال‌های ۸۳۲ تا ۸۳۴ قمری باشد. شیخ در هند به حضور احمدشاه بهمنی (سلطنت ۸۲۵ تا ۸۳۸ ق) از سلاطین بهمنی دکن رسید (بافقی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۵۴)^۱ این پادشاه از دوستداران مشایخ و شیفته آشفتگان راه حق بود. شیخ آذری در ملازمت این پادشاه قرار گرفت و مقام ملک الشعرائی دربار او را به دست آورد. فعالیت‌های فرهنگی شیخ آذری در بیدر^۲، پایتخت بهمنیان، منجر به رشد و تقویت زبان فارسی و فرهنگ شیعی در دکن شد (فرشته، ۱۳۰۱، ج ۱: ۳۲۶) و پس از مدتی سرانجام، رخصت کوچ از هندوستان را گرفت (همان: ۳۲۰) شیخ پس از بازگشت به وطن «پای قناعت در دامن همت کشید و از سیاحت عالم ملک به تماشای عالم ملکوت سر به جیب تفکر فرو برد و ۳۰ سال بر سجاده طاعت نشست» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۴۵). اوضاع نابسامان خراسان بعد از شاه‌رخ از عوامل اصلی گوشه‌گیری و انزوای شیخ آذری بوده است. او تا پایان عمر در زادگاه خود به نظم اشعار و سرودن قصاید و غزلیات مشغول بود.

۲. تحلیل سبکی و فکری

۲-۱. تحلیل سبک‌شناسی

شعر از بهترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار آدمی است و شاعران می‌کوشند اندیشه‌ها و عقاید خود را با این ابزار برای مخاطبان بیان کنند. شعر مدحی که در ستایش بزرگان از جمله امام رضا علیه السلام سروده شده نیز مبین اندیشه‌های شاعران است. علی بن موسی الرضا علیه السلام به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی دوران خود و همچنین شهادت در غربت، یکی از چهارده معصومی است که شاعران پارسی‌گوی، به ایشان توجه ویژه‌ای داشته‌اند. موضوعات آیینی و مذهبی در شعر فارسی اگرچه از ابتدا وجود داشته؛ اما از قرن ششم به بعد مشخص‌تر و بارزتر شده و شاعران به مدح ائمه اطهار علیهم السلام روی می‌آورند.

۱. ملوک بهمنی (حک: ۷۴۸-۹۳۴ ق) به‌عنوان اولین حاکمان مستقل مسلمان در دکن، محسوب می‌شوند. اقدامات و عملکرد برخی از آنان زمینه‌های رونق و شکوفایی تشیع در دکن را فراهم کرد. این امر از طریق حمایت از علما، صوفیان، سادات و شیعیان و جذب آنان از مناطق گوناگون اسلامی صورت گرفت. چنان‌که در سال‌های پایانی حکومت آنان، تشیع در بخش‌هایی از دکن توسط برخی فرماندهان نظامی به‌عنوان مذهب رسمی اعلام شد.

2. Bidar

این پژوهش بر اساس روش سبک‌شناسی متون شمیسا (۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۸۲) و در سه سطح زبانی، ادبی و فکری قصاید رضویه شیخ آذری را بررسی می‌کند.

۲-۱-۱. موسیقی بیرونی:

منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی و وزن شعر است که بر همه شعرهایی که در یک وزن سروده شده‌اند، قابل تطبیق است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۹۱) آذری در قصاید رضویه خود از اوزان مشهور شعر فارسی بهره برده است. اوزان شعری قصاید رضویه آذری به شرح زیر است:

قصیده ۱۷:	إِرحم علی عبادک بِاللطف و اللّطف یا بُقعة الولاية یا شحنة النّجف	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف
قصیده ۲۶:	ای بر ایوان تو چون قندیل در خور آسمان عود سوز روضه‌ات را گوی مجمر آسمان	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف
قصیده ۲۷:	شه فلک چو درآید به بارگاه خراسان نخست بوسه دهد آستان شاه خراسان	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مثنی محذوف
قصیده ۲۸:	هر صبح که در پرده شود خسرو هندو بر اوج رسد کوکبه چتر هلاکو	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	هزج مثنی اُخرب مکفوف محذوف
قصیده ۲۹:	ای حریمت کعبه اهل خراسان آمده خطه ملک امامت را تو سلطان آمده	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف

۲-۱-۲. موسیقی کناری:

منظور عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است، ولی ظهور آن در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است (همان: ۳۱۹). از مجموع پنج قصیده رضویه شیخ آذری، سه قصیده دارای ردیف و دو قصیده بدون ردیف آورده شده است. ردیف در یک قصیده وی به صورت فعلی و در چهار قصیده به صورت اسمی است. آذری با استفاده صحیح از این موسیقی کناری به اشعار خود زیبایی خاصی می بخشد.

۲-۱-۳. موسیقی درونی:

منظور هماهنگی است که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می آید (همان: ۳۹۲). به عبارت دیگر، به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع، موازنه، ترصیع، تضمین المزدوج، انواع جناس، و تکرار هم حرفی و هم صدایی به وجود می آید (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۳). از ویژگی‌های قصاید رضویه آذری، توجه وی به موسیقی درونی است. بخشی از آن‌ها به این شرح است:

جناس: آرایه جناس، آوردن دو کلمه یا کلماتی است که ظاهری شبیه هم داشته باشند؛ اما در معنا با هم تفاوت داشته باشند. جناس یکی از زیباترین آرایه‌های لفظی است که کلام را دلنشین می سازد. در واقع، جناس از یک سو ایجاد موسیقی در کلام می کند و از سوی دیگر، سبب تداعی معانی مختلف لفظ واحدی می شود و در نتیجه، به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده می انجامد و این از عوامل زیبایی و هنر است.

جناس (ولایت و ولایت)

کرد نوغان ولایت از ولایت شهر طوس ای به عهده روضه مشهد گلستان آمده

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۶)

واج آرایه: آرایه نغمه حروف یا آرایه واج آرایه، بدین گونه است که شاعر یا نویسنده،

سخن خود را به گونه‌ای بیان کند که در سخن او، یک «حرف» یا بیشتر، بیش از دیگر حروف تکرار شود و برجستگی بیشتری داشته باشد، به گونه‌ای که نوعی نغمه و موسیقی در سخن ایجاد کند. این تکرار حرف، ممکن است در یک عبارت، یک مصراع یا یک بیت یا بیش از یک بیت باشد.

واج‌آرایی «چ» و «ش»

چاک گردد از چکاچاک دم تیغش زمین شق شود از شقه‌های آن دلاور آسمان

(همان: ۷۱)

واج‌آرایی «ش»

بهر استشراف تشریف تو اشراف ملک هر شبی بالای این فیروزه ایوان آمده

(همان: ۷۸)

مراعات نظیر: یا تناسب از لوازم اولیه سخن ادبی است. یعنی در مکتب قدیم سخن نظم و نثر وقتی ارزش پیدا می‌کند که مابین اجزای کلام تناسب و تقارن وجود داشته باشد (همایی، ۱۳۷۲: ۲۵۹).

تناسب بین «خورشید، چرخ، کیوان، شهاب و فلک»

خورشید رای و چرخ ضمیر و فرشته رام کیوان رکاب و رمح شهاب و فلک هدف

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۶)

حب اهل البیت در دریای فطرت کشتی است عرش اعظم بادبان او و لنگر آسمان

(همان: ۶۹)

ایهام:

در خراسان صورت احکام و تنزیل تو هست آیتی در شان ما از آل عمران آمده

(همان: ۷۵)

بیت ایهامی بسیار زیبا دارد. تنزیل به معنای قرآن آمده و هم معنی لغوی آن به معنی فرود آمدن است و نیز آل عمران بنابر تفسیر ابوالفتوح رازی عمران نام ابوطالب پدر امام است که آل عمران در معنی حقیقی سوره قرآن به کار رفته و آیه مد نظر اشاره به آیه مباهله دارد و از طرفی با معنی امام علی (علیه السلام) آل عمران یعنی ابوطالب حساب می شود نیز تناسب دارد.

توجه به کلمات و عبارات عربی در شعر آذری در حد معمول شاعران این دوران دیده می شود. از آنجا که شاعر به آیات و روایات اشاره دارد، کاربرد کلمات و عبارات عربی در شعر آذری به عنوان یک شاخصه سبکی نیز می توان در نظر گرفت. مخصوصاً وقتی سخن از مدح امام رضا (علیه السلام) است؛ مانند قصیده ۱۷ شروع شعر با بیت عربی است و در تمام قصاید رضویه از کلمات عربی استفاده شده است. در ادامه برخی از آن ها را می آوریم.

ماه سپهر سلطنت و آفتاب دین سلطان بارگاه پرانوار مَن عَرَف

(همان: ۵۱)

در این بیت، به حدیث «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۵۸۸) اشاره دارد.

عکس اسرار ضمیرش تافت بر مرآت شب از لالی لیالی شد توانگر آسمان

(آذری، ۱۳۸۹: ۶۹)

یا کریم ابن کریم این خلق حاجتمند را بر امید آورده از هر سو بدین در آسمان

(همان: ۷۲)

- تو بحر رحمت مایی به هفت کشور عالم رود به مرحمت این آب از میاه خراسان
(همان)
- بیت الحرمت کعبه شاهی است از آن روی آرند به گرد حرمت روی ز هر سو
(همان: ۷۴)
- یا امام المتقین خلقی به خاک درگهت چون نسیم از هر طرف افتان و خیزان آمده
(همان: ۸۰)
- واژه‌های ترکی:** آذری در دیوان و قصاید خود از واژگان ترکی که در پاره‌ای موارد مغولی هم بوده، سود جسته است.
- آه سحر از نایره صبح برآید پیچان به هوا چون نفس از لولو یرغو
(همان: ۷۳)
- چون ترک خطایی زختن تاختن آورد در خیل و سپاهش همه افتاد هیاهو
(همان)
- خاکستر شب بر دهن صبح بریزند کو بیضه زر می برد از بال تخاقو
(همان)
- حکم هر آلی به طغرای موشح کرده‌اند آل منشور تو سلطان خراسان آمده
(همان: ۷۵)
- کاربرد کلمات عامیانه:** در شعر آذری، واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه با توجه به خراسانی

بودن آذری، کاربرد فراوانی دارد. این ویژگی سبکی در قصاید رضویه آذری دیده می‌شود.

تو تاج اهل خراسان و نور چشم جهانی به ماه می‌رسد از فخر تو کلاه خراسان
(همان: ۷۳)

نور چشم: وجود بسیار عزیز و گرمی، نور دیده که دیدنش موجب روشنی چشم و انبساط خاطر است.

تا خواب رود خصم تو در بستر جاوید در مهد سقر می‌زندش هاویه نانو
(همان: ۷۴)

نانو: ذکر را گویند که در وقت جنباندن گهواره زنان بگویند تا اطفال به خواب روند.

چشم جان روشن به نور توست اهل عقل را ای تو همچون عقل کل سر تا قدم جان آمده
(همان: ۷۶)

بود در هژده هزاران عالمش بگشاده در ملک اسما و صفاتش باغ و بستان آمده
(همان: ۷۸)

در بخش دیگر، سطح بلاغی، شیوه‌ها و رویکردهای بیانی و صور خیال همچون تشبیه، استعاره، کنایه و تشخیص بررسی می‌شود. تشبیه که اثبات صفتی است از مشبه به در وجود مشبه، مشبه غرض کلام است و مشبه به ابزاری در خدمت آن غرض. تشبیه وضوح معنا را می‌افزاید و بر آن تأکید می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۹: ۹۰). قصاید رضویه آذری به زیبایی تشبیهات را به کار برده است.

دریای حلم و گوهر علمی و معرفت تو دُر قیمتی و تو را روضه چون صدف
(آذری، ۱۳۸۹: ۵۲)

چیست دریای کمال‌ت بیکران بحری که هست همچو مرغابی در آن دریا شناور آسمان

(همان: ۶۹)

استعاره، در واقع تشبیه فشرده‌ای که یک طرف آن حذف شده باشد. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کل در کلام است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۴۲).

هر صبح که در پرده شود خسرو هندو بر اوج رسد کوبه چترِ هلاکو

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۳)

خسرو هندو استعاره از ماه و چتر هلاکو استعاره از خورشید

کنایه: در تصویر آفرینی کنایه گفته‌اند از آنجا که کنایه بر رسیدن از یک سطح به سطح دیگر است و ارتباط بین دو سوی حاضر و غایب ایجاد می‌کند، جنبه هنری و ادبی دارد (شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۳۶). کنایه در شعر آذری و در قصاید رضویه او بارها به کار رفته است.

بادا سپهر غاشیه بر دوش حضرتت ای اختر سعادت و ای قبله سلف

(آذری، ۱۳۸۹: ۵۲)

سپهر بر دوش، آسمان بر دوش کنایه از بار سنگین وظایف

هم لطف توسست اینکه بداندیش خویش را پهلوی خویش داد مقامی زهی لطف

(همان)

این بیت آذری کنایه به قبر هارون الرشید دارد که در طوس و کنار بارگاه مبارک امام رضا (علیه السلام) است.

بهر تشریف تو این سقف سرای کون را هر شبی بندد به مروارید زیور آسمان

(همان: ۶۹)

مروارید زیور آسمان، ستارها: کنایه از آراستن، به یاد بودن و منتظر بودن

تشخیص: نسبت دادن صفات جانداران به چیزهای بی جان یا صفات انسانی به حیوانات یا دیدن اشیای بی جان به صورت یک جاندار نه صرفاً انسان را آرایه تشخیص می گویند. تشخیص یکی از صورت های بلاغی است که در خیال انگیزی سخن بسیار مؤثر است.

نالان بودن کوه، گریان بودن دریا و غلتان آمدن ابر:

از غم آن کوه حلم و بحر علم و ابر فیض کوه نالان، بحر گریان، ابر غلتان آمده

(همان: ۷۷)

۲-۲. تحلیل فکری

شعر فارسی از دیرباز یکی از مجاری طرح اندیشه های عارفان بوده است به گونه ای که از قرن هفتم به بعد «شاعری را نمی توان یافت که کم و بیش به این رشته نپرداخته باشد و در سخن او نشانه های عرفانی دیده نشود» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۹۴) در این میان، سده نهم در تاریخ پرفراز و نشیب ایران، دوره فرهنگی خاصی به شمار می رود. عرفان و اندیشه های متصوفانه که از دوره های قبل وجود داشت، در این دوره نفوذ و گسترش پیدا کرد و به فضای فکری این دوران هویتی بخشید؛ در نتیجه شاهد ظهور ادیبان شیعی، گسترش مضامین عرفانی، ترویج احکام و بزرگداشت شعائر دینی هستیم. در این دوره زیارت مشهد و بارگاه امام رضا (علیه السلام) از فرایض محسوب شده و به خصوص در دوره شاهرخ و جانشینان او به امام رضا (علیه السلام) نسبت به دیگر ائمه اثناعشری نیز احترام بسیار می گذاشتند تا آنجا که تصور اعتقاد سلاطین به تشیع می رفت. نفوذ جریانات عرفانی و تسامح و تساهل مذهبی این دوره، موجب رواج ذکر مناقب و مدایح درباره آل پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) در میان شاعران شیعی مذهب شد. شعر مذهبی در بسیاری از آثار قصیده گویان این دوره مبتنی بر ذکر مناقب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه دین است که معمولاً با مفاهیم عرفانی ترکیب می یابد. شفیهی کدکنی از آن ها به عنوان شاعران عرفان گرا یاد کرده که «با انباشتن غزل های خویش از فرهنگ عرفانی و

اصطلاحات خاص تصوف، شعر خویش را به عرفان سنجاق می‌زنند یا عرفان را به شعر خویش» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۶۰). مهم‌ترین مضامین دیوان‌های عرفانی این دوره، وحدت وجود است که از ارکان معنوی تصوف محسوب می‌شود (یارشاطر، ۱۳۳۴: ۱۶۴) نکته جالب در شعرهای عرفانی این قرن، آن است که عرفان منطقی‌تر، معتدل‌تر و تجربی‌تر از دوره‌های گذشته بوده و به مقدار زیادی با زندگی روزمره همسانی و نزدیکی پیدا می‌کند. از میان مقوله‌های متعدد عرفان آنچه بیش از همه در شعر این قرن بدان پرداخته شده است، عشق عرفانی و حقیقی است و طبیعی است که معشوق این عشق ذات مقدس خداوند است (واردی، ۱۳۸۴: ۹۸) سده نهم از نظر پیشرفت و ترقی شعر مذهبی، به‌ویژه در آثار شاعران شیعه، از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی و ادبی است. گذشته از نعت رسول اکرم ﷺ و مدح امام علی (علیه السلام) ثنای دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام) به‌ویژه امام حسین (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) در میان اشعار و به‌خصوص قصاید این زمان ملاحظه می‌شود.

درون‌مایه و فکر اصلی مسلط بر قصاید رضویه شیخ آذری، تنها مدح و ستایش امام رضا (علیه السلام) نیست، بلکه ایشان با مهارت شاعرانگی و با بیانی موزون، اوج ارادت و عشق قلبی خود را به ائمه اطهار (علیهم السلام) و علی بن موسی الرضا (علیه السلام) اعلام می‌کند. همچنین ظرافت کار در آنجاست که با واکاوی و بررسی نکات مهم عرفانی و فکری از این ابیات مستخرج می‌شود. سبک سخن و گزینش واژگان در قصاید رضویه شیخ آذری به‌نحوی است که مفاهیم عمیق و زلال تشیع را نیز در آن جای داده است. از ویژگی‌های قصاید رضویه آذری، استفاده او از اشاره‌های تاریخی و داستانی، اصطلاحات عرفانی، اشاره‌های دینی و قرآنی، اشاره‌های اساطیری، اصطلاحات علمی و فلسفی، اصطلاحات نجومی و اصطلاحات موسیقی است که بیشتر در تأیید مداخل اهل بیت (علیهم السلام) و امام رضا (علیه السلام) است.

۲-۱-۲. مضامین عرفانی

توحید از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مضامین عرفانی در میان شاعران و به‌خصوص شاعران آیینی بوده است. آنجا که شاعر به راز و نیاز می‌پردازد و با بیان دلنشینی

به مدح بزرگان دین نیز روی می آورد. آذری علاوه بر اینکه در قصاید متعدد خود توحید را همواره بیان می کند، به طور ویژه نیز دو قصیده در توحید و یک قصیده با عنوان عروجیه در حکمت و عرفان (قصیده ۱۴) دارد که بیانگر نگاه عرفانی شاعر است.

بر نام تو هر نقطه به تحقیق دلیلی بر ذات تو هر ذره به توحید گواهی

(آذری، ۱۳۸۹: ۸۲)

آنجا که شاعر عشق باری تعالی را فراتر از عقل می داند:

ای برون از عقل ما عشقِ تو را جای دگر گفت و گوی ما همه جایی و تو جای دگر

(همان: ۳۸)

مفاهیم دیگر عرفانی، پارسایی و بندگی در قصاید آذری دیده می شود.

چنان منورم از پرتو رضا که اگر رگم زنند همه نور آید از قیفال
حدیث معرفتِ او به مردمِ نااهل همان حکایتِ آب است و قصه غریبال
به هادیان هدی اقتدا کن آذریا مباش پیرو آن ها که می کنند اخلال

(همان: ۵۵)

روضه پاکِ تو همچون زلفِ خوبان عجم مجمعِ جمعیتِ مشتِ پریشان آمده

(همان: ۷۵)

جان مؤمن را چو شمع از حیرتِ شب تا به روز نار در دل دود در سر سوز در جان آمده

(همان: ۷۶)

۲-۱-۱. امامت و ولایت امام رضا (علیه السلام)

مسئله امامت از جمله مسائل بسیار مهم اسلامی است که شیعیان به‌عنوان یکی از اصول دین تأکید زیادی به آن دارند. یکی از مهم‌ترین مضامینی که شاعران فارسی‌هنگام مدح امام رضا (علیه السلام) بدان پرداخته‌اند، حقانیت امامت آن حضرت بوده است و با استناد به منابع بر حقانیت امامت ایشان تأکید می‌کنند. این موضوع وقتی اهمیت پیدا کرد که با پیشنهاد مأمون و حضور امام در خراسان همراه شد. با مراجعه به قصاید، آذری امامت و ولایت را به‌خوبی مشاهده می‌کنیم.

ای حریمت کعبه اهل خراسان آمده خطه ملک امامت را تو سلطان آمده

(همان: ۷۵)

بوده‌ای چون جد و باب خود امام جن و انس ای تو در باب ولایت چون سلیمان آمده

(همان)

بهرِ مراد خلق جهانی ایا امام چون آمدند جمله از این در زهر طرف

(همان: ۵۲)

آنکه در طور ولایت حسن مقبولیتش هست چون در روی خوبان نکته‌گویان آمده

(همان: ۷۷)

تا کشد کینِ امام از خیل عباسی لباس می‌کشد هر شب به سوی شام لشکر آسمان

(همان: ۷۰)

آذری در اینجا هنرمندانه به ولایت حقیقی امام رضا (علیه السلام) و سیاست‌های عباسیان، لباس و شعار آن‌ها اشاره کرده است.

۲-۲-۲. اشاره‌های تاریخی و داستانی

یکی از مهم‌ترین اعتقادات شیعیان، بحث جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به ناحق از خاندان پاک ایشان گرفته شد. شیعیان این موضوع مهم را سبب انحراف دین و از بین رفتن سنت و آیین رسول الله دانسته‌اند. از این رو، شاعران هنگام ستایش اهل بیت علیهم السلام، به این مضمون که این بزرگواران از سلاله پاک نبوی هستند، اشاره می‌کنند. اصالت و نسبت امام به خاندان رسول از مفاهیم برجسته در شعر رضوی است.

سلطان مسند نبوی، هشتمین امام کز رشک طلعتش مه و خور خورده اند تَف

(همان: ۵۲)

فرزند آن شهی که تو ارباب کفر را از ضرب ذوالفقار همی کشت در مصف

(همان)

پیمبران زپی انتباه عالم خلق اند بس است امام ورا بهر انتباه خراسان

(همان: ۷۳)

هست فرزند امیر النحل^۱ یعنی آنکه هست سوره نحل از علو شانش در شان آمده

(همان: ۷۷)

از نژاد آن اولوالامری که هنگام قضا بازگشت از امر او از سوی خاور آسمان^۲

(همان: ۷۱)

۱. امیر النحل یکی از القاب امام علی علیه السلام است. ابن جوزی می‌گوید: مؤمنان به زنبور غسل مانند زیرا زنبور غسل چیز پاکیزه می‌خورد و چیز پاکیزه می‌نهد و علی امیر مؤمنان است (ابن جوزی، ۴۱۸: ۵).
 ۲. به آیه معروف اطاعت اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید: اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا را و صاحبان امر را.

اذجاء عند قبرک قلبی زیاره جاء الندا الی فادخل و لاتخف

(همان: ۵۲)

مقریزی در بحث لاتخف اشاره به داستان غار حراء و سخن جبرئیل به پیامبر ﷺ دارد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۸).

حب اهل بیت در دریای فطرت کشتی است عرش اعظم بادبان او و لنگر آسمان

(آذری، ۱۳۸۹: ۶۹)

این مضمون در حدیث مشهور «سفینه» و درباره منزلت اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است. در این حدیث، رسول خدا ﷺ به ابوذر غفاری می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ قَوْمِهِ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۶۰) مَثَل اهل بیت من در میان شما، چونان کشتی نوح در میان قوم اوست. هر که بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که از آن باز ماند، غرق گشت.

۲-۲-۱. شیر پرده

دشمن سگ را چوپرده می‌درند از این کمال بود شیر پرده بر قول تو برهان آمده

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۷)

این داستان در کتاب عیون اخبار الرضا چنین آمده است: حاجب مأمون که مأمور بود در مجلس، امام رضا (علیه‌السلام) را تحقیر کند به آن حضرت گفت: مردم برای تو معجزاتی اثبات می‌کنند که برای احدی از مردم غیر از تو اثبات نکرده‌اند. گویی معجزه‌ای مانند معجزه حضرت ابراهیم که مرغان کشته شده را زنده کرد آورده‌ای؟ اگر راست می‌گویی پس امر کن به این دو شیر و آن‌ها را زنده کن و بر من مسلط گردان و مقصود حاجب دو صورت شیری بود که روبه‌روی هم بر مسند مأمون نقش کرده

بودند. حضرت به غضب در آمده و به آن دو صورت صدا زدند بگیرید این فاجر را ... آن دو شیر جستند و آن مرد را پاره پاره کرده و طعمه خود قرار دادند. مردم تماشا می‌کردند و همه در حیرت و تحیر فرو رفته بودند. پس از آن [شیرها] خدمت حضرت ایستادند و عرض کردند ای ولی خدا در روی زمین آیا امر می‌کنی با مأمون نیز این عمل را انجام دهیم؟ مأمون از استماع این سخن غش کرد و حضرت فرمودند بایستید و آن‌ها به حال خود برگشتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۶۷-۱۷۲). این داستان در مناقب ابن‌شهر آشوب نیز با تفاوت‌هایی آمده است.

صاحب بیت چنین پیغمبر است و اهل بیت حجت لولاک را شاهد به قرآن آمده

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۹)

«لولاک» حدیث قدسی است که وجود پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) را به‌عنوان هدف آفرینش هستی معرفی می‌کند. «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» در توضیح این احادیث بیشتر به آیات قرآن استناد شده است؛ بر این اساس، گفته شده طبق آیات قرآن هدف از خلقت کل عالم، انسان و انجام بهترین عمل است^۱ که به بهترین شکل در وجود انسان کامل محقق خواهد شد؛ انسانی که از هر جهت بر تمامی موجودات و آسمان و زمین برتری دارد و او کسی نیست جز حضرت محمد ﷺ که به همین دلیل خداوند در حدیث لولاک، او را علت خلقت تمامی آفرینش معرفی می‌کند. طبق این تحلیل، خلقت تمام عالم مقدمه ظهور انسان به‌طور عام و انسان کامل (پیامبر اسلام ﷺ) به‌طور خاص است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۰: ۱۵۲).

ایها المعصوم مداح تو یعنی آذری آنکه در احسان مدحت همچو حسان آمده

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۹)

حسان بن ثابت، از بزرگ‌ترین شاعران عرب قبل از ظهور اسلام و در آغاز دوره

۱. «لَيْبَلُوَكُمْ أَنْتُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک، ۲) و «أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان، ۲۰).

اسلامی است. وی را جزو صحابه رسول خدا ﷺ به شمار آورده‌اند. حسان اشعار برجسته بسیاری دارد (آمدی، ۱۴۱۱ ق: ۸۹). اشاره به حوادث تاریخی، دفاع از پیامبر ﷺ استفاده از صنایع بدیع و حجم زیاد اشعار، از وجوه اهمیت اشعار اوست. حسان بیان توانمندی داشت و با هجو مشرکان و دفاع از پیامبر ﷺ مورد احترام و مایه آرامش آن حضرت بود (ابن‌سلام جمحی، ۱۹۵۲: ۱۸۱؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۷، ج ۱: ۳۰۵) نوشته‌اند که پیامبر اکرم ﷺ او را تأیید می‌کرد و می‌فرمود حسان از عنایت فرشته وحی برخوردار است (مفید: ۹۵).

۲-۳. فضیلت‌های اخلاقی امام رضا علیه السلام

شعر متعهد فارسی مملو از تعبیری است که به بیان خصیصه‌ها و سجایای اخلاقی ائمه معصومین علیه السلام پرداخته است. در این میان اشعار زیادی در خصوص امام رضا علیه السلام و آن هم به سبب حضور مبارک ایشان در ایران و خراسان، به یادگار مانده است که هر مصرع و بیت آن می‌تواند ابعاد گوناگون شخصیتی آن بزرگوار را تبیین کند. شعر در کنار روایات و نقل تاریخی می‌تواند، شخصیت امام رضا علیه السلام را برای نسل امروز بازگو کند. یکی از پربسامدترین مضامین مطرح‌شده در مدایح رضوی، بیان فضیلت‌های اخلاقی امام رضا علیه السلام است. مهربانی، رأفت، عدالت، علم، سخاوتمندی، بخشندگی و رضا که لقب آن حضرت نیز است.

آیه تطهیر^۱ یکی از اعتقادات اساسی شیعیان در شعر شاعران بزرگ نیز دیده می‌شود. بر این اساس، اهل بیت علیه السلام از هر گناهی پاک هستند. آذری نیز در قصاید خود با بهره‌گیری از آیه تطهیر این نکته را در خصوص امام رضا علیه السلام بیان می‌کند.

قبه الاسلام دین شد روضه پاکت که هست آستانت بوسه‌گاه اهل ایمان آمده

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۵)

۱. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳)؛ بی‌گمان، خدا اراده کرده است تا آلودگی را از شما اهل بیت (پیامبر) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

از آنجا که امامان معصوم به عنوان اسوه های عدالت مشهورند، مردم از جور حاکمان به محضر آن ها پناه می برند. آذری به خوبی و با بیانی ماهرانه، عدالت امام رضا (علیه السلام) را در شعر خود آورده است.

آسمان شرع را عدل تو خط محور است دایر است آری همه بر خط محور آسمان

(همان: ۷۰)

امامان معصوم (علیهم السلام) همواره در زندگی سرمشق دیگران بودند و به مردم درس زندگی می آموختند. آن ها خود را از مردم جدا نمی کردند، به روش جباران زندگی نکرده، به کسی بی اعتنائی نمی کردند. شیخ صدوق از قول ابراهیم بن عباس، چنین می نویسد: «هرگز ندیدم که امام رضا (علیه السلام) در سخن به کسی جفا ورزد و سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع نماید. حضرت در حضور دیگران پایش را دراز نمی کرد (آیت اللهی، ۱۳۷۴: ۴) فروتنی و وقار امام رضا (علیه السلام) نیز از جمله اخلاق اجتماعی ایشان قابل ستایش است و ابن شهر آشوب از آن به نیکی یاد می کند و داستان هایی آورده است (ابن شهر آشوب، ج ۴: ۳۶۲). اشعار متعددی نیز به خوبی به آن پرداخته است. چنین الگوی رفتاری بازتاب روشنی از این آموزه دینی است که تمام انسان ها با یکدیگر برابر هستند و برتری تنها با معیار تقوا به دست می آید.

نسیم فیض وقار تو گر ز باد کند فهم مثل شود ز تمکن چو کوه کاه خراسان

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۳)

سرچشمه حیا و سپهر سخا و لطف خورشید برج مرحمت و ماه لوکشف

(همان: ۵۲)

چیست از یک حرف دیوان کمال نقطه ای هر چه آن در حیطه پرگار دوران آمده

(همان: ۷۷)

یکی از صفات برجسته امام رضا (علیه السلام) مواسات و همدردی با محرومان جامعه بود؛ و طی

زیارت آن حضرت این خصیصه بزرگ اخلاقی او مطرح شده و به ایشان چنین خطاب می‌شود. «السَّلامُ عَلَى غَوْثِ اللَّهْفَانِ وَمَنْ صَارَتْ بِهِ أَرْضُ خُرَّاسَانَ خُرَّاسَانًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹: ۵۳) آذری در قصیده ۲۷ از دیوان چنین آورده است:

حدود ملک خراسان چو در پناه تو باشد شوند جمله آفاق در پناه خراسان
جبال اهل خراسان چو بر زمین تو سوده است برد نجوم فلک نور از جباه خراسان

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۳)

۲-۲-۴. علم‌آموزی و دانش امام

در میان احادیث و سخنانی که از امام رضا (علیه السلام) گردآوری شده است، علم جایگاه ویژه‌ای دارد و ایشان برای علم و ویژگی‌ها و مسائلی را برمی‌شمردند که از جمله مشخصه‌های تکوین‌گفتمان علمی امام رضا (علیه السلام) است. وجوب طلب علم و فریضه بودن (طوسی، ۱۴۱۴: ق ۴۸۸) بیانگر اهمیت و شیوه علم‌آموزی بوده است و اینکه برای فهم دانش باید آن را طلب کرد و همچون فریضه‌ای به دنبال آن بود. نکته دیگر که در این سخن امام نهفته، آن است که طلب علم بر طلب مال برتری داشته و براساس آیات قرآن، خداوند عادل، تقسیم مال را تضمین کرده و به وعده‌اش در این باره وفا می‌کند،^۲ اما علم در نزد صاحبان آن ذخیره بوده و به مردم امر شده که آن را از اهلش طلب کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ق ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۲۵). بر این اساس، رسیدن به علم زحمت بیشتری دارد. تشویق امام رضا (علیه السلام) به خستگی‌ناپذیری از طلب علم در طول عمر و برشمردن آن از جمله خصوصیات ده‌گانه است که موجب کمال عقل انسان می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۷۵: ۳۳۶) از جمله دلایل توجه امام رضا (علیه السلام) به علم، آن است که ایشان علم را گمشده مؤمن دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۱۶۸) و طلب علم هر چند نزد مشرک، تشویق کردند (طوسی، ۱۴۱۴: ق ۴۸۸). عصر امام رضا (علیه السلام) و ارتباط با تمدن‌های دیگر در آن زمان،

۱. درود بر چاره‌ساز و فریادرس بیچارگان و آن کسی که سرزمین خراسان به برکت وجودش به سان خورشید تابان جلوه‌گر شده است.
۲. «أَهْمُ يَفْسُمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ سَخِرِيًّا وَرَحْمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف، ۳۲) آیا آنانند که رحمت پروردگار را تقسیم می‌کنند ما [اوسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میان‌شان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آن‌ها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند، بهتر است.

بدون شک این امر را برای مسلمانان ملموس تر می کرده است که دانش و علم را از نزد دیگران فرا بگیرند، اما در سخنی دیگر از امام رضا (علیه السلام) به لزوم دریافت علم از افرادی شده که اهلیت و شایستگی لازم را داشته باشند (همان) و این امر به دلیل فعالیت های دستگاه خلافت عباسی در آن روزگار بود که شکل گیری حجم انبوهی از سؤال های اعتقادی، کلامی و معرفتی بین عوام و خواص جامعه را منجر شده بود. بر این اساس، شایستگی و اهلیت دو ویژگی مهمی است که امام به آن تأکید داشته است. حضرت، اخذ علم از اهل بیت (علیهم السلام) و آموزش آن ها به دیگران را تشویق کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۰) به لحاظ دانش علمی و گفتمان های فکری که امام رضا (علیه السلام) در دوران خود مطرح فرمودند هیچ شکی باقی نمی ماند که ایشان از پایه گذاران جریانات فکری و مسائلی چون مناظره و بحث های آزاداندیشی بوده اند. امام از نظر دانش، برترین انسان عصر خود بود و در مجالسی که مأمون برای زیر سؤال بردن دانش امام با حضور دانشمندان بزرگ تشکیل می داد، بخشی از وسعت علم آن حضرت بر دیگران آشکار شد. علم امام رضا (علیه السلام) از دیگر مضامین مورد ستایش شاعران فارسی بوده است که در قصاید آذری نیز به آن اشاره می شود.

از نقطه موهوم کم آید چو بگردد پرگار تو بر دایره عقل ارسطو

(آذری، ۱۳۸۹: ۷۴)

دریای حلم و گوهر علمی و معرفت تو در قیمتی و تو را روضه چون صدف

(همان: ۵۲)

چشم جان روشن به نور توست اهل عقل را ای تو همچون عقل گل، سر تا قدم جان آمده

(همان: ۷۶)

مشکلاتی کان ز فهم عقل ما بیرون بود پیش معنی کمال سهل و آسان آمده

(همان: ۷۸)

۲-۲-۵. خراسان و زیارت حرم

تو تاج اهل خراسان و نور چشم جهانی

به ماه می‌رسد از فخر تو کلاه خراسان

(همان: ۷۳)

در خاک خراسان نه غریبی تو که هستند

اریاب خراسان همه لالا و تو لولو

(همان: ۷۴)

ای حریمت کعبه اهل خراسان آمده

خطه ملک امامت را تو سلطان آمده

(همان)

گشتی شهید خاک خراسان ز مرقدت

چون کعبه با صفا شد و پر نور چون نجف

(همان: ۵۲)

مشهد توس از تو گشته جنت ناز و نعیم

روضه پاک تو در وی روح و ریحان آمده

(همان: ۷۶)

۲-۲-۵-۱. زیارت امام رضا علیه السلام کعبه فقیران

باد همچون حاجیان احرام بسته روز و شب

در طواف روضه‌ات تا روز محشر آسمان

(همان: ۷۲)

شهید مشهد دین میر کعبه اسلام

که آستان در اوست قبله‌گاه خراسان

(همان)

بیت الحرمت کعبه شاهی است از آن روی

آرند به گرد حرمت روی ز هر سو

(همان: ۷۴)

ای حریمت کعبه اهل خراسان آمده خطه ملک امامت را تو سلطان آمده

(همان: ۷۵)

یک طواف روضه‌ات با هفت حج نافله بلکه با هفتاد حج قبله، یکسان آمده

(همان)

توصیف بارگاه و مرقد امام رضا (علیه السلام) یکی از شاخصه‌ترین درون‌مایه‌هایی است که شاعران آیینی در شعر خویش به آن توجه کرده‌اند. آذری با اشاره به صحن گنبد و فضای عرفانی، هر بیننده‌ای را محو زیبایی و عظمت آن می‌کند.

صحن گنبد از حدود عقل بیرون رفته بود سقف او چون سقف جنت عرش رحمن آمده

(همان: ۷۸)

۲-۲-۶. تولی و تبری

یکی از مضامین مشهور و مهم در گستره اشعار مدحی رضوی، بحث دوستی با دوستان اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنی با دشمنان وی است که از مباحث اساسی و در حوزه فروع دین به شمار می‌رود.

با آل نبی هر که دهد زهر در انگور جز نار ابد بار نیارد شجر او

(همان: ۷۴)

هر که قومی دوست می‌دارد از ایشان می‌شود این سخن قول رسول و قول یزدان آمده

(همان: ۸۰)

خشم کج رفتار گمراه تو در آتش فتاد باغ جنت را تو چون سرو خرامان آمده

(همان: ۷۷)

۲-۷. توسل و شفاعت

توسل به امام رضا (علیه السلام) و شفاعت خواستن وی برای روز قیامت از دیگر درون‌مایه‌های شعر رضوی است؛ چراکه برآوردن حاجات و خواسته‌نیازمندان از الطاف ائمه هدی بوده است و همواره بارگاه و تربت این بزرگواران حلقه‌های ورود به درگاه کبریایی الهی قلمداد شده و شاعران نیز این بزرگواران و حجت‌های بالغه الهی را واسطه قرار می‌دهند و بر آن نیز اعتقاد راسخ دارند؛ چراکه کلام آن بزرگواران است که «هر یک از دوستانم مرا زیارت کند، در حالی که عارف به حق و مقام من باشد، من در روز قیامت حتما شفاعتش می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۵۸). شاعران شفیع‌بودن امام در حق مؤمنان و زائرانی را که عارف به حق وی هستند، به‌خصوص زائرانی که عنایت خاصه امام، آنان را هنگام مرگ عاری از گناه و آمرزیده می‌دارد مطرح می‌کنند.

به روز حشر که خلقان کنند دعوی اسلام عنایت تو کفایت بود گواه خراسان

(همان: ۷۳)

دارد طمع آنکه ازو باز نگیری از باب شفاعت به قیامت سربیک مو

(همان: ۷۵)

دارد امید شفاعت از شما یوم الحساب چون شود بار عمل آنجا به میزان آمده

دست ما و دامن اولاد پاکت یا امام چون شود با ما اجل دست و گریبان آمده

(همان: ۸۰)

۳. نتیجه‌گیری

شعر از بهترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار آدمی است و شاعران می‌کوشند اندیشه‌ها و عقاید خود را با این ابزار برای مخاطبان بیان کنند. شعر مدحی نیز که در ستایش بزرگان از جمله امام رضا (علیه السلام) سروده شده، مبین اندیشه‌های شاعران است. قصاید رضویه شیخ آذری به‌خوبی بیانگر عقاید دینی شاعر و ارادت وی به امام رضا (علیه السلام) بوده است. در سطح زبانی با توجه به شرایط تاریخی استفاده از لغات عربی، ترکی و همچنین اصطلاحات عامیانه در حد معمول وجود داشته و در کاربرد صنایع ادبی، روش میانه را در پیش گرفته به‌طوری که بر مفهوم غلبه نداشته است. در حوزه موسیقی شعر، قصاید در تنوع اوزان و البته اوزان روان به کار رفته و شاعر با تکیه قرار دادن ردیف علاوه بر بالا بردن سطح موسیقی کلام، مانع به هم ریختگی اجزای جمله می‌شود. زبان فکری شاعر منسجم بوده و با توجه به موضوع مشخص آن یعنی در ستایش امام رضا (علیه السلام) استادانه توانسته است، مفاهیم ارزشمند قرآنی را در شعر جریان دهد و مسائلی چون امامت و ولایت، تولی و تبری، شفاعت، خصائل اخلاقی امام رضا (علیه السلام)، داستان‌ها و روایات تاریخی، زیارت حرم مطهر، اشاره به خراسان و مشهد، با استفاده از ترفندهای ادبی و نگاهی زیبایی شناسانه حالت معنوی، نمایان سازد و دریافت‌ها و معانی عرفانی خود را با زبان شعر بیان کند. درون‌مایه و فکر اصلی مسلط بر قصاید رضویه شیخ آذری، تنها مدح و ستایش امام رضا (علیه السلام) نیست، بلکه ایشان با مهارت شاعرانگی و با بیانی موزون، اوج ارادت و عشق قلبی خود را به ائمه اطهار (علیهم السلام) و علی بن موسی الرضا (علیه السلام) اعلام می‌کند. همچنین ظرافت کار در آنجاست که با واکاوی و بررسی نکات مهم عرفانی و فکری از این ابیات مستخرج می‌شود. سبک سخن و گزینش واژگان در قصاید رضویه شیخ آذری به‌نحوی است که مفاهیم عمیق و زلال تشیع را نیز در آن جای داده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آذری اسفراینی، حمزه بن علی. (۱۳۸۹). *دیوان آذری اسفراینی*. تحقیق و تصحیح. دکتر محسن کیانی و سید عباس رستاخیز. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آمدی، حسن بن بشر. (۱۴۱۱/۱۹۹۱). *المؤتلف والمختلف فی اسماء الشعراء و کناهم و القابهم و انسایهم و بعض شعرهم*. تحقیق الاستاذ الدكتور ف. کرنگو. بیروت: دار الجیل.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. به تحقیق سید مهدی رجایی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- آیت اللهی، سیدمهدی. (۱۳۷۴). *آشنایی با معصومین*. تهران: جهان آرا.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون الاخبار الرضا*. به تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی. (۱۴۱۸). *تذکرة الخواص من الأئمة بذکر خصائص*. قم: شریف الرضی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی تا). *مناقب آل ابی طالب*. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: علامه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۳۸۶-۱۳۸۷/۱۹۶۶-۱۹۶۷). *الشعر والشعراء*. قاهره: چاپ احمد محمد شاکر.
- بافقی، محمد مفید مستوفی. (۱۳۴۰). *جامع مفیدی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بی نا.
- جمحی، محمد بن سلام. (۱۹۵۲). *طبقات فحول الشعراء*. قاهره: چاپ محمود محمد شاکر.
- حر العاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت (علیهم السلام).
- دولت‌شاه سمرقندی، علاءالدوله. (۱۳۱۸/۱۹۰۰). *تذکرة الشعراء*. لیدن: چاپ ادوارد براون.
- رازی، امین احمد. (۱۳۷۸). *تذکره هفت اقلیم*. تصحیح، تعلیقات و حواشی سیدمحمد رضا طاهری. تهران: سروش.
- سلامت آذر، رحیم. (۱۳۹۱). «بررسی سبک‌شناسی غزلیات شیخ آذری اسفراینی». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. سال پنجم. شماره دوم. صص: ۲۴۸-۲۲۹.
- شکاک، حیدرعلی. (۱۳۹۹). «مقایسه سبک‌شناسی ترکیب بند آذری اسفراینی و محتشم کاشانی». *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*. سال پنجم. پیاپی ۱۷. شماره اول. صص: ۱۴۷-۱۷۴.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). *موسیقی شعر*. تهران: نشر آگه.
- _____ (۱۳۷۸). *زیور پارسی، نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار*. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *بیان*. تهران: انتشارات فردوس.
- _____ (۱۳۷۵). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: انتشارات فردوس.
- _____ (۱۳۸۰). *سیر غزل در شعر فارسی*. تهران: انتشارات فردوس.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۶۸). «ستایش و سوگ امام رضا (علیه السلام) در شعر». *مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام)*. صص: ۵۷۲-۶۳۸. چاپ سوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات ایران*. جلد چهارم. تهران: ققنوس.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*. تهران: انتشارات سخن.
- فرشته، محمد قاسم هندوشاه. (۱۳۰۱). *گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته*. کانیور: بی‌نا.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران در عصر تیموریان*. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مفید، محمدبن محمد. (بی‌تا). *الارشاد*. ترجمه رسولی محلاتی. تهران: اسلامیه.
- مقریزی، تقی الدین احمدبن علی. (۱۴۲۰). *امتناع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*. جلد سوم. لبنان: دارالکتاب العلمیه.
- واردی، زرین. (۱۳۸۴). «مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره بیست و دوم. شماره اول. صص: ۹۱-۱۱۰.
- هادی، روح الله. (۱۳۸۸). «سیمای امام رضا (علیه السلام) از سنایی تا جامی». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. دوره دوم. شماره دوم. صص: ۱۵۵-۱۷۰.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). *شعر فارسی در عهد شاهرخ*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یلمه‌ها، احمدرضا؛ ولی محمدآبادی، مهدیه. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی مدایح رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم». *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*. سال پنجم. شماره ۲۰. صص: ۱۰۳-۱۲۱.
- یوسف نژاد، یوسفعلی. (۱۳۹۰). *تصحیح دیوان شیخ آذری*. رساله دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.



نقش دولت در صیانت از سرمایه اجتماعی در نامه ۵۳ نهج البلاغه

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۷

حامد توانا^۱

چکیده

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که طی چند دهه اخیر توجه محققان علوم اجتماعی و همچنین سیاستمداران و اقتصاددانان را جلب کرده است. این مقوله بیشتر از آن لحاظ مهم تلقی شده که تأثیر زیادی در توسعه جوامع دارد. در عین حال، با توجه به تأثیر گسترده آن می‌تواند از جهات دیگر هم مورد عنایت و تأکید باشد، به خصوص سیاستمداران می‌توانند به این عنصر مهم که موجب پیشبرد برنامه‌ها و تحقق اهداف آن‌ها در جامعه می‌شود توجه بیشتری داشته باشند. پرداختن به موضوع سرمایه اجتماعی با توجه به روند نزولی آن در ایران اسلامی ما را بر آن می‌دارد تا ضمن استفاده از دانش و تجربیات دیگران به منابع غنی اسلامی خود توجه کنیم. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد نگاه امیر مؤمنان (ع) به مقوله تولید و حفظ سرمایه اجتماعی نگاهی دین‌محور و ارزش‌مدار است. او برای حاکم و کارگزاران دولتی در ارتباط با مقوله سرمایه اجتماعی، نقش محوری در حد الگوی ارزش‌ها و هنجارها قائل است. ایشان انتقال ارزش‌ها و هنجارهای سرمایه‌ساز را منوط به ارتباط و تعامل اخلاقی و حکیمانه حاکمیت با خدا و خلق می‌داند. وی پابندی و اصرار بر ارزش‌های مهم اعتمادساز از قبیل تعبد خالصانه و عدالت را مورد تأکید قرار می‌دهد. در کل، می‌توان مدعی شد علی (ع) تولید و حفظ سرمایه اجتماعی را منوط به حفظ و تقویت و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای دینی و الهی می‌داند. در این راستا هفت سیاست کلان سرمایه‌ساز در نامه ۵۳ مورد تأکید قرار گرفته است که عبارتند از: مردم‌داری، تقید دینی حاکمان و کارگزاران، عدالت‌ورزی فراگیر، اخلاقی بودن حاکم و کارگزاران، شایسته‌سالاری، حفظ و ترویج ارزش‌ها، حکمت‌ورزی. این تحقیق از روش تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، دولت، امام علی (ع)، عهدنامه مالک اشتر.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم: tavana114@yahoo.com

۱. بیان مسئله

برخی مفاهیم وقتی برای اولین بار استفاده می‌شوند، چندان جلب توجه نمی‌کنند؛ اما استفاده دیگران از آن مفهوم باعث رونق یافتن و تبدیل آن به مفهومی مهم در عرصه علوم می‌شود. مفهوم سرمایه اجتماعی شاید از گذشته با عناوینی مانند اعتماد در جامعه مورد توجه بوده است، اما با عنوان سرمایه اجتماعی که مفهومی گسترده است، سابقه چندانی ندارد.

فوکویاما درباره به کارگیری تعبیر سرمایه اجتماعی می‌گوید نخستین بار جین جاکوب در اثر کلاسیک خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۹۶۱) آن را به کار برده است. او توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. گلن لوری اقتصاددان نیز همچون ایرن لایت جامعه‌شناس اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصاد درون شهری به کار برد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰).

با توجه به تعدد تعریف‌ها از سرمایه اجتماعی لازم است به تعریفی جامع از سرمایه اجتماعی برسیم. برای این کار ابتدا به دیدگاه صاحب نظران این عرصه می‌پردازیم.

پیر بورديو سرمایه اجتماعی را تعلق به یک گروه می‌داند و می‌گوید: منظور از آن امکان تعامل دائمی و کارآمد افراد با یکدیگر از طریق شبکه‌های تماس است (ملکی، ۱۳۹۵: ۱۴).

به نظر جیمز کلمن سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی است که تسهیل کننده کنش‌های معینی از کنشگران در درون این ساختارهاست. سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه مولد است که بدون آن نیل به برخی از اهداف میسر نیست. به نظر او، سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است. برای مثال، گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی بین خود هستند، از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸). پاتنام نیز سرمایه اجتماعی را نهادها، روابط و هنجارهایی می‌داند که کیفیت و کمیت

تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۱۹ به نقل از گراهام هابز).

هافمن سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی که همیاری در گروه‌ها یا بین آن‌ها را تسهیل می‌کند (ترک‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴). فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروه‌های همکار و همیار در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱). از نظر او هنجارهای همیاری، شالوده سرمایه اجتماعی‌اند (همان: ۹۲).

محققان ایرانی هم تعاریفی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. حق‌شناس می‌گوید: سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیررسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد (حق‌شناس، ۱۳۸۴). او اضافه می‌کند: در واقع، می‌توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است (حق‌شناس، ۱۳۸۴).

رفیعی‌راد معتقد است سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد به شبکه‌های تعاملی که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی گروه را در دستیابی به برخی اهداف خود بهبود بخشد (رفیعی‌راد، ۱۳۹۲).

ازکیا و غفاری نیز سرمایه اجتماعی را متشکل از سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌دانند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۷۹). رحیمیان و همکارانش سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: سرمایه اجتماعی شامل حجم کیفیت روابط میان انسان‌هاست که همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار مفاهیمی همچون سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی^۱ و سرمایه فرهنگی^۲ بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود (حق شناس، ۱۳۸۴).

شماره	محقق	ویژگی‌ها یا مؤلفه‌ها	آثار
۱	بوردیو	شکلی از سرمایه	معطوف به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان
۲	کلمن	جنبه‌ای از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد	کمک به رسیدن افراد به اهداف و منافع خود
۳	پاتنام	مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها	ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع و تأمین منافع متقابل آنان
۴	هافمن	مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی	تسهیل همیاری در گروه‌ها یا بین آن‌ها
۵	فوکویاما	مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی	تقویت همکاری بین افراد و ایجاد اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و جامعه مدنی
۶	حق شناس	یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی	ارتقای همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه
۷	رفیعی راد	اعتماد به شبکه‌های تعاملی	تسهیل اقدامات هماهنگ و بهبود کارایی گروه در دستیابی به برخی اهداف خود

۱. این مفهوم به معنی سرمایه‌گذاری برای پرورش انسانی فرهیخته، سالم و مطلع است. در واقع، سرمایه انسانی را باید مهارت و توانایی دانست که افراد آن را کسب می‌کنند (رفیعی راد، ۱۳۹۲).

۲. سرمایه فرهنگی از مجموعه وسایل و امکاناتی تشکیل می‌شود که به‌طور مداوم به فرد امکان می‌دهد به عنوان مصرف کننده و احتمالاً تولیدکننده به کالاهای فرهنگی دسترسی پیدا کند (ضمیری، ۱۳۹۵: ۷۳).

۸	ازکیا و غفاری	اشکالی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها	تسهیل کارایی جامعه از طریق کنش‌های متناسب و تسهیل تعاون خودانگیخته
۹	رحیمیان	شامل حجم کیفیت روابط میان انسان‌ها	تسهیل همکاری میان افراد
تجميع با حذف موارد تکراری		شکلی از سرمایه، جنبه‌ای از ساختار اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها، فرایندهای بین فردی، اعتماد به شبکه‌های تعاملی، اشکالی از سازمان اجتماعی، کیفیت روابط میان انسان‌ها	کمک به رسیدن افراد به اهداف و منافع خود، ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع، ساخت اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط و تسهیل و تقویت و ارتقای همکاری و هماهنگی بین افراد و نهادها، ایجاد جامعه مدنی، بهبود کارایی گروه و جامعه، تسهیل تعاون خودانگیخته

جدول ۱. تحلیل عناصر تعاریف سرمایه اجتماعی

با استفاده از جدول ۱ شاید بتوان این تعریف تجمیعی را مطرح کرد:

سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه یا جنبه‌ای از ساختار اجتماعی یا هنجار و کیفیتی از روابط افراد جامعه است که موجب ایجاد اعتماد و شبکه‌های اجتماعی می‌شود و همکاری و هماهنگی افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی را تسهیل و تقویت می‌کند و بدین ترتیب با بهبود کارایی، وصول به اهداف و منافع را ممکن ساخته و سرعت می‌بخشد. در تعریفی مختصرتر می‌توان گفت:

سرمایه اجتماعی هنجارها یا جنبه‌هایی از ساختار اجتماع‌اند که روابط، همکاری، هماهنگی و کارایی افراد و نهادها را تسهیل کرده و افزایش داده و تحقق اهداف و منافع آنان را سرعت می‌بخشد.

بر این اساس، برخی محققان قائل به دو دسته سرمایه اجتماعی‌اند. آپهوف سرمایه اجتماعی را به ساختاری و شناختی تقسیم می‌کند. او از یک‌سو، اشکال مختلف

سازمان‌های اجتماعی شامل نقش‌ها، قواعد، رویه‌های معمول و فرایندها و شبکه‌ها را از مصادیق سرمایه اجتماعی ساختاری و از سوی دیگر هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها را از مصادیق سرمایه اجتماعی شناختی محسوب می‌کند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۲۳). البته برخی محققان، هنجارها، اعتماد، تعهدات و هویت مشترک را بُعد ارتباطی سرمایه اجتماعی محسوب کرده‌اند (علینی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که سرمایه اجتماعی الزاماً در جهت تقویت جنبه‌های مثبت اجتماعی مؤثر نیست، بلکه می‌تواند ابعاد منفی را پشتیبانی کند. گراهام هابز می‌گوید: «سرمایه اجتماعی می‌تواند بازده‌های مثبت یا حتی منفی تولید کند» (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۲۱). فوکویاما نیز به این نکته اشاره می‌کند ارزش‌هایی که مورد تأکید قرار می‌گیرند ممکن است باعث تضعیف سرمایه اجتماعی در سطح کلان شود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). جان فیلد این ویژگی را «طرف تاریک سرمایه اجتماعی» می‌نامد (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۳۸). به همین دلیل، فوکویاما تأکید می‌کند هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند باید شامل سجاییابی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲).

فوکویاما سرمایه اجتماعی را از این لحاظ که خاص گروه‌هاست و دیگر اینکه الزاماً چیز خوبی نیست از سرمایه انسانی متمایز می‌داند (همان: ۱۳). نکته دیگری که فوکویاما به آن توجه می‌کند نقش منفی انحرافات اجتماعی در سرمایه اجتماعی و اندازه‌گیری آن است. از نظر او، میزان انحرافات یا آسیب‌های اجتماعی نشانگر نبود سرمایه اجتماعی است (همان: ۱۹) او خود با همین معیار یعنی آمار آسیب‌های اجتماعی به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در کشورهای صنعتی به خصوص آمریکا می‌پردازد.

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

اگر به اهمیت روابط در جامعه واقف باشیم، می‌توانیم جایگاه سرمایه اجتماعی را نیز به خوبی درک کنیم. وقتی جامعه را گروهی از انسان‌ها بدانیم که در یک سرزمین برای رسیدن به اهداف و مقاصد، مجموعه‌ای از روابط پیچیده را در میان خود به وجود می‌آورند و کیفیت و کارایی این روابط است که در وصول به آن اهداف تعیین کننده است،

به اهمیت عاملی که روابط را بهبود بخشیده و تحقق مقاصد را امکان پذیرتر و سریع تر می سازد پی می بریم. یکی از این عوامل، سرمایه اجتماعی است. اهمیت سرمایه اجتماعی از دیدگاه دین دوچندان است؛ چراکه روابط اجتماعی و کیفیت آن از منظر دین به خودی خود موضوعیت دارد و اهداف دین بر محور کیفیت روابط انسان ها می چرخد. چند روایت زیر از میان ده ها روایتی است که سرمایه اجتماعی را با ذکر جایگاه مؤلفه ها و شاخص های آن مورد تأکید قرار می دهند.

امام صادق (علیه السلام) به کهمس فرمود: هرگاه پیش عبدالله بن ابی یعفور رفتی، سلام مرا به او برسان و بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: دقت کن در آن چیزی که به وسیله آن علی (علیه السلام) در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سرافراز شد. پس تو هم آن ها را برای خودت لازم بدان، مطمئناً علی (علیه السلام) با راست گویی و امانتداری در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن درجه و عظمت رسید (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۶۳). در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السلام) آمده است: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده ای که می دهد وفا کند (همان: ج ۴: ۶۹).

در روایتی دیگر آمده است که فردی به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: یاران ما در کوفه جماعت زیادی اند. اگر به آنان فرمان دهید از شما اطاعت و پیروی می کنند. حضرت فرمود: آیا آن ها (بدون نگرانی) در جیب برادر خود دست می کنند تا آنچه نیاز دارند بردارند؟ گفت: نه. فرمود: پس آن ها در دادن جان بخیل ترند. سپس فرمود: در هنگام قیام قائم، آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب آن دیگری برمی دارد، بدون هیچ ممانعتی (مفید، ۲۰۰۹: ۳۵).

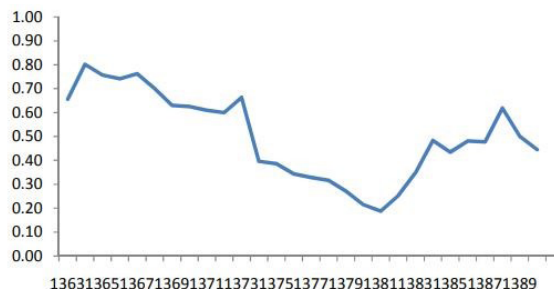
موضوعاتی که در این روایات مورد تأکید قرار گرفته، جزو شاخص های سرمایه اجتماعی است. راست گویی و امانتداری و وفای به عهد از جمله هنجارها و ارزش هایی است که منجر به اعتماد اجتماعی می شود. اعتماد از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی است. روایت آخر نیز به اعتماد بالا در جامعه شیعی آرمانی اشاره دارد. این ها نمونه ای از ترویج شاخص های سرمایه اجتماعی و اهمیت آن در آموزه های اسلامی و شیعی است.

خوب است بدانیم سابقه پرداختن به موضوع سرمایه اجتماعی در قوانین جمهوری

اسلامی به ماده ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه برمی گردد. در این قانون برای اولین بار به حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی تصریح شد (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۵: ۵). در سند چشم انداز ۲۰ ساله هم به سرمایه اجتماعی توجه و جزو اهداف سند معرفی شده است. در این سند، ایران اسلامی را در پایان برنامه ۲۰ ساله چنین توصیف می کند: «متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی» (همان). این ها مواردی از اهمیت یافتن سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی و برنامه ریزی برای ارتقای آن در جامعه است.

اهمیت این تحقیق علاوه بر آنچه گفته شد این است که کشور ما در چند دهه اخیر تجربه ای جدید در نظام سیاسی را پشت سر می گذارد و این نظام اهداف بلندی دارد که جز با شناخت و به کارگیری عوامل تحقق و تسریع حصول آن ها ممکن نخواهد بود. پس پرداختن به نقش حاکمیت در صیانت و افزایش سرمایه اجتماعی که از مهم ترین عوامل دخیل در سرمایه اجتماعی است، به حصول این امر یاری می رساند. مطمئناً الگوی اصلی ایجاد و صیانت سرمایه اجتماعی در جامعه دینی ایران اسلامی باید الگویی دینی و متخذ از منابع اصیل اسلامی باشد؛ اما برای درک ضرورت این تحقیق شاید اشاره ای به وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران کافی باشد. در برخی تحقیقات، سرمایه اجتماعی ایران نسبت به برخی کشورها به طور تأمل برانگیزی کمتر است. به خصوص شاخص اعتماد اجتماعی در این زمینه بسیار نگران کننده است (شیرخانی و واسعی زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۳). برخی تحقیقات نیز روند نزولی سرمایه اجتماعی را طی چند دهه اخیر نشان می دهند (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱). در شکل ۱ می توانید نتیجه این تحقیق را

ببینید .



شکل ۱
سیر نزولی سرمایه اجتماعی در ایران ۱۳۶۳-۱۳۸۹

این وضعیت با توجه به اسلامی بودن جامعه ایران و تأکید دین و فرهنگ رسمی آن بر ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، حاکی از وجود عوامل خرد و کلانی است که اثر منفی بر سرمایه اجتماعی دارد. بی‌توجهی محققان به عوامل مؤثر بر ایجاد و صیانت از سرمایه اجتماعی باعث ایجاد خلأ نظری در باب سرمایه اجتماعی و در نتیجه کاهش بیش از پیش این سرمایه ارزشمند در جامعه ایران می‌شود.

۱-۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، به دو شیوه تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون بوده است. تحلیل اسنادی در پاسخ به سؤالاتی استفاده شده که گردآوری داده‌های آن‌ها از اسناد و کتاب‌های مربوطه صورت گرفته است؛ اما از آنجا که در کلام امیر مؤمنان (علیه السلام) و نهج البلاغه، به مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور مشخص پرداخته نشده، به روش تحلیل مضمون، داده‌های مربوط به سیاست‌های دولت اسلامی برای تقویت سرمایه اجتماعی، بر پایه شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی، استخراج و دسته‌بندی شده است. برای این کار بر روی «نامه ۵۳» نهج البلاغه که به «عهدنامه مالک اشتر» معروف است و به نوعی مانیفست حکومت اسلامی از نگاه امیر مؤمنان (علیه السلام) محسوب می‌شود، تمرکز شده است. از میان ۹۱ داده مرتبط، هفت مضمون اصلی یا خط‌مشی کلی استخراج شد. در پایان، خطوط کلی استخراج‌شده با استفاده از داده‌های برگزیده، تشریح و توضیح داده شده است.

۱-۳. پرسش‌ها و اهداف تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی زیر بوده است:

سرمایه اجتماعی چیست؟ محققان چه تعریفی از آن و چه دیدگاهی در این باره دارند؟

اهمیت و آثار سرمایه اجتماعی چیست؟

وضعیت فعلی جامعه ایران از لحاظ برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی چگونه است؟

از کلام امیرمؤمنان (علیه السلام) چه سیاست‌های خرد و کلانی درباره تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی می‌توان استخراج کرد؟

اهداف این تحقیق نیز بر اساس پرسش‌های آن عبارت است از:

تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی.

استخراج دیدگاه امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره نقش دولت در سرمایه اجتماعی از نهج البلاغه.

۱-۴. پیشینه تحقیق

کتب و مقالات زیادی درباره سرمایه اجتماعی وجود دارد که برخی از آن‌ها بررسی شده است. از میان کتاب‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد:

فوکویاما (۱۳۷۹) در کتاب «پایان نظم» خود نحوه تولید و مصرف سرمایه اجتماعی در اقتصاد فناوری مدرن و آسیب‌شناسی آن را بیان کرده است. فصیحی (۱۳۸۹) در کتاب «اسلام و سرمایه اجتماعی با تأکید بر رویکرد فرهنگی» به دیدگاه اسلام درباره مقوله سرمایه اجتماعی و همچنین نقش آن در نهادهای ساز سرمایه اجتماعی پرداخته است. علینی (۱۳۹۱) در کتاب «سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی»، عناصر، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از ابعاد آموزه‌های دین اسلام در سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و شرعیات را در مقایسه با ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی به روش تحلیل متن بررسی کرده است. فقیه خلجانی (۱۳۹۲) در کتاب «سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)» به دیدگاه امام خمینی (ره) به مقوله سرمایه اجتماعی و نحوه بهره‌گیری ایشان از آن در تحقق انقلاب اسلامی پرداخته است.

ترکزاده و همکاران (۱۳۹۶) در کتاب «کاوش مفهوم سرمایه اجتماعی در قرآن کریم» با توجه به نیاز جامعه اسلامی و همچنین غلبه مفاهیم و منظرهای غربی در عرصه علوم انسانی سعی کرده‌اند با تمرکز بر آموزه‌های قرآن کریم چهارچوب بومی از سرمایه اجتماعی ارائه کنند. این چهارچوب شامل مبانی، ابعاد، پیامدها و جهت‌گیری معنوی

است. این تحقیق به روش تحلیل موردی کیفی انجام شده است.

از میان مقالات نیز به چند مورد می‌توان اشاره کرد: دموری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش مذهب شیعی در آفرینش سرمایه اجتماعی» به نقش سرمایه اجتماعی در توسعه توجه کرده و مؤلفه مذهب در تقویت سرمایه اجتماعی را کاویده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های سرمایه اجتماعی در دانشجویان عضو هیئت‌های مذهبی به‌طور محسوسی بالاتر است. مدنی قهفرخی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایران» به موضوع گنجانده شدن ارزیابی و بررسی نحوه بهبود سرمایه اجتماعی در ماده ۹۸ قانون بوده برنامه توسعه دولت و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله پرداخته است. ساعی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸» به موضوع سرمایه اجتماعی به‌عنوان علت حکمرانی خوب پرداخته‌اند. نصراللهی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام» به بررسی ترکیبی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی از منظر اسلام و فوکویاما بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۰ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های سرمایه اجتماعی در این بازه زمانی در ایران روند کاهشی داشته است. رحیمیان و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی» الگویی مفهومی از سرمایه اجتماعی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری در راستای وصول به تمدن‌سازی نوین اسلامی ارائه کرده‌اند.

مقالات دیگری نیز در زمینه سرمایه اجتماعی وجود دارد که عمدتاً به بررسی موردی این مقوله در ارتباط با دیگر ابعاد یا پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد این تحقیق از لحاظ موضوع و روش تحقیق در میان تحقیقات انجام شده متفاوت و حائز اهمیت است. در هیچ اثر مرتبط با موضوع مقاله، دیدگاه نهج البلاغه بررسی نشده است. این بررسی می‌تواند تحقیق بنیادی محسوب شود که داده‌ها را در مقوله مورد بحث از منظر دینی توسعه می‌دهد.

۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، عناصر یا اجزای تشکیل دهنده، ایجادکننده یا مؤثر در سرمایه اجتماعی است. برای استخراج داده‌های نامه ۵۳ نهج البلاغه آشنایی با این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها از منظر محققان مقوله سرمایه اجتماعی، مفید بلکه لازم است. یکی از محققان صاحب‌نام این عرصه پاتنام است. او مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی را شامل شبکه‌ها، هنجارهای همیاری و اعتماد می‌داند.

به اعتقاد پاتنام هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. این شبکه‌ها برخی افقی (گروه‌های هم‌تراز مانند باشگاه‌های ورزشی) و برخی عمودی (مانند سلسله‌مراتب اجتماعی) هستند. پاتنام بر شبکه‌های افقی بیشتر تأکید دارد. هنجارهای همیاری هنگامی به وجود می‌آید که یک عمل تجلیات بیرونی مشابهی برای تعداد دیگری از افراد دارد. او دو نوع متوازن و تعمیم‌یافته از هنجارهای همیاری یا معامله متقابل را معرفی می‌کند. اعتماد از نظر پاتنام، عنصر ضروری تقویت همکاری است. او معتقد است هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد شد (فقیه خلجانی، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۹). دسته‌بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه «کِنِدی» در دانشگاه هاروارد، انجام شده که در عین توجّه به متغیرهای تقسیم‌بیشین، سرمایه اجتماعی را به گونه‌ها و ابعاد متنوع‌تری تقسیم کرده است:

۱. **اعتماد:** شامل اعتماد اجتماعی بین همه افراد جامعه و اعتماد میان نژادهای مختلف.

۲. **مشارکت سیاسی:** شامل مشارکت سیاسی عادی و مشارکت سیاسی نقادانه.

۳. **مشارکت:** به معنای عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها و... و رهبری مدنی به معنای ایفای نقش مدیریت و رهبری در آن‌ها.

۴. **پیوندهای اجتماعی غیررسمی:** شامل جنبه‌های غیررسمی سرمایه اجتماعی مانند تعداد دوستان یک فرد، میزان معاشرت فرد با دوستان و مانند آن می‌شود.

۵. بخشش و روحیه داوطلبی: شامل عضویت افتخاری شهروندان در سازمان‌های غیردولتی، خدمات انسان دوستانه و خیریه‌ها.

۶. مشارکت مذهبی: شامل فعالیت در امور مساجد و تکایا، کلیساها یا اماکن مذهبی و زیارتی.

۷. عدالت در مشارکت مدنی بین قشرهای مختلف جامعه.

۸. تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها (حق شناس، ۱۳۸۴).

فوکویاما هم در طبقه‌بندی که برای منابع سرمایه اجتماعی ذکر کرده، هنجارهای خودجوش و برون‌زاد مانند دین و فرهنگ را مهم‌ترین آن‌ها شمرده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱۰) به نظر پاکستون، سرمایه اجتماعی دو مؤلفه پیوستگی‌های عینی بین افراد به عنوان شبکه عینی که افراد را در فضای اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌دهد و نوعی پیوند ذهنی را که موجب شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و روابط عاطفی مثبت اعضای جامعه نسبت به یکدیگر می‌شود، شامل می‌گردد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

رفیعی راد عناصر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را چنین معرفی کرده است: برخی عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارت است از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی، شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مدنی رسمی. وی می‌گوید: با وجود این، به نظر ما مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری‌اند از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی نیز هستند (رفیعی راد، ۱۳۹۲). ازکیا و غفاری «مشارکت اجتماعی» را مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانسته‌اند و ابعاد کلیدی آن را شامل این موارد می‌دانند:

۱. مشارکت، فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آن

را امتقاعشدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛

۲. مبادرت به کنش و عمل جمعی؛

۳. تفکر و تأمل مستقیم درباره کارها و فعالیت‌ها؛

۴. نظارت بر فرایند مشارکت؛

تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

نصراللهی و همکارانش در تحقیقی به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام پرداخته و آن‌ها را چنین معرفی کرده‌اند: اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اخوت و دوستی، شورا و مشورت، یکپارچگی امت اسلامی، وفای به عهد (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸-۳۲). رحیمیان و همکارانش در تحقیقی به شاخص‌های سرمایه اجتماعی از نگاه رهبری معظم پرداخته و آن‌ها را چنین نام برده‌اند: اعتماد به خدا، اعتماد به نفس ملی، اعتماد به مردم، اعتماد مردم به نظام اسلامی، مشارکت گسترده مردم در انتخابات، همبستگی اجتماعی، بیداری اسلامی، بیداری ملت‌ها، حمایت از تولید ملی، حمایت از دولت‌ها (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۴-۱۵). شیرخانی و واسعی‌زاده هم اعتماد، مشارکت و شبکه‌های اجتماعی را مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (شیرخانی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

نام محقق	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی
پاتنام	اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها	اعتماد بین فردی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی پیوندها، معاهدات اجتماعی، تعاون، همیاری، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت، روابط اجتماعی
گروه کندی	اعتماد مشارکت سیاسی مشارکت و رهبری مدنی پیوندهای اجتماعی غیررسمی بخشش و روحیه داوطلبی مشارکت مذهبی عدالت در مشارکت مدنی تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها	اعتماد اجتماعی شامل اعتماد به افرادی مانند: همسایه، همکار، فروشنده یک فروشگاه، یک هم‌کیش، پلیس اعتماد میان نژادهای مختلف مشارکت سیاسی عادی شامل تعداد رأی‌دهنده، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه‌ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی روز مشارکت سیاسی نقادانه شامل راهپیمایی‌ها، اعتصابات، تحریم‌ها، تجمع‌ها، انقلاب سیاسی، رهبری مدنی: نقش رهبری افراد در گروه‌ها، باشگاه‌ها، انجمن‌ها و امور شهر یا مدرسه و دانشگاه مشارکت مدنی شامل فعالیت در انواع گروه‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، سازمان‌های جوانان، انجمن‌های مربوط به والدین، گروه‌های و مؤسسات خیریه، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های کارگری، فرهنگ‌سراها پیوندهای غیررسمی شامل تعداد دوستان یک فرد، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری و خارج از آن، مشارکت در بازی‌های گروهی، دیدار از فامیل بخشش و روحیه داوطلبی شامل عضویت افتخاری شهروندان در سازمان‌های غیردولتی خدمات انسان دوستانه و همکاری افراد جامعه با نهادهای خیریه و داوطلبانه، چه به صورت مالی و فکری و صرف وقت مشارکت مذهبی شامل فعالیت در امور مساجد و تکایا، کلیساها و یا اماکن مذهبی و زیارتی
فوکویاما	هنجارهای خودجوش و برون‌زاد	خانواده، دین، فرهنگ
پاکستون	پیوستگی‌های عینی بین افراد پیوندهای ذهنی که موجب شکل‌گیری می‌شود	شبکه‌های عینی، روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و روابط عاطفی مثبت اعضای جامعه در قبال یکدیگر

رفیعی راد	اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی	آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی همیارانه، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، مشارکت غیررسمی مذهبی، شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مدنی رسمی
ازکیا و غفاری	مشارکت اجتماعی	فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم، مبادرت به کنش و عمل جمعی، تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت‌ها، تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی
نصراللهی و همکارانش از منظر اسلام	اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی	اخوت و دوستی، شورا و مشورت، یکپارچگی امت اسلامی، وفای به عهد
رحیمیان و همکارانش از نگاه رهبری معظم	اعتماد، مشارکت، همبستگی، بیداری، حمایت	اعتماد به خدا، اعتماد به نفس ملی، اعتماد به مردم، اعتماد مردم به نظام اسلامی، مشارکت گسترده مردم در انتخابات، همبستگی اجتماعی، بیداری اسلامی، بیداری ملت‌ها، حمایت از تولید ملی، حمایت از دولت‌ها
شیرخانی و واسعی‌زاده	اعتماد و مشارکت اجتماعی	
مؤلفه‌های اصلی	انسجام و همبستگی، مشارکت، اعتماد، ارزش‌ها و هنجارها	

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی از نظر محققان

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده چهار مؤلفه انسجام و همبستگی، مشارکت، اعتماد، ارزش‌ها و هنجارها مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. هر یک از این مؤلفه‌ها دارای مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌هایی است.

۲-۱. نقش دولت در صیانت از سرمایه اجتماعی از منظر محققان معاصر

نقش حاکمیت یا دولت در تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است، چراکه حاکمیت به عنوان قوی ترین سازمان در هر جامعه، با نفوذ و گسترش بسیار در بخش های مختلف جامعه، بر خورداری از ابزار قانون و با تسلط بر نهادهای زیرمجموعه خویش و مردم می تواند در تولید و افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر بسزا داشته باشد. برخی محققان به نقش دولت در سرمایه اجتماعی پرداخته اند. گراهام هابز ارتقای توانایی جامعه را با نظارت بر عملکرد دولت امکان پذیر می داند. چه اینکه از نظر وی مقامات دولت در شبکه های اجتماعی استقرار بیشتری دارند. این نظارت از نظر وی به دلیل نظارت بر ارائه خدمات عمومی، کالایی عمومی محسوب می شود (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

فوکویاما نیز با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی، کاهش آن را از مشکلات مهم دموکراسی های جهان امروز می شمرد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹) با توجه به اهمیت دیدگاه فوکویاما در این زمینه و به دلیل شرح و بسط بیشتری که در خصوص نقش دولت در ایجاد و صیانت از سرمایه اجتماعی ارائه کرده است، عنایت بیشتری به دیدگاه وی می کنیم. از نگاه فوکویاما جامعه مدنی محصول سرمایه اجتماعی است. او معتقد است در جامعه مدرن حاکمیت ها به دنبال تغییر اخلاق افراد نیستند، بلکه می خواهند با تکیه بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد رفتارهای اعضای خود را نظام مند کنند، در عین حال، اهمیت هنجارهای اخلاقی در این جوامع از سوی برخی محققان مورد تأکید قرار گرفته است (همان: ۱۲-۱۳).

از نظر افرادی چون جان گری توفیق غرب در تحولات عصر روشنگری متکی به سرمایه ای اجتماعی انباشته شده از قرون گذشته بوده است؛ اما دنیای مدرن منابع سرمایه اجتماعی جدیدی تولید نکرده است. به عقیده فوکویاما تحولات دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در دنیای صنعتی، همراه با ایجاد ارزش هایی بسیار متفاوت با گذشته بوده است (همان: ۱۵). او معتقد است هر چند هنجارهای اجتماعی در طول تاریخ در حال تغییر بوده، اما این

تغییرات در بازه زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۵ در جهان صنعتی چنان بوده است که می‌توان از آن به فروپاشی بزرگ یاد کرد. مهم‌ترین این تغییرات در این مقطع زمانی از نگاه وی زوال خانواده هسته‌ای بوده است (همان: ۲۰-۲۱).

فوکویاما منابع سرمایه اجتماعی در جوامع جدید را بر اساس آنچه به نظم اجتماعی منجر می‌شود در دو سطح واحدهای انفرادی و سطح جامعه به عنوان یک کل بررسی می‌کند (همان: ۸۶). او در یک طبقه‌بندی، منابع سرمایه اجتماعی را به چهار طبقه تقسیم می‌کند:

۱. ساخته شده به صورت نهادی شامل دو قسم عقلانی و غیرعقلانی: منظور از آن‌ها هنجارهایی است که در نتیجه کنش قصدمند مؤثر بر اجتماع ساخته شده باشند مانند وضع قوانین توسط دولت.

۲. ساخته شده به صورت خودجوش شامل دو قسم عقلانی و غیرعقلانی: این هنجارها به جای نهادهای رسمی از کنش‌های متقابل غیر تعمّدی اعضای اجتماع به وجود می‌آیند.

۳. ساخته شده به صورت برون‌زاد شامل دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک: هنجارهایی که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته سرچشمه می‌گیرند.

۴. طبیعی شامل خویشاوندی، نژاد و قومیت: هنجارهایی که از طبیعت افراد ریشه گرفته‌اند (همان: ۹۷-۱۰۵).

این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی اساساً در خارج از بخش دولتی به وجود می‌آید؛ یعنی یا به صورت خودجوش یا از طریق آنچه به آن تولید برون‌زاد می‌گویند. در عین حال، فوکویاما دولت را در این زمینه از آن جهت که سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است دخیل می‌داند (همان: ۱۱۰).

نقش دولت در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی در طبقه اول یعنی طبقه «ساخته شده به صورت نهادی» است. وضع قوانین و ایجاد هنجارهای اجتماعی جدید از جمله نقش‌های مهم دولت‌ها در این زمینه محسوب می‌شود (همان: ۹۷-۹۹).

فوکویاما معتقد است بنگاه‌های دولتی از راه‌های مختلف سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند. یکی از اساسی‌ترین راه‌ها، حراست از حقوق مالکیت از طریق یک قاعده شفاف قانونی است. نهادهای دولتی مانند مدارس نیز از طریق ایجاد اشکال متعارف سرمایه اجتماعی در این زمینه دخیل بوده‌اند. فوکویاما تأکید می‌کند دولت‌ها باید نقش‌هایی را عهده‌دار شوند که متناسب با وظایف آن‌هاست. نقش‌هایی از قبیل حراست از حقوق مالکیت و جلوگیری از فساد و جرم و ایجاد امنیت. به‌زعم او دولت‌ها هنگامی که می‌خواهند نقش نهادهای مدنی دیگر را به عهده بگیرند به کاهش سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند (همان: ۱۱۱-۱۱۲).

فوکویاما با توجه به تجربه تلخ جهان صنعتی در چند دهه اخیر یعنی مقطع فروپاشی بزرگ که در آن جابجایی گسترده، فناوری و بازارهای کار، هنجاری‌های مربوط به جنسیت و خانواده را تغییر دادند، مهم‌ترین راه حل را در پیش گرفتن سیاست‌هایی اجتماعی می‌داند که وضعیت فروپاشی خانواده را معکوس سازد. او به‌طور مثال، پیشنهاد می‌دهد با توجه به تجربه کشور ژاپن باید در کشورهای صنعتی قوانین تبعیض آمیزی در زمینه دستمزد مردان و زنان وضع شود که به استحکام خانواده و حضور زن و مرد بالای سر فرزندان کمک کند (همان: ۱۱۲).

فوکویاما در نتیجه‌گیری کلی می‌گوید: سیاست‌های اجتماعی در هدف‌گیری و طراحی‌های خود باید بیشتر به جنسیت به‌عنوان یک امر مهم و خاص توجه نشان دهد. در این سیاست‌ها نباید تبعیض جنسیتی مانند تبعیض نژادی امری منفی تلقی شود. او این تحلیل را مبتنی بر این واقعیت می‌شمرد که حرکت زنان به‌سوی نیروی کار حقوق‌بگیر، مرکز فروپاشی بزرگ است. البته فوکویاما نقش مردان را هم نادیده نمی‌گیرد. از نظر او باید با سیاست‌گذاری‌های مناسب و تغییر ارزش‌های فرهنگی، بی‌تعهدی مردان به زنان و فرزندان را هم تحت تأثیر قرار داد و نقش

پدري را احيا كرد، بر اين اساس بايد به مشكل بيكاري پدران توجه جدی شود (همان: ۱۱۴). از آنجا كه فوكوياما معتقد است دولت‌ها به‌تنهایی قادر به توليد و تقويت سرمايه اجتماعی نیستند، به نقش مهم نهادهاي بيرون از دولت به‌خصوص نهاد مذهب در اين خصوص اشاره می‌کند. او تصريح می‌کند كه برای تجديد حيات اخلاق و حفظ هنجارهاي اجتماعی كه بر اثر دگرگونی اقتصادی درهم شكسته‌اند، بايد فروپاشی بزرگ را خنثی كرد (همان: ۱۱۹-۱۲۱).

فرانسیس فوكوياما كتابی دیگر به نام «اعتماد» دارد كه در آن نیز به موضوع سرمايه اجتماعی پرداخته است. او كه در اين كتاب نگاهی آسیب‌شناسانه به ليبرال دموکراسی غربی دارد، اعتماد را اساس فرهنگ اقتصادی جوامعی مانند آمریکا معرفی کرده و درباره کاهش روزافزون آن هشدار می‌دهد. او در اين كتاب نیز به نقش نهاد خانواده در سرمايه اجتماعی و به مقایسه وضعیت آن در کشورهای صنعتی همچون چین، ژاپن و آمریکا می‌پردازد (امیری، ۱۳۷۴: ۱۵). فوكوياما در اين كتاب توزیع سرمايه اجتماعی را بهترین استراتژی صنعتی معرفی کرده و مفهومی به نام «مردم‌آمیزی خودانگیخته» را كه شكل‌های جدیدی از جوامع داوطلبانه است معرفی می‌کند (همان: ۱۳) وی در اين كتاب نیز بر اهمیت هنجارهاي سنتی همچون استحکام خانواده و اهمیت وجدان کاری و کار جمعی تأکید می‌ورزد.

با توجه به آنچه از فوكوياما نقل شد، می‌توان نقش دولت در توليد و حفظ سرمايه اجتماعی را به ترتیب زیر ذکر کرد:

۱. حراست از قوانین و مقررات اجتماعی به‌خصوص مقررات مربوط به مالکیت؛
۲. خودداری از ورود به حوزه فعالیت‌های دیگر نهادها و تمرکز بر نقش‌های متناسب با وظایف دولت؛
۳. حفظ و تقویت نهادهاي مرتبط با تربیت و جامعه‌پذیری از قبیل مدارس و دانشگاه‌های دولتی؛

۴. حفظ امنیت و مبارزه با عوامل بی اعتمادی و انحرافات اجتماعی؛

۵. مقابله با حرکت زنان به سوی نیروی کار حقوق بگیر به عنوان مرکز فروپاشی بزرگ؛

۶. ترویج ارزش های فرهنگی مرتبط با تعهد مردان به خانواده و احیای نقش پدری؛

۷. تلاش برای افزایش نقش اقتصادی مردان در خانواده و حل معضل بیکاری آن ها.

۸. توجه به نقش نهادهای بیرون از دولت مانند مذهب در احیای اخلاق و هنجارهای اجتماعی؛

از مجموع نظرات فوقیاما چنین برداشت می شود که تحولات سریع دنیای صنعتی باعث فروپاشی نهاد خانواده و در نتیجه، کاهش سرمایه اجتماعی شده است. بر این اساس مهم ترین نقش دولت ها و حکومت ها، برعکس ساختن جریان «فروپاشی بزرگ» از طریق حفظ و تقویت روزافزون کانون خانواده است.

۲-۲. نقش دولت در صیانت از سرمایه اجتماعی از نگاه علی (علیه السلام)

نهج البلاغه از معتبرترین و ارزنده ترین آثار اسلامی که حاوی خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، مرجع ارزشمندی برای تحقیق در موضوع سرمایه اجتماعی محسوب می شود. علی (علیه السلام) یکی از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام و شخصیتی که سال ها در متن مسائل اجتماعی و سیاسی بوده و همچنین به عنوان یک حاکم مسلمان از آنچه به انسجام و یکپارچگی و توافق آحاد جامعه می انجامد اشراف داشته و در حکمرانی خود به کار بسته است؛ اما با توجه به گستردگی مباحث نهج و تمرکز این پژوهش بر نقش حکومت اسلامی در صیانت از سرمایه اجتماعی است، گردآوری داده های پژوهش به نامه ۵۳ نهج البلاغه که به نام عهدنامه مالک اشتر معروف بوده و مانیفست حکومت اسلامی محسوب می شود، منحصر شده است.

پس از گردآوری ۹۱ داده مرتبط با شاخص ها، مؤلفه ها و سیاست های مرتبط با سرمایه اجتماعی از نامه ۵۳ نهج البلاغه ۷ سیاست کلان و خط مشی کلی استخراج شد که در جدول ۴ همراه با نوع سرمایه اجتماعی مرتبط به آن ها آمده است.

شماره	سیاست‌های کلان	سرمایه اجتماعی مرتبط
۱	مردم‌داری	همبستگی، اعتماد و هنجارها
۲	تقید دینی حاکمان و کارگزاران	اعتماد و هنجارها
۳	عدالت‌ورزی فراگیر	اعتماد و انسجام و همبستگی
۴	اخلاقی بودن حاکم و کارگزاران	اعتماد، ارزش‌ها و هنجارها
۵	شایسته‌سالاری	مشارکت و اعتماد
۶	حفظ و ترویج ارزش‌ها	ارزش‌ها و هنجارها
۷	حکمت‌ورزی	همبستگی و اعتماد

جدول ۴. سیاست‌ها و خطی‌های کلی ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی در نامه ۵۳ نهج البلاغه

همان‌طور در فهرست سیاست‌های جدول ۴ می‌بینیم از نگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) حکومت اسلامی و کارگزارانش به‌مثابه الگو و نماد ارزش‌ها و هنجارهای دینی در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کند. این سیاست‌ها و خطی‌های باعث همبستگی، اعتماد و مشارکت بیشتر می‌شود و ارتباط مردم با حکومت و به‌طور غیرمستقیم ارتباط آن‌ها با یکدیگر را تقویت و تسهیل می‌کند. پس حکومت در جامعه دینی یکی از مراکز مهم تولید و تقویت سرمایه اجتماعی است. اکنون به ارائه توضیحاتی در خصوص ابعاد راهبردهای ذکرشده می‌پردازیم.

۲-۱-۲. مردم‌داری

مردم‌داری در بیانات حضرت امیر (علیه السلام) شامل مردم‌داری اخلاقی، مالی، عملی و طبقاتی است. در معنای لغوی مردم‌داری در لغت‌نامه دهخدا آمده است: مردم‌داری یعنی خوش‌رفتاری با خلق، مهربانی و ملایمت کردن با مردمان، مماشات با مردم، پاسداری خاطر خلق الله. مردم‌داری به لحاظ اجتماعی به معنای نوعی تعامل با مردم است که در آن شرایط و اوضاع مردم بیش از موضوعات دیگر موردتوجه قرار می‌گیرد. مردم‌داری مالی بر نیازهای مالی و مادی مردم متمرکز می‌شود به‌طوری‌که کم‌توجهی به آن آسیبی جدی محسوب می‌شود. امیرمؤمنان (علیه السلام) در خصوص گرفتن مالیات می‌فرماید:

«هرگاه مالیات پردازان از سنگینی مالیات نزد تو شکایت آورند یا از آفت محصول یا خشک شدن چشمه‌ها یا کمی باران یا دگرگون شدن زمین در اثر آب‌گرفتگی یا بی‌آبی نزد تو گلایه کنند، از مالیات آنان بکاه آن اندازه که امید داری وضع آنان را بهبود بخشد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۵۱۹).

مردم‌داری عملی به معنای انجام وظایف اجرایی و پیشبرد امور توسط حکومت به نحوی است که اصلاح وضع مردم موضوعی مهم قلمداد شود. کاستن از فشارها و آسان‌گیری بر مردم از ابعاد مهم این نوع مردم‌داری است. به‌طور مثال حضرت می‌فرماید:

«بدان که هیچ‌چیز به اندازه نیکی والی به رعیت و کاستن از بار رنج آنان و اجبار نکردنشان به کاری که بر عهده‌ی آنان نیست، سبب حسن ظن (بین) والی و رعیت نمی‌شود. باید چنان رفتار کنی که خوش‌گمانی رعیت را برایت فراهم آورد، زیرا این خوش‌گمانی رنج بسیاری را از تو برمی‌دارد.» (همان: ۵۱۲).

مردم‌داری اخلاقی به معنای خوش‌اخلاقی، ملاطفت و مهربانی با مردم است که ابعاد و اقسام مختلفی را می‌تواند شامل شود. «همان‌گونه که دوست داری خداوند بخشش و چشم‌پوشی‌اش را ارزانیت کند، تو نیز بر مردم ببخش و خطاهایشان را نادیده گیر، زیرا تو بالاتر از آنان هستی و آن‌که تو را حاکم مصر کرده بالاتر از توست.» (همان: ۵۰۸). منظور از مردم‌داری طبقاتی رسیدگی‌های ویژه به قشرهای پایین جامعه است. از بیانات امیرمؤمنان (علیه السلام) چنین استنباط می‌شود که حکومت اسلامی باید عنایت ویژه‌ای به طبقات پایین جامعه داشته باشد. به‌طور مثال، می‌فرماید:

«سپس خدا را خدا را در نظر بگیرد در حق طبقه پایین جامعه، آنان که بیچاره‌اند، از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین‌گیران. در میان اینان برخی اظهار نیاز کنند و برخی دست نیاز به‌سوی دیگران نگشایند، حقوقی را که خداوند از تو خواسته درباره‌ی ایشان نگاهداری، حفظ نما» (همان: ۵۲۲).

«به کارهای ضعیفانی که دستشان به تو نمی‌رسد رسیدگی کن، همان‌ها که در چشم‌ها

خوراند و مردم تحقیرشان می کنند» (همان). مردم داری با ابعاد مختلف آن باعث اعتماد مردم به حاکمیت و تقویت رابطه آن ها با دولت می شود. بدین ترتیب حکومت بهتر می تواند برنامه های خود را در ارتباطی تسهیل شده با مردم، پیش ببرد.

۲-۲-۲. تقید دینی حاکمان و کارگزاران

از دیگر سرمایه های اجتماعی حکومت در جامعه اسلامی، تقید دینی حاکمان و کارگزاران است. به طور مثال، امیرمؤمنان (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«او (مالک اشتر) را فرمان می دهد به تقوای الهی و مقدم داشتن طاعت خدا بر هر کاری و پیروی از آنچه خداوند در کتاب خود بدان فرمان داده، از واجبات و سنت های خود که کسی جز به پیروی از آن ها به سعادت نرسد و جز با انکار و ضایع کردن آن به شقاوت نیفتد و باید که خدای سبحان را با دل و دست و زبان یاری نماید» (همان: ۵۰۷).

«پس باید دوست داشتنی ترین اندوخته ها در نزد تو عمل نیکو باشد؛ بنابراین، زمام هوا و هوس را به دست گیر و بر نفس خود در آنچه برای تو حلال نیست، بخل بورز» (همان: ۵۰۸).

این خصوصیت از آن جهت باعث ایجاد اعتماد جامعه به حاکمان و کارگزاران می شود که با ارزش های جامعه دینی مطابقت دارد. از سوی دیگر، این رابطه یک سرمایه معنوی است که بر اساس آموزه های دینی تأثیرات ویژه ای دارد. چه بسا بتوان این سرمایه را با عنوان «سرمایه معنوی» از اختصاصات نهج البلاغه بلکه نگاه دینی به این مقوله محسوب کرد. بر اساس این نگاه، سرمایه معنوی سرمایه ای است که از رابطه خالصانه فرد با خدای متعال برای او فراهم می شود و حق تعالی ضامن تأثیر آن در جامعه است. البته آنچه از تقید دینی حاکمان و کارگزاران در جامعه ما رواج یافته، بیشتر نوعی مناسک گرایی قشری است تا تقید دینی خالصی که مد نظر امیرمؤمنان (علیه السلام) است. اساس این سرمایه، رابطه ای درونی خالصانه با حق تعالی است که به شکل عمل به وظایف دینی جلوه گر می شود و نشانه ای از ریا و تظاهر در آن نیست.

۲-۳. عدالت‌ورزی فراگیر

عدالت‌ورزی در اینجا به معنای ادای حق مردم و پرهیز از تعدی به آن‌هاست. عدالت از آن جهت که قاعده‌ای عام در تأمین منافع مردم محسوب می‌شود، دلخواه عامه است. با ظهور عدالت در جامعه، رابطه مردم با حاکمیت مستحکم می‌شود و بر انسجام و پیوستگی جامعه می‌افزاید. عدالت‌ورزی، اعتماد را نیز تجدید و تقویت می‌کند. به‌طور مثال، حضرت می‌فرماید:

«هیچ چیز مانند ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نسازد و کیفر او را سرعت نبخشد؛ زیرا خداوند دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است» (همان: ۵۰۹).

این بیان نشان‌دهنده تأثیر زیاد ظلم و ستم در سرنوشت افراد و جامعه است. ظلم و ستم در مقابل سیاست اساسی عدالت‌ورزی قرار دارد. مطمئناً از جمله نعمت‌های بزرگ الهی در یک جامعه، نعمت وحدت و یکپارچگی است که با ظلم و ستم حاکمان از دست می‌رود و بین حاکمیت و مردم فاصله زیادی ایجاد می‌کند. ایشان در توصیه‌ای دیگر بر رعایت عدالت بین نزدیکان و دیگران تأکید می‌کند. موضوعی که در جامعه کنونی ما به نقطه ضعف بسیاری از دولتمردان بدل شده است:

«حق را برای هرکس که لازم باشد، از نزدیک و دور رعایت نما و در این راه شکیبایی بورز و پاداش خویش را به حساب خدا گذار. هرچند اجرای حق بر زیان خویشان و نزدیکانت باشد. در این کار آنجا که بر تو سنگین و گران می‌آید، جویای عاقبتش باش که رعایت حق سرانجام خوشی دارد» (همان: ۵۲۶).

۲-۴. اخلاقی بودن حاکم و کارگزاران

اخلاق به معنای صفات ستوده درونی است که به شکل رفتارهای مطلوب و دلخواه انسان‌ها بروز می‌کنند. اخلاقی بودن حاکم و کارگزاران سطحی بالاتر از تقید دینی است. تقید دینی در مقام وظایف عملی است؛ اما اخلاقی بودن در جایی است که وظیفه عملی وجود ندارد بلکه ابراز رفتاری خاص حاکی از اوصاف شایسته در درون فرد است. اخلاقی

بودن ناظر به کنش‌های شخصی مطلوب و ستوده نیز است. اخلاقی بودن سطح گسترده‌ای از تعاملات را پوشش داده و چهره‌ای محبوب از کارگزاران را به نمایش می‌گذارد. در نتیجه، اعتماد به آن‌ها را افزایش می‌دهد و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تقویت می‌کند. به‌طور مثال، حضرت فرموده‌اند:

«با مردم آبرومند، شریف و اهل دودمان‌های شایسته و خوش سابقه بپیوند. آن‌گاه با مردمان دلاور، شجاع، بخشنده و جوانمرد ارتباط برقرار ساز که آن‌ها جامع بزرگواری و شاخه‌هایی از نیکویی هستند. سپس از آنان همچون پدر و مادری که از احوال فرزندان پرسند، دلجویی کن» (همان: ۵۱۵).

حضرت در جای دیگری به پرهیز حاکمان از حرص به مال و ثروت‌اندوزی توصیه می‌کند:

«مردم زمانی تنگدست شوند که تمام همّ حاکمان گردآوردن مال باشد و به ماندن خود بر سرکار بدگمان باشند و از عبرت‌ها کمتر سود برند» (همان: ۵۲۰).

۲-۲-۵. شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری به معنای ملاک بودن شایستگی افراد برای احراز پست‌های یکی از عوامل مهم جلب اعتماد مردم و همچنین ایجاد زمینه مشارکت قانونمند آن‌ها در امور است. شایسته‌سالاری از قرار گرفتن پست‌ها در دست افراد خاص و ایجاد حس تبعیض جلوگیری می‌کند. با شایسته‌سالاری جامعه ترغیب می‌شود ارتقا و پیشرفت خود را از طریق انطباق با ضوابط جست‌وجو کند نه از طریق زد و بندها و بی‌قانونی‌ها. شایسته‌سالاری به قرار گرفتن شایستگان بر مناصب به تقویت هنجارها نیز کمک می‌کند. به‌طور مثال، حضرت در این خصوص می‌فرماید:

«دبیران را به کارهایی که برای حاکمان پیش از تو بر عهده داشته‌اند بیازمایی و از میان‌شان به کسی روی آور که در میان مردم اثری نیکوتر نهاده و در امانت‌داری شناخته‌شده‌تر است که این کار نشانه خیرخواهی تو برای خدا و برای مردمی است که ولایت آنان را بر عهده گرفته‌ای» (همان).

«کارگزارانت را از میان گروهی برگزین که اهل تجربه‌اند و حیا دارند، از خاندان‌های صالح و آنان که در اسلام پیش قدم‌ترند؛ زیرا اخلاق اینان بزرگوارانه‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌شان کمتر و در ارزیابی سرانجام کارها ژرف‌اندیش‌ترند» (همان: ۵۱۸).

۲-۶. حفظ و ترویج ارزش‌ها

ارزش‌های هر اجتماع نقش مهمی در تعامل مفید و سازنده افراد اجتماع با یکدیگر دارد. البته منظور از ارزش‌ها در اینجا غالباً ارزش‌های رسمی است که بر پایه حکمت و باهدف اصلاح و پیشبرد امور ترویج می‌شوند و الا برخی ارزش‌های عرفی چه‌بسا برخلاف این رویه باشند. در ترویج ارزش‌ها حضرت به‌طور مثال، می‌فرمایند:

«سنت نیکویی را که بزرگان این امت به آن عمل کرده و سبب الفت میان مردم گشته و امور رعیت بر پایه آن سامان یافته، مشکن» (همان: ۵۱۲).

حضرت در توصیه‌ای دیگر بر رعایت حال نمازگزاران در برپایی نماز جماعت و جلوگیری از بدبینی مردم به فرایض دینی تأکید می‌کند.

۲-۷. حکمت‌ورزی

حکمت و حکمت‌ورزی به معانی مختلفی است اما منظور ما از حکمت‌ورزی در اینجا به کارگیری خرد و فرزاندگی در جهت توجه به ظرایف امور و ارتباط دقیق بین آن‌هاست. حکمت‌ورزی با تأمین وضعیت مطلوب، رضایت و اعتماد را در مردم ایجاد کرده و همبستگی آن‌ها را افزایش می‌دهد. دو نمونه از توصیه‌های حضرت در این زمینه را مرور می‌کنیم:

«پیمانی مبنی که [ابهامی در آن باشد و] راه تأویل در آن باز باشد. پس از عهد بستن و استوار کردن پیمان [برای برهم زدن آن] بر عبارت‌های دوپهلوی و ابهام‌انگیز تکیه مکن» (همان: ۵۲۷). حضرت به رفتار دقیق و حکیمانه‌ای که مانع آسیب دیدن جامعه اسلامی است توصیه می‌کند.

«آن‌گاه کارهایشان را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت

نهایی توأز کارهای آنان سبب امانتداری و مدارای ایشان با مردم است» (همان: ۵۱۸). امیر مؤمنان (علیه السلام) در این توصیه هم به تأثیر وجود جاسوسان و ناظران در کنترل کارگزاران می‌پردازد که در زمان خود نوعی رفتار دقیق و ظریف حکیمانه و تأثیرگذار بوده است.

موارد ذکرشده سیاست‌ها یا خط‌مشی‌های کلی دولت اسلامی را در زمینه تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی از نگاه امیر مؤمنان (علیه السلام) نشان می‌دهد. در یک نگاه کلی، می‌توان گفت امیر مؤمنان (علیه السلام) نگاهی ارزش محور و هنجارمدار مطابق با آموزه‌های دینی و مذاق جوامع ارزشی به تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی دارد.

۳. نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی ناظر بر هنجارها و ساختارهای اجتماعی است که به روان شدن تعاملات اجتماعی منجر می شود. درک اهمیت سرمایه اجتماعی با آثار تجربه شده ای که در جوامع داشته، امکان پذیرتر است. تحقیقات انجام شده درباره تأثیر سرمایه اجتماعی، تأثیر مثبت آن را در بهبود اوضاع جامعه نشان می دهد. یکی از کانون های تقویت و حفظ سرمایه اجتماعی حاکمیت و دولت است. برخی محققان در زمینه سرمایه اجتماعی بر نقش دولت در تقویت و گسترش سرمایه اجتماعی تأکید کرده اند.

سرمایه اجتماعی در ایران اسلامی دارای فراز و نشیب هایی است، اما بر اساس برخی تحقیقات می توان گفت به طور کلی، سیر نزولی داشته است که باید هرچه سریع تر به ترمیم این آسیب دیدگی اقدام کرد. در این میان نقش حاکمیت در ایجاد و صیانت از سرمایه اجتماعی کاملاً برجسته است؛ بنابراین با توجه به دینی بودن جامعه ایران و با توجه به لزوم استفاده از معارف دینی و منابع اسلامی در اصلاح وضعیت موجود دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به عنوان مانیفست حکومت اسلامی می تواند مرجع ارزشمندی برای محققان باشد.

تحلیل مضمونی بیانات امیر مؤمنان (علیه السلام) در نامه ۵۳ نهج البلاغه نشان می دهد امیرمؤمنان (علیه السلام) حفظ و صیانت سرمایه اجتماعی را با هفت خط مشی یا سیاست کلی زیر امکان پذیر می داند:

۱. مردم داری؛

۲. تقید دینی حاکمان و کارگزاران؛

۳. عدالت ورزی فراگیر؛

۴. اخلاقی بودن حاکم و کارگزاران؛

۵. شایسته سالاری؛

۶. حفظ و ترویج ارزش ها؛

۷. حکمت ورزی؛

نگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) به مقوله تولید و حفظ سرمایه اجتماعی نگاهی دین محور و ارزش مدار است. او بین حکومت و مردم قائل به فاصله نیست. علی (علیه السلام) برای حاکم و کارگزاران دولتی در ارتباط با مقوله سرمایه اجتماعی، نقش محوری در حد الگوی ارزش ها و هنجارها قائل است. ایشان انتقال ارزش ها و هنجارهای سرمایه ساز را منوط به ارتباط و تعامل اخلاقی و حکیمانه حاکمیت با خدا و خلق می داند. وی به پابندی و اهتمام بر ارزش های مهم اعتمادساز از قبیل تعبد خالصانه و عدالت تأکید می کند. در کل، می توان مدعی شد علی (علیه السلام) تولید و حفظ سرمایه اجتماعی را منوط به حفظ و تقویت و گسترش ارزش ها و هنجارهای دینی و الهی می داند.

وجه اشتراک دیدگاه علی (علیه السلام) و برخی متفکران معاصر مانند فوکویاما تأکید بر ارزش ها و هنجارهای سنتی است که از گذشته تاکنون عامل حفظ پیوندهای اجتماعی بوده است. با این تفاوت که علی (علیه السلام) با توجه به نقش و جایگاه حکومت در جامعه از منظر اسلام، نقش شخص حاکم و کارگزاران حکومت اسلامی را در ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی بسیار پررنگ می نماید. علی (علیه السلام) پایه ارزش ها و هنجاری های اجتماعی و در نتیجه سرمایه اجتماعی را در ارتباط مستمر و خالصانه با منبع ارزش ها و کمالات یعنی خالق جهان می بیند و آن را با توصیه های مؤکد اخلاقی در تعامل با مردم نیرو می بخشد. اندیشمندان معاصر مانند فوکویاما فراموش می کنند که موتور محرک ارزش ها و هنجارهای انسانی در اعماق فطرت انسان ها نهفته است و در طول تاریخ، عاملی مؤثرتر از دین و مذهب آن را شکوفا نکرده است، به همین دین تنها به اهمیت مذهب اشاره می کنند و از تفصیل این معنا که مذهب چگونه موفق به این تأثیرگذاری شده توجه نمی کند. تأکید بر این نکته از آن جهت مهم است که در جامعه دینی ما نیز تأکید بر جایگاه مذهب نباید بدون توجه به ریشه ها و التزام به آن باشد.

ویژگی دیدگاه محققان معاصر توجه به آسیب هایی است که در جهان معاصر، سرمایه اجتماعی را تهدید می کند؛ چیزی که به احتمال زیاد آسیب جدی جامعه عصر علی (علیه السلام) نبوده است.

نکته جالب توجه در بحث سرمایه اجتماعی که مورد توجه محققان معاصر قرار گرفته تأکید بر ارزش ها و هنجارهایی است که از گذشته های دور ادیان آسمانی به آن اهتمام جدی داشته اند. پس می توان ادعا کرد تأکید امیر مؤمنان (علیه السلام) بر ارزش ها و هنجارهای انسانی و الهی و ریشه های آن شامل هنجارگرایی محققان معاصر نیز می شود.

منابع و مآخذ

- نهج البلاغه. (۱۳۸۱). ترجمه علی شیروانی. قم: نسیم حیات.
- ابراهیمی، مهرنوش؛ اسماعیلی، مهدی؛ کاظمی جویباری، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در ایران (مطالعه موردی قتل)». *مجله حقوق پزشکی*. صص: ۳۴۶-۳۵۵.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. نشر نی. تهران.
- امیری، مجتبی. (۱۳۷۴). «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما». *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. مهر و آبان ۱۳۷۴. شماره ۹۷ و ۹۸. صص: ۱۱-۱۵.
- امینی رارانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن. (۱۳۹۰). «رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران». *نشریه رفاه اجتماعی*. پاییز ۱۳۹۰. شماره ۴۲. صص: ۲۰۳-۲۲۸.
- رحیمیان، محمد؛ کشاورز شکری، عباس؛ ترابی، یوسف. (۱۳۹۷). «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی». *نشریه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. پاییز و زمستان ۱۳۹۷. شماره ۲. صص: ۱-۲۴.
- ساعی، علی؛ کبیری، افشار؛ کسرائی، محمد سالار؛ صادقی، حسین. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸». *نشریه مسائل اجتماعی ایران*. زمستان ۱۳۹۰. سال دوم. شماره ۲. صص: ۶۳-۹۴.
- شجاعی باغینی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شیرخانی، محمدعلی؛ واسعی‌زاده، نسیم سادات. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بررسی مقایسه‌ای ایران و کره جنوبی». *نشریه سیاست*. تابستان ۱۳۹۰. شماره ۱۸. صص: ۲۱۳-۲۳۲.
- ضمیری، محمدرضا. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی فرهنگ*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
- علینی، محمد. (۱۳۹۱). *سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- فقیه خلجانی، سیده فاطمه. (۱۳۹۲). *سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی*. تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. مترجم غلام‌عباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه‌ایرانیان.
- فیلد، جان. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*. تهران: نشر موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷). *اصول کافی*. جلد ۳ و ۴. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: انتشارات گلگشت.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی در ایران». *نشریه رفاه اجتماعی*. زمستان ۱۳۸۵. شماره ۲۳. صص: ۵-۶.
- مفید، محمد بن محمد. (۲۰۰۹ م). *الاختصاص*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ملکی، خسرو. (۱۳۹۵). *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر فرانسه*. تهران: جامعه‌شناسان.

- مهرگان، نادر؛ دلیری، حسن؛ شهنواز، سارا. (۱۳۹۱). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. سال بیستم. زمستان ۱۳۹۱. شماره ۶۴. صص: ۵ - ۲۴.
- نصراللهی، زهرا؛ مکیان، نظام‌الدین؛ اسلامی، راضیه. (۱۳۹۴). «سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام». *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. زمستان ۱۳۹۴. شماره ۱۳. صص: ۲۳ - ۳۸.

منابع اینترنتی

- حق‌شناس، معصومه. (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن». حوزه نت. تاریخ مشاهده مهرماه ۱۴۰۰.
<https://hawzah.net/fa/Magazine/View>
- رفیعی راد، احمدعلی. (۱۳۹۲). «سرمایه اجتماعی و ابعاد آن». *وبلاگ نقطه نظر*. تاریخ مشاهده مهرماه ۱۴۰۰.
<http://nnazar.blogfa.com/post>



امام هادی (علیه السلام) و مواجهه با آرای کلامی عامه

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۳

رسول محمدجعفری^۱

چکیده

در دوران امامت امام هادی (علیه السلام) عامه مردم موضوعات کلامی جنجال برانگیزی مطرح می کردند که با باورهای صحیح اسلامی ناسازگار بود و امام هادی (علیه السلام) به تبیین و تصحیح آن ها پرداختند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی مواجهه ایشان با برخی آرای کلامی عامه برآمده است. در این تحقیق، مواجهه امام هادی (علیه السلام) با آرای کلامی عامه در چهار مسئله: تشبیه و تنزیه (صفات خبریه)، جبر انسان ها، حدوث و قدم قرآن و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بررسی شده است. یافته ها حاکی است: ۱. در تشبیه و تنزیه، عامه یا تصویری جسمانی از آن ها ارائه می کردند یا با جمود بر ظواهر آن ها، از تبیین عقلی آن ها فرو می ماندند. امام هادی (علیه السلام) هر دو رویکرد را نقد و معنای معقول و منطبق بر محکمت قرآن بیان کرده اند. ۲. در مسئله جبر و اختیار، عامه به جبر باورمند شدند و انسان ها را در هدایت و ضلالت و اعمال شان فاقد اختیار پنداشتند. امام (علیه السلام) آیات هدایت و ضلالت را مجاز دانسته و با نفی خلق افعال توسط خداوند، اختیار را اثبات کرده است. ۳. در مسئله خلق قرآن، برخی عامه معتقد بودند که قرآن کلام خداوند و غیر مخلوق است، برخی دیگر به حدوث قرآن باورمند شدند. امام (علیه السلام) ورود به این مسئله را «فتنه» دانسته و از آن برحذر داشته اند. البته احتمالاً بتوان از کلام ایشان دلالت تضمینی حدوث قرآن را فهمید. ۴. در مسئله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) عامه با استناد به حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) معتقدند امت اسلام بر بیعت با ابوبکر اجماع کردند. امام هادی (علیه السلام) صحت استدلال به آن را زمانی صحیح دانسته اند که برخی از امت با برخی دیگر در مخالفت نباشند.

کلیدواژه ها: امام هادی (علیه السلام)، تشبیه و تنزیه، جبر انسان ها، حدوث و قدم قرآن، جانشینی

پیامبر (صلی الله علیه و آله)

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد: r.mjafari@shahed.ac.ir

مقدمه

پس از رحلت آخرین فرستاده الهی، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، امت اسلامی از مسیر اصلی خود به کژی گرایید و خلافت و رهبری آیین و دولت نوپای نبوی در جایگاه اصلی و از پیش معین استقرار نیافت. انحراف به وجود آمده در مسئله جانشینی، مبدأ تحولات دینی، سیاسی و اجتماعی عمیقی در جامعه شد. شهرستانی از نویسندگان کهن کتب ملل و نحل معتقد است که سترگ‌ترین عامل اختلاف بین امت، مسئله امامت بود؛ زیرا در عالم اسلام برای هیچ‌یک از موضوعات دینی همچون امامت شمشیر آخته نگردید (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۱).

اختلاف در مصداق امامت امت به این چالش محدود نماند و تقریباً تمام موضوعات اسلامی به‌ویژه دیدگاه‌های کلامی را فرا گرفت. آن‌سان که به گواهی متون تاریخی و کتب ملل و نحل در دوسده نخست اسلامی، فرقه‌های متعدد و اختلاف نظرهای عمیق در مسائل متعدد فکری و کلامی پدیدار شد. طبق باور امامیه، ۱۲ امام جانشینان انتصابی و نه انتخابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده‌اند که وظیفه مهم رهبری و هدایت جامعه و تبیین آیات قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به‌طور کلی، آموزهای اصیل و صحیح را عهده‌دار شده‌اند. ایشان گاه ابتدا، گاه در پی سؤال و گاه در مواجهه با تفسیر ناراست جریان‌های فکری و کلامی از آیات، به تفسیر صحیح آن‌ها اقدام می‌کردند.

دوران امامت امام هادی (علیه السلام) طی سال‌های ۲۲۰ - ۲۵۴ قمری (۳۴ سال) به طول انجامید (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۷۳ و ۲۹۷). عامه مردم در این سال‌ها، موضوعات کلامی جنجال‌برانگیزی مطرح می‌کردند که با مبانی و باورهای اعتقادی اصیل و صحیح اسلامی ناسازگار بود؛ بنابراین حضرت به تبیین و تصحیح آن‌ها پرداختند. نظر به اهمیت موضوع این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی نوع مواجهه امام هادی (علیه السلام) با برخی آرای کلامی عامه است.

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه روایات و تلاش‌های امام هادی (علیه السلام) در تبیین مسائل کلامی، تحقیقات اندکی

نگاشته شده است. برخی از آن‌ها عبارت است از: مقاله «بررسی ضرورت عقلی امامت از دیدگاه امام هادی (علیه السلام)» نگاشته یوسفی و کبیری آرانی (۱۳۹۷)، نویسندگان در این اثر برخی براهین عقلی مانند: برهان واسطه فیض، برهان لطف و برهان نیاز جامعه به امام، که بر اثبات ضرورت امامت از دیدگاه امام هادی (علیه السلام) با تکیه بر حدیث ثقلین قابل استنباط است، تبیین کرده‌اند.

در مقاله «سازواری قالب و مفاد زیارت جامعه کبیره و نیاز معرفتی امامیه در عصر امام هادی (علیه السلام)» اثر توحیدی نیا (۱۳۹۷)، نویسنده نشان داده است که قالب و مفاد زیارت‌نامه جامعه کبیره، جواب‌گوی نیازهای خطیر معرفتی امامی‌مذهبان در زمانه امام هادی (علیه السلام) است و می‌توان آن را یک نظام‌نامه جامع برای مدیریت افکار شیعیان امامی در آن دوره شمرد.

در مقاله «کرامت امام هادی (علیه السلام) درباره زنده کردن تصویر شیر؛ بررسی موردی کرامت حضرت امام هادی (علیه السلام) در مورد خوردن شعبده‌باز هندی توسط شیر» تألیف حیران و یکه خانی (۱۳۹۶)، نویسندگان به بررسی و نقد منبع، سند و محتوای روایتی از کرامت امام هادی (علیه السلام) درباره زنده کردن تصویر شیر مبادرت ورزیده‌اند.

به رغم سامان دادن پژوهش‌های یاد شده، پژوهشی مستقل به بررسی مواجهه امام هادی (علیه السلام) با آرای کلامی عامه در چهار مسئله: تشبیه و تنزیه (صفات خبریه)، جبر انسان‌ها، حدوث و قدم قرآن و جانشینی پیامبر ﷺ نپرداخته است و مقاله حاضر برای جبران این کاستی سامان یافته است.

۲. آرای کلامی و مواجهه امام هادی (علیه السلام)

در دو قرن و نیم نخست اسلامی مسائل چالش‌برانگیز متعددی در حوزه اعتقادات رخ برکشید: امامت، کفر و ایمان، تشبیه و تنزیه، انسان‌شناسی، عصمت انبیا و حدوث و قدم قرآن از مهم‌ترین مسائلی بودند که جریان‌ها با برداشت‌های خاص خود از آیات و گاه تمسک به روایات پیامبر ﷺ، جامعه را با کشمکش‌های فکری و سیاسی فراوانی مواجه

کردند. اهل بیت (علیهم السلام) در کشاکش این مسائل تا جایی که شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه اقتضا می کرد، به صورت روشمند، تفسیر و تأویل صحیح آیات را تبیین می کردند و موارد تحریف و جعل را در روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشان می دادند.

در روایات امام هادی (علیه السلام)، ایشان دست کم به چهار مسئله کلامی مناقشه برانگیز عامه پرداخته و به مواجهه با آن ها اقدام کرده است. این مسائل عبارت است از: ۱. تشبیه و تنزیه (صفات خبریه)، ۲. جبر انسان ها، ۳. حدوث و قدم قرآن، ۴. جانمایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ادامه دیدگاه عامه در این موضوعات و موضع امام هادی (علیه السلام) در قبال آن ها تبیین می شود.

۲-۱. تشبیه و تنزیه (صفات خبریه)

در موضوع خداشناسی، عالمان برای صفات خداوند تقسیم بندی های متفاوتی بیان کرده اند. صفات الهی از منظری به دو دسته قابل تقسیم است: صفات ذاتیه و صفات خبریه. صفات ذاتیه شامل علم، قدرت، حیات، سمع و بصر و هر صفتی است که به آن ها صفات کمالی اطلاق می شود. صفات خبریه، صفاتی است که ظواهر آیات و احادیث بر آن ها دلالت دارد. از قبیل: علو، وجه، یدین، رجل (سبحانی، ج ۹: ۹۵)، مانند: «يَدُ اللَّهِ» در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۱)، «وَجْهَ اللَّهِ» در آیه: «فَإِنَّمَا تُولُوا فَتْمَ وَجْهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۱۱۵)، «عَيْنُ اللَّهِ» در آیه: «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا» (هود، ۳۷). امام هادی (علیه السلام) در مواردی برداشت های نادرست عامه از صفات خبریه را نقد کرده است.

برای فهم بهتر برخی روایات، باید توجه داشت که بسیاری از معارف توحیدی، مانند منزّه بودن خدا از مکان، زمان، صورت، حس، عضو، رؤیت با حواس، و نیز منزّه بودن عرش و کرسی از ماده و جسمیت که اکنون برای ما جزو بدیهیات است در زمان امامان معصوم (علیهم السلام) حتی برای اصحاب آنان جزو مباحث نظری بود که اصحاب یا این مطالب را از حضرات معصومین (علیهم السلام) می پرسیدند یا برای اطمینان، عقاید خویش را به آنان عرضه می کردند. نمونه آن عبدالعظیم حسنی است که عقاید خود را چنین بر حضرت امام هادی (علیه السلام) عرضه داشت: «إِنِّي أَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ خَارِجٌ

عَنِ الْحَدِيثِ حَدُّ الْإِبْطَالِ وَحَدُّ التَّشْبِيهِ وَإِنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَلَا صُورَةً وَلَا عَرَضٍ وَلَا جَوْهَرًا...^۱ امام هادی (علیه السلام) ضمن تأیید اعتقادات عبدالعظیم حسنی فرمود: «هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أُتِصَّاهُ لِعِبَادِهِ»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۸۱-۸۲). از این روایت معلوم می شود مذهب امامیه در آن اعصار در ردّ مذهب تشبیه و تعطیل، شاخص و معروف بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۸۸).

در سند حدیث، عبیدالله بن موسی بن ایوب مجهول است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۱۹۶). اگرچه روایت از نظر سندی ضعیف است، ولی مضمونی صحیح و موافق آیات قرآن دارد. علامه طباطبایی روایات تفسیری ای که از نظر سند، خبر واحد - ضعیف السند یا صحیح السند - هستند، در صورت برخورداری از مضمون صحیح و موافق با قرآن معتبر می داند. وی در الـمیزان می نویسد: آنچه در زمینه روایات غیرفقهی برای پژوهشگر مهم است، این است که در جست و جوی موافقت روایات با آیات قرآن باشد؛ اگر موافق بود، خود ملاکی برای اعتبار آن است. در این صورت برخورداری از سند صحیح بدان زینت می بخشد و اگر موافق نبود، هیچ ارزش و اعتباری ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹: ۲۱۲). آیت الله جوادی آملی نیز بر اساس مشی استاد خود، دیدگاهش را استوار ساخته است. ایشان در تفسیر تسنیم می نویسد: «مبحث رجال را باید از مبحث درایه جدا کرد؛ گاهی رجال سند موثقند و حدیث مآثور از جهت سند معتبر است؛ لیکن از لحاظ «درایه» با درایت عقلی یا نقلی هماهنگ نیست و زمانی به عکس آن؛ یعنی از جهت درایه با عقل و نقل معتبر هماهنگ است، ولی از جهت رجال سند اشکال دارد و گاهی اتقان متن و توافق آن با خطوط کلی دیگر زمینه ترمیم را فراهم می کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۷)؛ بنابراین اگر روایتی مضمونی صحیح و منطبق با آیات داشته باشد، استفاده می شود و صرف ضعف سند، موجب کنار گذاشتن آن نخواهد بود.

۱. «من معتقدم خدا یکی است و مثل و مئول و مانند ندارد و از حد ابطال و تشبیه خارج است و جسم و صورت و عرض و جوهر نیست...». ۲. «به خدا سوگند! این همان دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است». «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الدَّقَّاقِ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَزَائِقِ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو تَرَابٍ غُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الرَّوْيَانِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَسَنِيِّ قَالَ: ...»

۲-۱-۱. باور به نزول خداوند به آسمان دنیا

از جمله مسائلی که در موضوع تشبیه و تنزیه خداوند مطرح است، مکان داشتن خداوند و به تبع آن، صعود و نزول فیزیکی خداوند است. یکی از باورهای عامه بر اساس روایت‌های منقول آنان، نزول خداوند به آسمان دنیاست. به نقل از ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند: خداوند هر شب به آسمان دنیا پایین می‌آید و در یک سوم آخر شب گوید: چه کسی است مرا بخواند تا او را اجابت کنم؟ چه کسی است از من درخواست نماید تا بدو عطا نمایم؟ چه کسی است استغفار کند تا از او درگذرم؟^۱ (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۴۷؛ مسلم، ج ۲: ۱۷۵؛ ترمذی، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۱۸۸).

در مواجهه با این حدیث، امام رضا علیه السلام به تحریف لفظی حدیث پیامبر ﷺ و پیرو آن برداشت ناصواب از آن اشاره فرموده است. آن حضرت شکل صحیح روایت را از پدران‌شان به نقل از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند که خداوند فرشته‌ای را در یک سوم پایانی هر شب، در شب جمعه از ابتدای شب به آسمان دنیا نازل می‌نماید و به او فرمان می‌دهد تا ندا دهد: آیا درخواست‌کننده‌ای وجود دارد تا به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای وجود دارد تا توبه او را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای وجود دارد تا از او درگذرم؟ ای طالب خیر! روی بیاور، ای طالب شر! باز ایست. فرشته تا طلوع فجر پیوسته ندا می‌دهد، پس از طلوع فجر به جایگاه خود در ملکوت آسمان بر می‌گردد.^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۷۶؛ ۱۴۰۰ق: ۴۱۰-۴۱۱).

امام هادی علیه السلام روش تبیینی دیگری در مواجهه با این روایت اتخاذ کرده است. کلینی گزارش کرده است که محمد بن عیسی با امام هادی علیه السلام مکاتبه و از آن حضرت سؤال می‌کند: «روایت شده است که خداوند در جایی غیر از عرش مستقر است و او نیمه دوم

۱. «... عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ يَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ»

۲. «... عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا ﷺ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي الْخَدِيثِ الَّذِي يَرْوِيهِ النَّاسُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُجَرِّفِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَاللَّهُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ وَ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيَنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ يَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ حَذَّيْنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»

هر شب به آسمان دنیا پایین می آید و نقل شده که از اول شب عرفه فرود می آید سپس به جای خود باز می گردد. برخی شیعیان شما در این باره معتقدند: اگر خداوند در جایی غیر از جای دیگر باشد، با هوا برخورد و او را احاطه می کرد و حال آنکه هوا جسم رقیقی است که بر هر چیزی به اندازه اش احاطه می کند، چگونه در این صورت بر خداوند احاطه صورت می گیرد. امام (علیه السلام) در پاسخ نوشتند: علم آن نزد خداوند است و او بهترین تقدیر را مقدر می نماید و بدان همان گونه که او در آسمان دنیا است در عرش است، به طور مساوی به همه اشیا، علم، قدرت، فرمان رویی و احاطه دارد»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۲۶). سند این حدیث صحیح است.^۲

علامه مجلسی در شرح این جمله امام (علیه السلام) «او بهترین تقدیر را مقدر می کند»، می نویسد: سخن حضرت اشاره ظریفی به این دارد که مقصود از فرود آمدن خداوند، مقدر نمودن نزول رحمتش و نزول آن همراه با تقدیر است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۶۶)؛ بنابراین با توضیحی که حضرت هادی (علیه السلام) از روایت داشته اند، جسمانیت، مکان و نزول و فرود از خداوند منتفی است و آنچه از جانب خداوند به سوی دنیا فرود می آید مقدرات الهی است، همان طور که در آیات قرآن وقتی می فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ...» (الأنعام، ۱۵۸)، آیات الهی یا امر خداوند و امثال آن در تقدیر است، چنانکه در ادامه و سیاق آیه مذکور آمده است: «... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (الأنعام، ۱۵۸).

مشابه تبیین امام هادی از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت با بیان صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند، اراده حدیث طبق معنای مد نظر عامه را رد کرده است. وقتی از امام کاظم (علیه السلام) درباره پندار گروهی در نزول خداوند به آسمان دنیا سؤال شد، ایشان در

۱. «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) جَلِيلِي اللَّهُ فِدَاكَ يَا سَيِّدِي قَدْ رَوَى لَنَا أَنَّ اللَّهَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ أَنَّهُ يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ فِي النِّصْفِ الْأَخِيرِ مِنَ اللَّيْلِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَ رَوَى أَنَّهُ يَنْزِلُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَوْضِعِهِ فَقَالَ بَعْضُ مَوَالِيكَ فِي ذَلِكَ إِذَا كَانَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعِ فَقَدْ يَلْقَاهُ الْهَوَاءُ وَ يَتَكَثَّفُ عَلَيْهِ وَ الْهَوَاءُ جِسْمٌ رَقِيقٌ يَتَكَثَّفُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقَدَرِهِ فَكَيْفَ يَتَكَثَّفُ عَلَيْهِ جَلُّ شَأْنِهِ عَلَى هَذَا الْمَثَالِ فَوَقَّعَ (علیه السلام) عَلِمَ ذَلِكَ عِنْدَهُ وَ هُوَ الْمُقَدَّرُ لَهُ بِمَا هُوَ أَحْسَنُ تَقْدِيرًا وَ أَعْلَمُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَهُوَ كَمَا هُوَ عَلَى الْعَرْشِ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا لَهُ سَوَاءٌ عِلْمًا وَ قُدْرَةً وَ مُلْكًا وَ إِحَاطَةً»

۲. محمد بن عیسی بن عبید، امامی، ثقه و عین می باشد (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۴)، سهل بن زیاد آدمی، ثقه و صحیح المذهب است (طوسی، ۱۳۸۱ ق: ۳۸۷)، علی بن محمد علان الکلبینی، امامی، ثقه و عین می باشد (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۲۶۱).

پاسخ فرمودند: «خداوند فرود نمی‌آید و از آن بی‌نیاز است، آگاهی از نزدیک و دور برای او یکسان است؛ نزدیک از او دور نمی‌شود و دور به او نزدیک نمی‌شود، به چیزی نیاز ندارد بلکه محل رجوع نیازها است و او بخشنده، یگانه، شکست‌ناپذیر و حکیم است؛ اما کسانی که او را به نزول توصیف می‌کنند، سخن کسانی را می‌گویند که به خداوند کاستی و فزونی را نسبت می‌دهند و در این صورت، متحرک خواهد بود و هر متحرکی به محرک یا وسیله حرکت نیازمند است. هر کس که به خداوند چنین ظنی داشته باشد هلاک خواهد شد؛ بپرهیزید از اینکه خداوند را به کاستی و فزونی، حرکت و حرکت‌پذیری، زوال و نزول، برخاستن و نشستن توصیف کنید؛ زیرا خداوند بلندمرتبه و برتر از تعریف معرفان و توصیف واصفان و توهّم و وهم‌اندیشان است. بر خداوند شکست‌ناپذیر و مهربان توکل کن؛ خداوندی که تو را می‌بیند چون به نماز می‌ایستی و در میان سجده کنندگان حرکت می‌کنی»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۱۸۳).

۲-۲. جبر انسان‌ها

یکی از موضوعات فکری مهمی که همواره اذهان انسان‌ها را به خود مشغول داشته است، اختیار یا عدم اختیار انسان در افعالش است. این موضوع در تعالیم قرآن نیز ریشه دارد و در سده نخستین اسلام، در جامعه اسلامی به صورت مسئله‌ای پیچیده و دشوار نمودار شد و یکی از وجوه مهم در تمایز فرق اسلامی از یکدیگر بود. البته گاه در توجیه سیاست‌های حکومتی غاصبان خلافت نیز از آن سوء استفاده می‌شد.

واقعی گزارش می‌کند: عمر بن خطاب شکست مسلمانان را در جنگ حنین امر خداوند دانست (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۹۰۴). سیوطی در تاریخ الخلفاء می‌نویسد: از عبدالله بن عمر روایت شده است که مردی نزد ابوبکر حاضر شد و گفت: آیا زنا به قدر خداوند

۱. «... عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذَكَرْتُ عِنْدَهُ قَوْمَ يُزْعَمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْزِلُ وَلَا يَخْتَلِجُ إِلَى أَنْ يَنْزِلَ إِنَّمَا مَنْظَرُهُ فِي الْقُرْبِ وَالْبُعْدِ سَوَاءٌ لَمْ يَبْعُدْ مِنْهُ قَرِيبٌ وَلَمْ يَقْرُبْ مِنْهُ بَعِيدٌ - وَلَمْ يَخْتَلِجْ إِلَى شَيْءٍ بَلْ يُخْتَلَجُ إِلَيْهِ وَهُوَ ذُو الطُّيُولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. أَمَّا قَوْلُ الْوَاصِفِينَ إِنَّهُ يَنْزِلُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِنَّمَا يَقُولُ ذَلِكَ مَنْ يَنْسُبُهُ إِلَى نَقْصٍ أَوْ زِيَادَةٍ وَكُلُّ مَنْتَحَرِكٍ مُخْتَلَجٌ إِلَى مَنْ يَحْرُكُهُ أَوْ يَنْتَحَرِكُ بِهِ فَمَنْ ظَنَّ بِاللَّهِ الظُّنَّ هَلَكَ فَاحْذَرُوا فِي صِفَاتِهِ مَنْ أَنْ تَقْفُوا لَهُ عَلَى حَدِّ تَحْدُونِهِ بِنَقْصٍ أَوْ زِيَادَةٍ أَوْ تَحْرِيكِ أَوْ تَحْرُكٍ أَوْ زَوَالٍ أَوْ اسْتِنْزَالٍ أَوْ نُهُوضٍ أَوْ قُعُودٍ فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ عَنْ صِفَةِ الْوَاصِفِينَ وَنَعْتِ التَّائِعِينَ وَتَوْهَمِ الْمُتَوَهِّمِينَ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلِبُكَ فِي السَّاجِدِينَ.»

است؟ گفت: بله، گفت: خداوند بر من تقدیر کرده سپس به سبب آن من را عذاب می کند؟ ابوبکر گفت: بله، ای پسر زن بدبو! به خدا سوگند اگر کسی نزد من حضور داشت امر می کردم، بینی تو را به خاک بمالد (سیوطی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱: ۸۷). بر پایه این دو گزارش برخی دانش پژوهان معتقدند که اندیشه جبر در دوران جاهلیت در میان عرب و پس از آن دوران نیز در اذهان صحابه رسوخ داشته است (سبحانی، ۱۴۲۵ ق، ج ۵: ۱۲۰).

حکومت بنی امیه از آغاز خلافت معاویه تا فرجام آخرین خلیفه اموی توانست با استفاده از اعتقاد به جبر بر مردم حکمرانی کند. اعتقادی که انسان و جامعه را در حوادث تلخ و شیرین جامعه فاقد اختیار و آن ها را امری محتوم می دانست. این تفکر ابزاری برای پوشش رفتارهای نامشروع امویان و جلوگیری از اعتراض مردمی بود. این اندیشه به وسیله سخنوران و واعظان مزدور اموی ترویج می شد (سبحانی، ج ۳: ۱۵۶-۱۵۷) و دامنه استفاده ابزاری تا آنجا پیش رفت که مسئول مستقیم جنایت کم نظیر واقعه کربلا، خداوند معرفی می شود.^۱

در میان جریان های اسلامی اعتقاد به جبر بیش از اعتقاد به تفویض (اختیار مطلق انسان) طرفدار داشت و همان طور که گذشت این تفکر ریشه در جاهلیت داشته و رسوبات آن در سخن و سیره برخی صحابه نمایان بود. درست بر خلاف موقوفه، قائلان به جبر آیاتی که در برخورد ابتدایی به نوعی افعال انسان را به خداوند مستند می کردند، دست مایه تبیین اندیشه خود قرار دادند؛ اما اهل بیت (علیهم السلام) که جان خود را از آبخور وحی نوشانیده اند، این موضوع دشوار فکری را به شیوه ای عقلایی و خردپسند تبیین کرده اند. بررسی تمام آیات از عهده این پژوهش خارج است و تنها به آیاتی که ذیل آن ها روایات امام هادی (علیه السلام) آمده است، اکتفا می شود.

۱. ابن زیاد در دارالاماره کوفه زینب (علیها السلام) را خطاب قرار می دهد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ» و می گوید: «كَيْفَ رَأَيْتَ فِعْلَ اللَّهِ بِأَهْلِ بَيْتِكَ» (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۱۱۵) و به امام سجاد (علیه السلام) می گوید: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَتَلَ» (خداوند او [برادرت] را کشت) (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۱) مشابه سخن ابن زیاد را یزید به امام سجاد (علیه السلام) می گوید: «... فَضَنَّعَ اللَّهُ بِهِ مَا قَدْ رَأَيْتَ» (...آن چه را دیدی، خدا با پدرت چه کرد؟) (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۱۲۰).

۲-۱. هدایت و ضلالت جبری

علامه مجلسی در موسوعه بحار الانوار، ۹۱ آیه قرآن را در موضوع هدایت و ضلالت که غالب آیات این باب است، گرد آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۱۷۷). در برخورد ابتدایی با این آیات به نظر می‌رسد که هدایت و گمراهی انسان‌ها به دست خداوند است؛ بنابراین با جمود در ظواهر آیات و عدم عرضه آن‌ها بر محکمت آیات، مجبّر با دستاویز قرار دادن آن‌ها، بر نفی اختیار انسان در انتخاب یکی از این دو مسیر استدلال کرده‌اند. از جمله این آیات عبارت است از:

«مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (الانعام، ۳۹)^۱، «مَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (الاعراف، ۱۸۶)^۲، «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (النحل، ۹۳)^۳

امام هادی (علیه السلام) در تبیین این دسته از آیات، آن‌ها را متشابه دانستند که باید به محکمت ارجاع و بر اساس آن‌ها تفسیر شود. با توضیحاتی که امام هادی (علیه السلام) از آن‌ها ارائه کرده‌اند، شائبه هر گونه جبری در نهاد انسان بر چیده می‌شود. امام هادی (علیه السلام) آیه «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» و همه آیات مشابه آن را (در باب هدایت و ضلالت) مجاز می‌داند که دو معنا دارند:

معنای نخست، خبر از قدرت خداوند است؛ به این معنا که او قادر است بر هدایت و گمراهی هر کس که بخواهد. اگر خداوند کسی را بر هدایت یا گمراهی مجبور کند، در این صورت انسان‌ها، نه سزاوار پاداشی خواهند بود و نه درخور عقاب.

معنای دیگر این است که هدایت از جانب او به معنای نشان دادن است؛ آن‌سان که «هدایت» در آیه «وَأَمَّا تَمْوِدُ فَهْدَيْنَاهُمْ» (فصلت، ۱۷) به معنای نشان دادن راه برای

۱. «هر که را خدا بخواهد گمراهش می‌گذارد و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد.»

۲. «هر که را خداوند گمراه کند، برای او هیچ رهبری نیست، و آنان را در طغیانشان سرگردان و می‌گذارد.»

۳. «و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد، ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد.»

قوم ثمود است، اما آنان کور دلی را بر هدایت ترجیح دادند: «فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى» (فصلت، ۱۷). اگر خداوند آنان را بر هدایت مجبور می کرد، آنان قادر نبودند گمراه شوند. آیات متشابه قرآن، حاکم بر آیات محکم قرآن نیستند، ما به پیروی از آیات محکم امر شده ایم، همان طور که فرموده: «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران، ۷) و در آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۷-۱۸)؛ «أحسن» یعنی: محکم تر و روشن تر^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۴۷۵).

از نظر اعتبار سندی، اگر چه این روایت بدون سند متصل از تحف العقول نقل شده است، ولی عالمان به روایات این کتاب اعتماد کرده اند. به گفته علامه مجلسی اکثر روایات این کتاب در مواعظ و اصول معلومی است که به سند احتیاج ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱: ۲۹).

در این روایت امام هادی علیه السلام برای تفسیر آیه ابتدا آن را متشابه دانسته است که باید به محکmat برگردانده شود، آن گاه با تأویل آیه دو معنا ارائه می کند. معنای اول، همسو با معنای آیه «فَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (الانعام، ۱۴۹): «و اگر [خدا] می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد» است که طبق مفاد آن خداوند نخواسته است انسان ها به صورت جبری ایمان بیاورند. در نامه امام حسن علیه السلام به صری، ایشان آیه اخیر را دلیلی بر نفی جبر آورده است^۴ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۲۳۱).

۱. «پاره ای از آن، آیات محکم اصریح و روشن است. آن ها اساس کتابند و اِپاره ای دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]، اما کسانی که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن اِبه دلخواه خود از متشابه آن پیروی می کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند» و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود.

۲. «پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند.»

۳. «رسالتی آبی الحسن علی بن محمد علیه السلام فی الرد علی اهل الجبر و التفویض و اثبات العدل و المنزلة بین المنزلتین: ... فَإِنْ قَالُوا مَا الْحِجَةُ فِي قَوْلِ اللَّهِ- يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَيُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَشْتَبِهَاقِيلَ مَجَازٍ هَذِهِ الْآيَاتُ كُلُّهَا عَلَيَّ مَعْنَتَيْنِ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَاِخْتَارَ عَنْ قُدْرَتِهِ أَيْ إِنَّهُ قَادِرٌ عَلَى هِدَايَةِ مَنْ يَشَاءُ وَ ضَلَالِ مَنْ يَشَاءُ وَإِذَا أَجَبَرَهُمْ بِقُدْرَتِهِ عَلَى أَحَدِهِمَا لَمْ يَجِبْ لَهُمْ ثَوَابٌ وَلَا عَلَيْهِمْ عِقَابٌ عَلَى نَحْوِ مَا شَرَحْنَا فِي الْكِتَابِ وَالْمَعْنَى الْآخَرُ أَنَّ الْهِدَايَةَ مِنْهُ تَغْرِيفُهُ كَقَوْلِهِ وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ أَيْ عَرَفْنَاهُمْ- «فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى» فَلَوْ أَجَبَرَهُمْ عَلَى الْهُدَى لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَضِلُّوا وَ لَيْسَ كَلِمًا وَرَدَتْ آيَةٌ مُشَبِّهَةٌ كَانَتْ الْآيَةُ حِجَّةً عَلَى مُحْكَمِ الْآيَاتِ الْوَاتِيَةِ أَمْرًا بِالْأَخْذِ بِهَا مِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَاتَّبِعُوا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ» وَ قَالَ «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أَيْ أَحْكَمَهُ وَ أَشْرَحَهُ»

۴. «فَاجَابَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السلام: ... فَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ أَنْ اللَّهَ يَعْلَمُهُ فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ أَحَالَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ فَقَدْ فَجَرَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُطْعَمْ مَكْرَهَا وَ لَمْ يُعْصَ مَغْلُوبًا ...»

امام هادی (علیه السلام) معنای دومی که از آیه ارائه می دهد، با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن و بیان وجوه مختلف واژه «هدی» است. «هدایت» از جمله واژگانی است که دارای وجوه معنایی متعددی است، یکی از وجوه معنای آن، معنای «بیان» است و آیه «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ» (البقرة، ۵) بر این وجه معنا شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۴۴۱). این معنا نزدیک به همان معنایی است که امام هادی (علیه السلام) ارائه کرده است.

۲-۲-۲. خلق اعمال توسط خداوند

عامه معتقدند خداوند خالق افعال بندگان است؛ چنان که در آیه «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (الصفات، ۹۶)؛ «خدا شما و آنچه را که برمی سازید آفریده است»، به آن اشاره شده است (بیهقی، ۱۴۲۱ق: ۷۷). وقتی از امام هادی (علیه السلام) سؤال می شود که آیا افعال بندگان را خداوند آفریده است؟ ایشان در پاسخ می فرماید: اگر خداوند خالق افعال بود از آن ها بیزاری نمی جست همان طور که در آیه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» (التوبه، ۳) خداوند از آفرینش آنان بیزاری نجسته و تنها از شرک و افعال قبیح آنان اعلام بیزاری کرده است^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۳-۴۴) امام (علیه السلام) با استفاده از عقل و در پرتو برهان خلف اختیار انسان را تبیین می کند. بر اساس این برهان، ایشان با نفی خلق افعال به وسیله خداوند، اختیار را اثبات کرده است. از جهت اعتبار سندی، روایت مذکور را شیخ مفید بدون درج اسناد گزارش کرده است. روایت به رغم فقدان سند، مضمون صحیحی داشته و به حکم عقل ارشاد دارد.

شایان ذکر است پیش از امام هادی (علیه السلام)، امام کاظم (علیه السلام) در پاسخ به سؤال ابوحنیفه مبنی بر اینکه افعال بندگان از چه کسی صادر می شود، مشابه پاسخ امام هادی (علیه السلام) را داده و فرموده اند: اگر افعال بندگان از جانب خداوند باشد در این صورت خداوند بزرگتر و عادل تر از آن است که بنده خود را به سبب کرده خویش عذاب کند و اگر با مشارکت مخلوقاتش باشد خداوند بزرگتر و بلند مرتبه تر از آن است که بنده اش را به خاطر فعلی

۱. «و قد روی عن أبي الحسن علي بن محمد بن علي بن موسى الرضا (عليه السلام) أنه سئل عن أفعال العباد فقليل له [أهل هي] مخلوقه لله تعالى فقال (عليه السلام) لو كان خالفا لها لما تبرأ منها و قد قال سبحانه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» و لم يرد البرائة من خلق ذواتهم و إنما تبرأ من شركهم و قبايحهم»

که دیگران نیز در آن شرکت داشته اند عذاب کند و اگر افعال بندگان از خود بندگان باشد. در این صورت اگر خداوند عذاب کند با عدلش برخورد کرده و اگر بیامرزد او اهل تقوی و مغفرت است^۱ (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۶۶).

۳-۲. حدوث و قدم قرآن

در میان موضوعات کلامی، مسئله حدوث و قدم قرآن از مناقشات کلامی پافراتر نهاد و به منازعات سیاسی تبدیل شد. سال‌ها برای این باور، تفتیش عقیده صورت گرفته و جان‌ها در مسلخ این اعتقاد قربانی شدند. بدین جهت این دوره تاریخ اسلام را دوران «محنت» نامیدند. در کتب تاریخ با عنوان «ذکر خبر المحنة بالقرآن» اخبار مربوط به آن گزارش شده است (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۶۳۱).

در اواخر قرن دوم، عقیده غیرمخلوق بودن قرآن گسترش یافت؛ اهل حدیث و در رأس آنان امام حنبله به آن گردن نهادند و در پافشاری بر این عقیده انواع شکنجه‌ها را به جان خریدند. این در حالی بود که این اندیشه نه متکی به نصی از جانب رسول خدا ﷺ بود و نه مبتنی بر سخنی از صحابه، بلکه این عقیده چون اعتقاد به تشبیه و تجسیم برگرفته از یهود و نصاری بود که به میان مسلمانان راه پیدا کرده بود؛ چراکه یهود به قدم تورات و نصاری به قدم کلمه (مسیح) باور داشتند (سبحانی، ج ۲: ۲۵۳).

اهل حدیث معتقدند: قرآن کلام خداوند و غیر مخلوق است (ان القرآن کلام الله غیر مخلوق) (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۲۹۲). این عقیده برای آنان از چنان اهمیتی برخوردار بود که منکر آن را کافر می‌دانستند (بیهقی، ۱۴۱۷ق: ۳۷۸). از مالک بن انس نقل شده است: به عقیده من، کسی که می‌گوید قرآن مخلوق است، کافر است، او را به قتل رسانید (همان: ۳۷۷) و احمد بن حنبل گوید: قرآن کلام خداوند است که بدان سخن گفته است، کسی

۱. «... أَنَّ أَبَا حَنِيفَةَ قَالَ لِأَبْنِ أَبِي لَيْلَى مَرُّ بِنَا إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَسْأَلَهُ عَنْ أَفَاعِيلِ الْعِبَادِ وَ ذَلِكَ فِي حَيَاةِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُوسَى يُؤَمِّدُ غُلَامًا فَلَمَّا ضَارَ إِلَيْهِ سَلِمًا عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَخْبِرْنَا عَنْ أَفَاعِيلِ الْعِبَادِ مَعْنَى هِيَ فَقَالَ لَهُمَا إِنَّ كَانَتْ أَفَاعِيلُ الْعِبَادِ مِنْ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ فَاللَّهُ أَغْلَى وَ أَعَزُّ وَ أَغْدَلُ مِنْ أَنْ يُعَذِّبَ عَبِيدَهُ عَلَى فِعْلِ نَفْسِهِ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْ خَلْقِهِ فَاللَّهُ أَغْلَى وَ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُعَذِّبَ عَبِيدَهُ عَلَى فِعْلِ قَدْ شَارَكَهُمْ فِيهِ وَ إِنْ كَانَتْ أَفَاعِيلُ الْعِبَادِ مِنَ الْعِبَادِ فَإِنَّ عَذَابَ فِعْدَلِهِ وَ إِنْ عَفَرَ فَهُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفَرَةِ»

که بپندارد قرآن مخلوق است، کافر است (احمد بن حنبل، ۱۴۰۸ ق: ۷۹). ابوحنیفه نیز در غیرمخلوق دانستن قرآن با اهل حدیث هم عقیده است (ابوحنیفه، ۱۴۲۵ ق: ۶۱۹).

در مقابل، معتزله به حدوث قرآن اعتقاد داشتند. معتزله طی سال‌های ۱۹۸ تا ۲۳۲ قمری که سال‌های حکومت مأمون، معتصم و واثق عباسی بود از حمایت کامل زمامداران عباسی برخوردار بودند و آرا و عقاید آنان، عقاید رسمی دینی پذیرفته شد و مسئله‌ای که با شدت تمام مورد گفت‌وگوی آنان و مخالفان‌شان قرار گرفت، «خلق قرآن» بود (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۱۳۶-۱۳۸). هر سه خلیفه عباسی در دوران زمامداری خود فقها و محدثان را به پذیرش خلق و حدوث قرآن وادار می‌کردند؛ مأمون در سال ۲۱۸ قمری نوشت تا فقها را از عراق و غیر آن حاضر کنند، آنان را درباره مخلوق بودن قرآن تفتیش عقیده می‌کرد. هرکس از اعتراف به عدم خلق قرآن سرپیچی می‌کرد، کافر دانسته و می‌نوشت تا گواهی چنین کسی پذیرفته نشود. جز چند نفری همگی به این عقیده، معترف شدند (یعقوبی، ج ۲: ۴۶۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۹۱).

پس از وی معتصم نیز چنین رویه‌ای را در پیش گرفت؛ وی سال ۲۲۰ قمری در مسئله خلق قرآن، احمد بن حنبل را تفتیش عقیده کرد، احمد ابتدا با عبد الرحمان بن اسحاق و غیر او مناظره کرد و از اینکه بگوید: قرآن مخلوق است، امتناع ورزید. چندین تازیانه بر او زدند، سپس اسحاق بن ابراهیم مناظره با او را بر عهده گرفت و توانست احمد را مجاب کند و او سرانجام خلق قرآن را پذیرفت (همان: ۴۷۲ و ۴۹۷)، البته مسکویه در تجارب الأمم در ماجرای امتحان می‌نویسد: همه گردن نهادند جز دو نفر: احمد بن حنبل و محمد بن نوح (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۶۸).

واثق در سال ۲۳۰ قمری مردم را در مسئله خلق قرآن امتحان کرد و به قاضیان نوشت تا در دیگر شهرها چنین کنند و جز شهادت کسی را که به توحید معتقد باشد، نپذیرند. وی به این علت مردمان بسیاری را به زندان افکند (یعقوبی، ج ۲: ۴۸۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۰۹-۵۱۰). از دیدگاه معتزله، لازمه اعتقاد به قدم قرآن، پذیرفتن دو قدیم و به تبع آن، شرک برای خداوند است. پس آنان کسی را که به قدم قرآن معتقد است، موحد

نمی دانند؛ چنان که مأمون عدم بازگشت از اعتقاد به خلق قرآن را شرک و ریختن خون معتقد به خلق قرآن را مباح می دانست (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۶۷).

گویند: احمد بن ابی دؤاد در رأس فتنه اعتقاد به خلق قرآن قرار داشت، وی یکی از قاضیان مشهور اعتزالی و مورد اعتماد سه خلیفه عباسی: مأمون، معتصم و واثق بود و همو خلفا را به تفتیش عقیده مردم در خلق قرآن تحریک می کرد (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۱: ۱۲۴).

مأمون عباسی در یکی از نامه هایش به اسحاق بن ابراهیم، آیه «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» (الزخرف، ۳) را دلیلی بر حدوث قرآن می داند؛ چرا که واژه «جعل» به معنای «خلق» بوده و آیات ذیل، شاهی برای این معنا استفاده می شود: «وَجَعَلَ مِنْهَا زُجُجًا لِّیَسْكُنَ إِلَيْهَا» (الاعراف، ۱۸۹)؛ «وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاسًا وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (نبا، ۱۰-۱۱)؛ «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَیٍّ» (الانبیاء، ۳۰) وی سپس می گوید: خداوند این مخلوقات و قرآن را در آفرینش یکسان نگریسته و خبر داده که او فقط خالق قرآن است: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (البروج، ۲۱-۲۲) اما در مقابل مأمون و معتزله، احمد بن حنبل برای رد نظریه خلق قرآن به آیه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (التوبه، ۶) و احادیثی چون: «لا یصلح فی الصلاة شیء من کلام الناس» استناد می کرد (احمدی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۱۹۶-۱۹۷). احمد بن حنبل، با استناد به آیه مذکور و روایت پیامبر ﷺ خواسته بگوید قرآن کلام خداوند است و لازمه اعتقاد به خلق قرآن، این است که قرآن کلام خدا دانسته نشده و کلام انسان ها به حساب آید.

با گذشت دوران مأمون و معتصم، متوکل جانب ابن حنبل را گرفت و این بار اعتقاد به قدیم بودن قرآن بر دیگران تحمیل شد. افزون بر آن، دولت متوکل، به ترویج مذهب اهل

۱. «و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد».

۲. «و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم».

۳. «آری، آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوظ است» (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۸: ۶۳۵).

۴. «و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود».

۵. روایت مورد استناد احمد بن حنبل در مسندش چنین گزارش شده است: «... مُعَاوِيَةَ بْنُ الْحَكَمِ السَّلَمِيُّ قَالَ بَيْنَا نَحْنُ نُصَلِّي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ... قَالَ [ص]: إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ...» (ابن حنبل، ج ۳: ۱۴۵ و ج ۵: ۴۴۷).

حدیث با تعریفی که ابن حنبل برایش درست کرده بود، پرداخت و مذاهب دیگر را به عنوان «بدعت» انکار کرد. درست در همین دوره بود که عنوان «سنی» به اهل حدیث داده شد و دیگران اهل «بدعت» خوانده شدند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۵۲۹).

با توجه به اوج گیری موضوع حدوث و قدم قرآن در عصر مأمون و حاکمان بعد از وی، قاعدتاً در میان اهل بیت (علیهم السلام) امام رضا (علیه السلام) (۱۸۳ - ۲۰۳ ق) و امامان پس از ایشان یعنی امام هادی (علیه السلام) (۲۲۰ - ۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری (علیه السلام) (۲۵۴ - ۲۶۰ ق) بیش از دیگر ائمه (علیهم السلام) با این مسئله مواجه بودند و پرسشگران از ایشان، حقیقت را جویا می شدند؛ اگرچه از پاره ای روایات برمی آید که امام صادق (علیه السلام) (۹۵ - ۱۱۴ ق) (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۴) و امام کاظم (علیه السلام) (۱۴۸ - ۱۸۳ ق) نیز به مسئله حدوث و قدم قرآن پرداخته اند، اما به صورت جدی پس از ایشان مطرح بوده است.

سلیمان بن جعفر از امام کاظم (علیه السلام) سؤال می کند: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! پیشینیان درباره قرآن به اختلاف دچار آمدند؛ برخی آن را مخلوق می پندارند و برخی بر این باورند که غیرمخلوق است، شما چه می گوئید؟ امام (علیه السلام) می فرماید: من سخن آنان را نمی گویم، من می گویم قرآن کلام خداوند است^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۴؛ ۱۴۰۰ ق: ۵۵۲). حسین بن خالد به امام رضا (علیه السلام) عرضه می دارد: قرآن خالق است یا مخلوق؟ ایشان می فرماید: نه خالق است و نه مخلوق، کلام خداوند عز و جل است^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۳؛ ۱۴۰۰ ق: ۵۴۶). در روایت دیگری ربان بن صلت نظر امام رضا (علیه السلام) درباره قرآن جویا می شود، ایشان پاسخ می دهد: قرآن کلام خداوند است، از آن فراتر نروید و از غیر آن هدایت مجوید که گمراه می شوید^۳ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۳؛ ۱۴۰۰ ق: ۵۴۶). در هیچ یک از این دسته روایات، ائمه (علیهم السلام) پاسخ برهانی و حلی به این مسئله نداده اند؛

۱. «... حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي الْقُرْآنِ فَقَدْ اخْتَلَفَ فِيهِ مَنْ قَبْلَنَا فَقَالَ قَوْمٌ إِنَّهُ مَخْلُوقٌ وَقَالَ قَوْمٌ إِنَّهُ غَيْرُ مَخْلُوقٍ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَمَّا إِنِّي لَا أَقُولُ فِي ذَلِكَ مَا يَقُولُونَ وَ لَكُنِّي أَقُولُ إِنَّهُ كَلَامُ اللَّهِ»

۲. «... عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنِ الْقُرْآنِ أَ خَالِقٌ أَوْ مَخْلُوقٌ فَقَالَ لَيْسَ بِخَالِقٍ وَ لَا مَخْلُوقٌ وَ لَكِنَّهُ كَلَامُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

۳. «... عَنْ الرَّبَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا تَقُولُ فِي الْقُرْآنِ فَقَالَ كَلَامُ اللَّهِ لَا تَتَجَاوَزُوهُ وَ لَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضَلُّوا»

زیرا دوره تاریخی بحث خلق قرآن و رنج‌هایی که بر دو گروه قائلان به قدم و حدوث رفت، گواهی می‌دهند پافشاری بر این مسئله برای احقاق حق و زدودن شک نبوده است، بلکه هر گروهی از این مسئله برای مقابله با دیگری بهره می‌گرفت، پس اهل بیت (علیهم السلام) با این موضع‌گیری‌ها یاران خود را از فرو رفتن در مجادله کلامی بی‌حاصل باز می‌داشتند (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۱۷).

اما آن‌گاه که شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه آمادگی برای بررسی و مذاقه این مسئله را داشت، اهل بیت (علیهم السلام) از آن فروگذاری نکردند؛ امام هادی (علیه السلام) در نامه‌ای به یکی از شیعیان خود در بغداد موضوع را موشکافی کرده است؛ ایشان می‌نویسند: خداوند ما و تو را از فتنه مصون بدارد که اگر حفظ کند، نعمت بزرگی ارزانی داشته است و اگر حفظ نکند، مایه هلاکت است. به نظر ما مجادله درباره قرآن، بدعت است و سؤال کننده و پاسخ‌دهنده در بدعت شریک هستند. سؤال کننده به مسئله‌ای پرداخته که او را سزاوار نیست و پاسخ‌دهنده، خود را به کاری واداشته که در توان او نیست. خالقی جز خدای عز و جل نیست و غیر او همه مخلوق هستند. قرآن، کلام خداوند است، بر آن نامی از پیش خود مگذار که از گمراهان می‌شوی. خداوند، ما و تو را از کسانی قرار دهد که از پروردگارشان خشیت دارند و از قیامت بیمناک هستند^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۲۳؛ ۱۴۰۰ق: ۵۴۶). سند این روایت، صحیح است.^۲

مطابق با تحقیق برخی پژوهشگران، مخاطب این نامه امام هادی (علیه السلام)، احمد بن ابی دؤاد، محرک خلفا در عقیده خلق قرآن است و امام جواد سال ۲۱۹ یا ۲۲۰ قمری به سعایت همین قاضی القضاات نزد خلیفه معتصم، مسموم شد و به شهادت رسید (عسکری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۲۱). نظر به فضا و گفتمان حاکم می‌توان گفت که سیاست امام هادی در

۱. «حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْقُطَيْبِ قَالَ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَائِيَّ إِلَى بَعْضِ شِيعَتِهِ بِبَغْدَادَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنَ الْفِتْنَةِ فَإِنْ يَفْعَلْ فَقَدْ أَغْطَمَ بِهَا نِعْمَةً وَ إِنْ لَا يَفْعَلْ فَهِيَ الْهَلَكَةُ نَحْنُ نَرَى أَنَّ الْجِدَالَ فِي الْقُرْآنِ بَدْعٌ أَشْتَرَكَ فِيهَا السَّائِلُ وَ الْمُجِيبُ فَيَتَعَاطَى السَّائِلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَتَكَلَّفُ الْمُجِيبُ مَا لَيْسَ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ الْخَالِقُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا سِوَاهُ مَخْلُوقٌ وَ الْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ لَا تَجْعَلْ لَهُ اسْمًا مِنْ عِنْدِكَ فَتَكُونَ مِنَ الضَّالِّينَ جَعَلْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ»
 ۲. محمد بن عیسی بن عبدالله الاشعری، امامی و ثقة است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۸)، سعد بن عبدالله القمی امامی و ثقة است (همان: ۱۷۸)، پدر شیخ صدوق، جعفر بن محمد بن قولویه، امامی و ثقة جلیل است (همان: ۱۲۴).

برخورد با مسئله خلق قرآن، این بود که موضوع خلق قرآن، جنبه سیاسی پیدا کرده و در چنین فضایی، هیچ فایده علمی و اجتماعی و فرهنگی بر این بحث مترتب نیست و ورود به این مسئله، صرفاً موجب به هدر رفتن وقت و سرمایه انسانی است. ورود به این صحنه، پیروزی نخواهد داشت و حتی تبعات منفی هم به دنبال خواهد داشت؛ یعنی ورود به آن، به معنای گرفتارشدن در دام سیاستمداران عباسی خواهد بود که برای رسیدن به اهداف سیاسی خویش، به این مسئله دامن زده اند. امام (علیه السلام) از مسئله خلق قرآن با عنوان «فتنه» یاد می کند تا به شیعیان تفهیم نماید حق و باطل در این جریان، روشن نیست و حالت غبارآلود به خود گرفته است (چلونگر، ۱۳۹۶: ۵۵-۵۶). اگرچه ذیل سخن ایشان که غیر خداوند را هر چه که باشد، مخلوق دانسته اند می توان نظریه حادث بودن قرآن را استنتاج کرد.

از امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز مسئله خلق قرآن سؤال می شود: ابوهاشم گوید: به ذهنم خطور کرد قرآن مخلوق است یا غیرمخلوق؟ امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: ای اباهشام! خدا خالق همه چیز است و غیر او مخلوق هستند^۱ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴: ۴۳۶).

شیخ صدوق در جمع بندی روایات حدوث و قدم قرآن می نویسد: قرآن، «کلام الله»، «وحی الله»، «قول الله» و «کتاب الله» است. به آن مخلوق اطلاق نشده؛ چرا که مخلوق در لغت گاهی به معنای مکتوب استعمال شده: «کلام مخلوق» به معنای «مکتوب» است، چنان که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا» (العنکبوت، ۱۷) یعنی: «کذب» و می فرماید: «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ» (ص، ۷) یعنی: «افتعال و کذب»؛ هر کس بپندارد مخلوق بودن قرآن به معنای مکتوب بودن آن است، کافر شده و اگر بگوید غیرمخلوق است و معنای غیرمکتوب را اراده کند، درست گفته است و هر که بپندارد قرآن غیرمخلوق است یعنی غیر محدث و غیر منزل و غیر محفوظ (قدیم) است، به خطا رفته است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۵).

۱. «قَالَ أَبُو هَاشِمٍ خَطَرَ بِنَالِي أَنَّ الْقُرْآنَ مَخْلُوقٌ أَمْ غَيْرُ مَخْلُوقٍ فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ (علیه السلام) يَا أَبَا هَاشِمٍ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَا سِوَاهُ مَخْلُوقٌ»

بر اساس آنچه گفته شد، از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) قرآن قدیم نیست، چراکه تعدد قدما و شرک را در پی دارد و مخلوق نیز نیست؛ زیرا در معنای مکتوب به کار رفته است؛ بنابراین قرآن حادث و غیر مخلوق است. صدوق در کتاب الاعتقادات، در تبیین اعتقاد امامیه در این خصوص می نویسد: «اعتقادنا فی القرآن ... أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى محدثه، و منزله، و حافظه، و ربّه» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ ق: ۸۳).

۴-۲. جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مهم ترین و دامنه دارترین موضوع اختلافی میان شیعه و عامه مسئله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که منشأ دیگر اختلافات فکری شد. امامیه در منصوص بودن امام اجماع دارند؛ ولی عامه، امامت بدون نص را جایز می دانند (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۴۰) و به تعیین امام از طریق شوری معتقد هستند (ر.ک: حمیری، ۱۹۷۲ م: ۱۵۰ و ۱۵۴). یکی از مستندات عامه برای اثبات درستی انتخاب امامت بر اساس شوری، استناد به حدیث «عدم اجماع امت بر گمراهی» است. آنان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند: «خداوند مانع از اجماع امت بر گمراهی می شود»^۱ (حاکم نیشابوری، ج ۱: ۱۱۶)، از این رو، عامه بر این باور رفته اند: امت اسلام بر بیعت با ابوبکر اجماع کردند و طبق روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اجماع امت حجت است (شرف الدین، ۱۴۲۶ ق: ۴۹۴).

در نامه ای به امام هادی (علیه السلام)، از ایشان درباره این روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤال شد. امام (علیه السلام) اصل صدور آن را صحیح دانستند، اما تبیینی در مخالفت و نقد برداشت عامه عرضه داشتند. حضرت فرموده اند: روایت، صحیح است، اما صحت عدم اجماع امت بر گمراهی زمانی است که برخی از امت با برخی دیگر در مخالفت نباشند»^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۵۸). اگرچه این روایت بدون سند متصل از تحف العقول نقل شده است، به طور کلی، عالمان به روایات این کتاب اعتماد کرده اند، پس روایت اعتبار مصدری دارد.

مؤید و شاهد این تبیین امام هادی (علیه السلام) در مناظره میان امیرمؤمنان (علیه السلام) و ابوبکر رخ

۱. «... عن ابن عمر قال قال رسول الله ﷺ لا یجمع الله أمتی علی الضلالة أبدا».

۲. «... عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ سَلَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِيٍّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ فَإِنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ كِتَابُكُمْ... وَ ذَلِكَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ فَأَخْبَرَ أَنَّ جَمِيعَ مَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ كُلُّهَا حَقٌّ هَذَا إِذَا لَمْ يُخَالَفْ بَعْضُهَا بَعْضًا»

داده است. ابوبکر برای درستی فرایند انتخابش به خلافت مسلمانان به اجماع امت استدلال می‌کند و حجیت اجماع امت را به روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) «امتم بر گمراهی اجماع نمی‌نمایند» مستدل می‌کند. امام علی (علیه السلام) در پاسخ به ابوبکر، خود و اصحابی چون: سلمان، عمار، ابوذر، مقداد، ابن عباده انصاری را که همسو با ایشان بودند از متخلفان بیعت یاد می‌کند و در شیوه احتجاج ابوبکر و نوع برداشت وی از حدیث مذکور تشکیک می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۴۹).

۳. نتیجه‌گیری

۱. عامه برای تبیین اندیشه‌های کلامی خود، گاه به آیات قرآن استناد و آن‌ها را مطابق با اندیشه‌های کلامی خود تبیین می‌کردند و گاه به روایات نبوی (صلی الله علیه و آله) تمسک جسته، از آن‌ها برای توجیه عقاید خود استفاده می‌کردند. امام هادی (علیه السلام) به فراخور مقدورات و اقتضائات سیاسی اجتماعی زمان خود به نقد و تصحیح برداشت‌های نادرست عامه از برخی آرای کلامی اهتمام ورزیده‌اند.

۲. طبق بررسی‌های صورت گرفته، امام هادی (علیه السلام) دست‌کم در چهار موضوع، آرای کلامی عامه را نقد و تصحیح فرمودند: ۱. تشبیه و تنزیه (صفات خبریه)، ۲. جبر انسان‌ها، ۳. حدوث و قدم قرآن، ۴. جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله). امام هادی (علیه السلام) با استفاده از محک‌های آیات (تفسیر قرآن به قرآن) و نیز بهره‌گیری از عقل (تفسیر قرآن به عقل) به تفسیر آیات مربوط همت گماشته و روایات نبوی را به وجه صحیح تبیین کرده‌اند.

۳. عامه در صفات خبریه یا تصویری جسمانی از آن‌ها ارائه می‌کردند یا با جمود بر ظواهر آن‌ها، از تبیین آن‌ها مطابق با خرد آدمی فرو می‌ماندند. امام هادی (علیه السلام) هر دو رویکرد به صفات خبریه را نقد و معنای معقول و منطبق بر محک‌های قرآن از صفات خبریه بیان کرده‌اند.

۴. عامه در مسئله جبر و اختیار، به جبر انسان‌ها باورمند شده و انسان‌ها را در هدایت و ضلالت و اعمال‌شان فاقد هر اختیاری دانسته‌اند. امام هادی (علیه السلام) آیات هدایت و ضلالت

را مجاز بیان کرده که دو معنا دارد: معنای نخست، خبر از قدرت خداوند است؛ یعنی او قادر است بر هدایت و گمراهی هر کس که بخواهد. معنای دیگر اینکه هدایت از جانب او به معنای نشان دادن است. همچنین امام (علیه السلام) با استفاده از عقل و در پرتو برهان خلف با نفی خلق افعال به وسیله خداوند، اختیار را اثبات کرده است.

۵. عامه در مسئله خلق قرآن دو دسته شدند؛ برخی معتقد شدند که قرآن کلام خداوند و غیر مخلوق است، برخی دیگر به حدوث قرآن باورمند شدند. امام هادی (علیه السلام) ورود به مسئله خلق قرآن را به دلیل شرایط سیاسی اجتماعی حاکم، «فتنه» دانسته و بر حذر داشته‌اند، با وجود این، حضرت غیر خداوند را، هر چه که باشد، مخلوق دانسته‌اند. به نظر می‌رسد به دلالت تضمنی این سخن ایشان بر نظریه حدوث قرآن دلالت داشته باشد.

۶. عامه با استناد به حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) معتقدند امت اسلام بر بیعت با ابوبکر اجماع کردند و طبق روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اجماع امت حجت است. طبق فرموده امام هادی (علیه السلام) روایت، صحیح است؛ اما صحت استدلال به آن زمانی است که برخی از امت با برخی دیگر در مخالفت نباشند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (۱۴۱۵ق). ترجمه: محمد مهدی فولادوند. تهران: دار القرآن الکریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. محقق: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۹۸ق). التوحید. محقق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۴۰۰ق). الامالی. بیروت: اعلمی.
- (۱۴۱۴ق). الاعتقادات. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۶). مناقب آل ابی طالب. تصحیح و شرح و مقابله: لجنة من أساتذة النجف الأشرف. النجف: المكتبة الحیدریة.
- ابن مسکویه، ابو علی مسکویه الرازی. (۱۳۷۹). تجارب الأمم. تحقیق ابو القاسم امامی. تهران: سروش.
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت. (۱۴۲۵ق). الفقه الاکبر. تحقیق: شیخ زاهد کوثری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابو مخنف ازدی، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷ق). وقعة الطف. محقق: محمد هادی یوسفی غروی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- احمد بن حنبل. (۱۴۰۸ق). العقیده روایة أبی بکر الخلال. تحقیق: عبد العزیز عز الدین السیروان. دمشق: دار قتیبه.
- (بی تا). المستند. بیروت: دار صادر.
- احمدی، عبد الله بن سلمان. (۱۴۱۶ق). المسائل و الرسائل المروية عن الإمام أحمد بن حنبل فی العقیده. ج ۱. ریاض: دار طیبه.
- اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۳۹۷ق). الایانه عن أصول الدیانه. قاهره: دار الأنصار.
- (۱۴۰۰ق). مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین. آلمان: فرانس شتاینر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. ج ۲ و ۶. بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن الحسین. (۱۴۱۷ق). الأسماء و الصفات. بیروت: دار الجیل.
- بیهقی، حسین بن علی. (۴۲۱ق). القضاء و القدر. تحقیق: محمد آل عامر. ریاض: مكتبة العبیکان.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). السنن. بیروت: دار الفکر.
- توحیدی نیا، روح الله. (۱۳۹۷). «سازواری قالب و مفاد زیارت جامعه کبیره و نیاز معرفتی امامیه در عصر امام هادی علیه السلام». مجله تاریخ اسلام. سال هجدهم. شماره ۳ (پیاپی ۷۱). صص: ۲۴۳-۲۶۸.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۶). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیه السلام. قم: انصاریان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تسنیم. قم: اسراء.
- (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء.
- چلونگر، محمدعلی. (۱۳۹۶). «سیاست امام هادی علیه السلام در برخورد با مسئله خلق قرآن». مجله تاریخ اسلام. سال هجدهم. شماره ۳ (پیاپی ۷۱). صص: ۳۹-۶۰.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله بن محمد. (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت، دار الفکر.

- حمیری، ابو سعید بن نشوان. (۱۹۷۲م). *الحوار العین*. تحقیق و تعلیق: کمال مصطفی. تهران: بی نا.
- حیران، وحیده؛ یکمخانی، مهران. (۱۳۹۶). «کرامت امام هادی علیه السلام درباره زنده کردن تصویر شیر؛ بررسی موردی کرامت حضرت امام هادی علیه السلام در مورد خوردن شعبده باز هندی توسط شیر». *مجله تاریخ اسلام*. سال هجدهم. شماره ۳ (پیاپی ۷۱). صص: ۶۱-۸۲.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۷۱). «قدریه در تاریخ کلام اسلامی». *مجله نور علم*. شماره ۴۸. صص: ۶۵-۸۵.
- زركلی، خیر الدین بن محمود بن محمد. (۱۹۸۰م). *الأعلام*. بیروت: دار العلم للملایین.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۲ق). *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*. قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیه.
- . (۱۴۲۵ق). *رسائل و مقالات*. ج ۶. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
- . (بی تا). *بحوث فی الملل و النحل*. ج ۲ و ۹. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
- شرف الدین، عبدالحسین. (۱۴۰۲ق). *المراجعات*. تحقیق: حسین راضی. قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۷۱ق). *تاریخ الخلفاء*. تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید. مصر: مطبعة السعادة.
- . (۱۴۲۱ق). *الإیتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکرم. (۱۳۶۴). *الملل و النحل*. ج ۱. قم: الشریف الرضی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. محقق: محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). *تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)*. تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۱ق). *الرجال*. نجف: انتشارات حیدریه.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۳۸۲). *نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین*. تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ج ۱. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمدآخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. محقق: عبد الله نعمه. قم: دار الذخائر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسلم، مسلم بن الحجاج النیسابوری. (بی تا). *صحیح مسلم*. ج ۸. بیروت: دار الفکر.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *تصحیح اعتقادات الإمامیه*. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- . (۱۴۱۴ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. بیروت: دارالمفید.
- . (۱۴۱۳ق). *المقالات فی المذاهب و المختارات*. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). *الرجال*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۴ق). *مستدرکات علم رجال الحدیث*. طهران: حیدری.
- واقدی، ابو عبد الله محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *المغازی*. تحقیق: مارسدن جونس. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- _____ (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.
- _____ یوسفی، محمد تقی؛ کبیری آرانی، محمد. (۱۳۹۷). «بررسی ضرورت عقلی امامت از دیدگاه امام هادی (علیه السلام)». مجله آیین حکمت. سال دهم. شماره ۳۸. صص: ۲۳۹-۲۶۴.



بررسی ابعاد فردی و اجتماعی الگوی اقتصادی اسلامی در سیره امام کاظم (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۷

محمد دانش نهاد^۱، محمد حسن وکیلی^۲

چکیده

دوران ۳۵ ساله امامت امام کاظم (علیه السلام) یکی از زمینه‌های بسیار مهم در باب شناخت الگوی اقتصادی اسلامی محسوب می‌شود؛ چراکه طولانی بودن مدت امامت در مقایسه با دیگر ائمه از سویی و شرایط اجتماعی پدید آمده از سوی دیگر موجب شد فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) ظهور و بروز خاصی بیابد. این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل اطلاعات در پی آن است که با بررسی ابعاد فردی و اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) با الگوگیری از آن راه‌حلی در باب تحقق اقتصاد اسلامی ارائه کند. از جمله نتایج این تحقیق عبارت است از: ۱. ابعاد فردی اقتصادی در زندگی امام کاظم (علیه السلام) را حداقل در سه زمینه می‌توان مشاهده کرد: زهد، قناعت و ترک نیازهای باطل؛ کار و تلاش و ایثار و از خودگذشتگی. ۲. ابعاد اجتماعی اقتصادی در سیره امام کاظم (علیه السلام) نیز به‌طور کلی، در سه حوزه یافت می‌شود: مدیریت کلان مسائل اقتصادی؛ جذب سرمایه‌های بعید الوصول و کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی از جامعه. ۳. از جمله الگوهای اجتماعی اقتصادی از سیره امام کاظم (علیه السلام) آن است که در صورت کمبود منابع مالی به جای آنکه به تعداد بیشتری از فقرا احسان شود، تعداد کمتری مورد احسان قرار گیرند؛ اما در مقابل، به قدری به آن‌ها رسیدگی شود که بتوانند زندگی مستقلی را تشکیل دهند.

کلیدواژه‌ها: امام کاظم (علیه السلام)، زهد، ایثار، مدیریت کلان، شبکه وکلا، فقرزدایی.

۱. دکترای الهیات دانشگاه یاسوج و طلبه سطح ۳ کلام و حکمت حوزه علمیه مشهد (نویسنده مسئول): M_borosdar@yahoo.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد: Mohammadhasanvakili@gmail.com

مقدمه

در زندگی امام کاظم (علیه السلام) که ۳۵ سال مدیریت جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، نمونه‌های فراوانی از ابعاد فردی و اجتماعی یافت می‌شود که در پی آن می‌توان زمینه‌های زندگی سالم را از لحاظ اقتصادی فراهم کرد و علاوه بر این، از چنین سیره‌ای در انسجام‌بخشی به اقتصاد اسلامی در جامعه بهره برد. ابعاد فردی آن اموری همچون زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل، کار و تلاش و ایثار است؛ ابعاد اجتماعی آن نیز مربوط به مدیریت کلان مسائل اقتصادی، جذب سرمایه‌های بدیع الوصول و کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی است که در این مقاله هر یک به تفصیل بحث می‌شود.

محققان درباره اقتصاد اسلامی روش‌های متفاوتی را در پرداختن آن به کار گرفته‌اند. برخی در پی به دست آوردن امور اخلاقی در اقتصاد اسلامی از طریق ادله بوده‌اند (شریفی، ۱۳۹۰؛ حسینی، ۱۳۹۹)، برخی دیگر اقتصاد اسلامی را از حیث حکمت عملی بحث کرده‌اند (فراهانی‌فرد، ۱۳۹۸) برخی نیز به دنبال به کارگیری روش‌های تجربی در اقتصاد اسلامی بوده‌اند (بهشتی، ۱۳۹۹). این تحقیق همسوی با روش اول است؛ چراکه در پی ارائه راهبردهایی فردی اجتماعی از سیره امام کاظم (علیه السلام) درباره امور اقتصادی است.

برای پویایی جامعه اسلامی از لحاظ اقتصادی، از سویی وظایفی بر عهده تک تک افراد جامعه و از سوی دیگر وظایفی بر عهده حکومت اسلامی قرار می‌گیرد.

سیره امام کاظم (علیه السلام) در ابعاد فردی نشانگر آن است که حتی اگر حکومت اسلامی در زمانی وجود نداشته باشد، باز هم تمام مسلمانان وظایف اقتصادی بر عهده دارند تا فشار اقتصادی بر افراد کم‌برخوردار کاهش یابد؛ چه برسد به آنکه حکومت اسلامی برقرار شود که در چنین حالتی نه تنها وظایف افراد کاهش نمی‌یابد، افزایش نیز می‌یابد؛ چراکه وجود مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی خود می‌تواند اسباب ضعف در حکومت اسلامی را فراهم آورد و توجه نکردن به وظایف فردی در این باب از دو حیث باعث مذمت می‌شود: ۱. از حیث توجه نکردن به نیاز برادران دینی ۲. از حیث ایجاد خلل در اجرای امور توسط حکومت اسلامی.

ابعاد اجتماعی سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) نیز در ابتدا می‌تواند راهبردهای اقتصادی به حکومت اسلامی نشان دهد و از سوی دیگر، اگر حکومت اسلامی نیز وجود نداشت ولی اجتماعات دینی در یک جامعه وجود داشت، باز هم این ابعاد اجتماعی می‌تواند در رفع مشکلات اقتصادی تأثیرگذار باشد؛ اگرچه تأثیرات چنین اقداماتی در حکومت اسلامی به جهت بسط ید بیشتر است.

۱. پیشینه تحقیق

تاکنون درباره سیره امام کاظم (علیه السلام) مقالات گوناگونی به رشته تحریر درآمده است. برخی از جنبه اجتماعی و ظلم‌ستیزی این سیره را بررسی کرده (پاک‌نیا، ۱۳۸۳: ۴۰-۵۱)، برخی دیگر، از منظر علوم قرآنی به تحلیل بیانات امام کاظم (علیه السلام) پرداخته (شمخی و باجی، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۸۸) و برخی دیگر از منظر سیاسی، روابط برمکیان با امام کاظم (علیه السلام) را بررسی (شاهرخی، ۱۳۹۹: ۵۹-۸۳) یا راهبرد امام کاظم (علیه السلام) را در برابر خلفای بنی العباس تحلیل کرده‌اند (پورفرد، ۱۳۹۲: ۴۷-۸۲). علاوه بر این، جنبه‌های دیگر این سیره همچون جنبه‌های فقهی (صادقی اردستانی، ۱۳۹۳: ۴۳-۵۲)، تربیتی (همت بناری، ۱۳۷۷: ۹-۱۲)، عرفانی (سوری، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۷۰) و کلامی (طباطبایی؛ بهرامی، ۱۳۹۱: ۷۳-۱۰۶؛ چلونگر و نجاتی، ۱۳۹۴: ۷-۳۰) آن نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. از لحاظ اقتصادی، تنها به برخی انفاق‌ها و بخشش‌های امام کاظم توجه شده (حسینی، ۱۳۹۹: ۵۰-۶۱) که در مقام مقایسه با تحقیق پیش رو از جنبه‌های گوناگون متفاوت است؛ چراکه در تحقیق پیش رو ابعاد فردی و اجتماعی این سیره به عنوان الگوی اقتصاد اسلامی مطرح شده است که می‌تواند راهبردها و راهکارهایی در این باره ارائه دهد که سه مورد از ابعاد فردی و سه نمونه از ابعاد اجتماعی و کلان سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) بررسی و تحلیل شده است. به این موارد تاکنون در مقالات توجه نشده است.

۱-۱. مسئله و روش تحقیق

مسئله اصلی تحقیق مبتنی بر این نکته است که از سیره اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) چه ابعاد فردی و اجتماعی می‌توان استنباط نمود و به عنوان الگو و معیار ارائه نمود؟ برای

پاسخ به این مسأله بایستی به تحلیل روایاتی پرداخت که سیره اقتصادی این امام معصوم را بیان می‌نماید لذا این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر آن است.

۲. ابعاد فردی اقتصادی در زندگی امام کاظم (علیه السلام)

ابعاد فردی مؤثر در الگوی اقتصادی اسلام از زندگی امام کاظم (علیه السلام) را می‌توان در سه بخش پیگیری کرد که در ادامه هر یک به طور متمایز بحث می‌شود.

۲-۱. زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل

یکی از مؤلفه‌های اساسی فردی در زندگی اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) مسئله زهد و قناعت ایشان است که هر یک نقشی بسزا در اصل مصرف و چگونگی آن دارد که و در مقابل آن دو مسئله اسراف قرار می‌گیرد که مربوط به مصرف بی‌جا یا زیاده‌روی در مصرف است. زمانی که مشکلات اقتصادی پدید می‌آید افراد به دنبال حل آن خواهند بود، در حالی که زهد و قناعت به انسان می‌آموزد که بسیاری از اموری که برای خود نیاز می‌پندارد حقیقتاً نیاز نیستند. به همین خاطر است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را گنجی پایان‌ناپذیر توصیف می‌کنند به گونه‌ای که افراد ناتوانی که به جهت حفظ آبرو از اغنیا طلب نمی‌کنند، برتر از اغنیایی می‌دانند که به خاطر خداوند در برابر فقرا تواضع می‌کنند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵۴). یکی از اصحاب می‌گوید خدمت امام کاظم (علیه السلام) وارد شدم در حالی که تنها سبدي ساخته شده از لیف خرما، یک جلد قرآن و یک جلد شمشیر داشتند و چیز دیگری در آن نبود^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۰۰؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۱۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۱۰۲) در حالی که امام کاظم (علیه السلام) از لحاظ مالی در مضیقه نبودند و اموال بسیار زیادی در اختیار داشتند. البته به حسب مقتضیات زمانی نیازها متفاوت می‌شود؛ اما باید از نحوه زندگی امام کاظم (علیه السلام) الگو گرفت تا به تناسب زمان خود طوری زندگی کرد که آثار سادگی و عدم تجمل در آن پدیدار شود.

۱. « ما أحسن تواضع الأغنياء للفقراء طلباً لما عند الله و أحسن منه تيه الفقراء على الأغنياء اتكالا على الله القناعة كنز لا يفند».

۲. « محمد بن عیسی عن ابراهیم بن عبد الحمید قال دخلت علی ابي الحسن الأول (علیه السلام) فی بیته الذی کان یصلی فیہ فإذا لبس فی البیت شیء إلا خضفة و سیف معلق و مصحف».

متأسفانه تأکیدات رسانه، کتاب‌ها و معلمان در مسئله اسراف همیشه صرفاً این گونه بوده است که انسان از اموری که در اختیار دارد به‌درستی استفاده کند؛ اما کمتر به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا از برخی امور اصلاً استفاده‌ای شود یا نه؟ به‌عنوان نمونه، استفاده از فضای مجازی در موارد بی‌فایده خود مصداقی از اسراف است یا تشریفات بسیاری که برای مجالس عروسی روزبه‌روز افزوده می‌شود از مصادیق اسراف است؛ اگرچه در پی مخارجی که صورت می‌گیرد افرادی بهره‌مند می‌شوند. در سیره ائمه (علیهم‌السلام) دو عنوان در زمینه اقتصاد وجود دارد: چه چیزی مصرف شود؟ چگونه مصرف شود؟ هر دو عنوان در زندگی صحیح و جلوگیری از اسراف به‌عنوان اصول و پایه‌های زندگی سالم از لحاظ اقتصادی است که بسیاری از موارد در پاسخ به این سؤالات با عناوین لغوی (مؤمنون، ۳)، لهویا لعب قرار می‌گیرد که در دین مبین اسلام به کرات نکوهش شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۸۲؛ قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۹۶).

ممکن است این‌گونه تصور شود که اگر چنین زندگی رقم بخورد موجبات خستگی، افسردگی و دلتنگی می‌شود و دستیابی به آرامش و آسایش نیازمند استفاده از ابزارهای گوناگون است. پاسخ این مسئله در رفتارهای اهل بیت (علیهم‌السلام) موجود است چنان که در زندگی امام کاظم (علیه السلام) که از غذا و امکانات خاصی بهره‌مند نبودند بیشترین میزان آرامش وجود داشت. در احوالات امام کاظم (علیه السلام) آمده است که پس از نماز صبح و تعقیبات نزدیک طلوع آفتاب به سجده می‌رفتند و نزدیک اذان ظهر برمی‌خاستند و مکرر از خداوند متعال می‌خواستند که راحتی هنگام مرگ و عفو هنگام حساب را عنایت فرماید. این‌ها به‌عنوان برنامه ثابت برای حضرت کاظم (علیه السلام) گزارش شده است؛ چه در زمانی که در زندان به سر می‌بردند و چه در زمانی که این چنین نبود (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۳۱؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۴: ۲۴۹). آرامش امام کاظم (علیه السلام) به امور معنوی بوده است (حراملی، ۱۴۱۸ ق،

۱. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ».

۲. «كان أبو الحسن موسى (عليه السلام) أعبد أهل زمانه و أفقههم و أسخاهم كفا و أكرمهم نفسا و روى أنه كان يصلي نوافل الليل و يصلها بصلاة الصبح ثم يعقب حتى تطلع الشمس و يختر لله ساجدا فلا يرفع رأسه من السجود و التحميد حتى يقرب زوال الشمس و كان يدعو كثيرا فيقول اللهم إني أسألك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب و يكرر ذلك».

ج ۳: ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۹) همان‌طور که سجده طولانی از سنن انبیا، آداب اسلامی و علامات مؤمنین است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۰).

چنان‌که نظیر انس یافتن با امور معنوی به جای امور مادی را در میان اصحاب ائمه می‌توان مشاهده کرد. کشی از فضل بن شاذان روایت کرده است که به نزد ابن ابی عمیر رفتم او در سجود بود و سجده بسیار طولانی کرد و چون سر برداشت فضل تعریف طول سجده او کرد و گفت که اگر سجده‌های طولانی جمیل بن دراج را می‌دید سجده مرا مدح نمی‌کردی و چنان‌که تو بر من وارد شدی من نیز بر جمیل وارد شدم و دیدم که او سجده بسیار طولانی کرد پس چون سر برداشت به او گفتم تعجب خود را از سجود طولانی او گفت این سهل است اگر سجود معروف بن خربوذ را می‌دید این سجده در نظرت اعتبار نمی‌داشت (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۶۱۱). زمانی که ربط انسان با عالم معنا و انسش با خداوند متعال برقرار نشد، طبیعتاً به دنبال درمان دردهای خود در دنیا خواهد بود. لذا آرامش او به امور مادی همچون خانه و ماشین و ... خواهد بود و هیچ‌گاه به آرامشی واقعی و پایدار دست نمی‌یابد چنان‌که خداوند متعال چنین آرامشی را منحصر در یاد خود معرفی کرده است (رعد، ۲۸).

چنان‌که غالب اشخاصی که در سلول انفرادی قرار گیرند مشکل روانی پیدا می‌کنند چون همیشه آرامش خود را در بیرون از خود می‌یابد و زمانی که از بیرون بریده می‌شوند تحت فشار قرار می‌گیرند و احساس کمبود و سختی می‌کنند؛ اما امام کاظم (علیه السلام) دقیقاً عکس چنین حالتی برایشان پیش می‌آمد و در مدتی که خلوت خاصی برای ایشان از طریق حبس کردن ایشان در زندان فراهم شد، این دعا را بسیار به درگاه الهی عرض می‌کردند که من از تو تقاضا کردم که مکانی فارغ و خلوت برایم فراهم نمایی تا تو را عبادت کنم و تو را شکر می‌کنم که دعایم را استجابت کردی. من را از مردم جدا کردی و در این خلوت قرار دادی تا شبانه‌روز فقط به عبادت مشغول باشم (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق،

۱. «عن هشام بن أحمد قال كنت أسير مع أبي الحسن (عليه السلام) في بعض أطراف المدينة إذ ثنى رجله عن دابته فخر ساجدا فأطال وأطال ثم رفع رأسه وركب دابته فقلت جعلت فداك قد أطلت السجود فقال إنني ذكرت نعمة أنعم الله بها علي فأحببت أن أشكر ربي.»

ج ۶: ۳۵۷). برای امام کاظم (علیه السلام) بودن در یک زندان انفرادی تاریک در یک سیاهچال موجب شوق است؛ چراکه موجب برقراری ارتباط بیشتر با خداوند متعال است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۳۱۸).

زمانی که انسان به دنبال عالم ظاهر و دنیا باشد با جدایی از آن احساس کمبود می‌کند؛ اما اگر انسان ارتباط درونی خود با خداوند را بیابد و با ملکوت ارتباط برقرار کند، نه تنها به امور مادی دلبستگی پیدا نمی‌کند و با فقدان آن احساس کمبود نمی‌یابد بلکه انقطاع از عالم دنیا یکی از خواسته‌های او خواهد بود. چنان که ائمه در دعا این چنین تعلیم فرموده‌اند که باید از خداوند متعال طلب شود که انسان از تمام ماسوی الله بریده شود و تنها سعادت خود را در این بداند که مورد نظر خداوند متعال قرار گیرد (راوندی، ۱۴۰۷ ق: ۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۶۸۷) یا اینکه از خداوند متعال این چنین درخواست می‌کنند که بی‌نیازی از غیر با ارتباط یافتن به خداوند متعال در درون‌شان نهادینه شود (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۴۲؛ حلی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۵). تلقی امور مادی و دنیوی به عنوان مسائل حقیقی به جهت تربیت نادرست است و الا اگر مسیر تربیت اسلامی به درستی طی شود، اشخاص تنها در پی خلوت کردن با خداوند متعال خواهند بود و اگر به امور دنیوی هم بپردازند به لحاظ ربط آن‌ها با خداوند متعال است.

یکی از امور اساسی در بحث فرهنگ‌سازی این است که نهادهای فرهنگی و آموزشی برای ترویج فرهنگ اسلامی، اعراض از دنیا و اقبال به آخرت را در قلب افراد ترویج کنند به گونه‌ای که با استفاده از منابع تولیدشده این نگرش در افراد ایجاد شود که امور دنیایی همچون شهرت و اندوخته‌های دنیوی پست و ناچیزند و آنچه عظمت و علو دارد عالم ملکوت و امور اخروی و برقراری ارتباط با خداوند متعال است.

۲-۲. کار و تلاش در مسیر فراهم کردن درآمدهای اقتصادی

یکی دیگر از ابعاد فردی اقتصادی در اسلام این است که هر کس به قدر توان خود باید در جامعه تلاش کند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۰۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹) چنان که در آیات قرآن کریم به این مسئله توجه شده است که انسان تنها از طریق سعی و تلاش

است که می‌تواند به سعادت دست یابد^۱ (نجم، ۳۹) و در روایات امور متقابل با سعی و تلاش را که تنبلی و بی‌حوصلگی است کلید هر بدی دانسته‌اند (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۶: ۴۶۴).

کار و تلاش بسیار را به وضوح در سیره امام کاظم (علیه السلام) می‌توان مشاهده کرد. شخصی به خدمت امام کاظم (علیه السلام) در یکی از زمین‌های زراعتی می‌رسد و حضرت را مشغول زراعت می‌بیند به گونه‌ای که پاهای حضرت غرق در عرق بود. لذا سؤال می‌نماید غلامانی که باید کار کنند کجا هستند؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: کسانی برای کسب روزی حلال تلاش و کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند؛ کسانی همچون پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) و تمام پدرانم سیره‌شان این چنین بود که با دستان خود به دنبال کسب روزی حلال می‌رفتند و این سیره انبیا، رسولان، اوصیا و صالحان است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۷۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۱۶۲).

تلاش برای کسب روزی حلال در فرهنگ اسلام به عنوان افتخار و سعادت و بی‌توجهی به آن را مایه لعن (برجوردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۸۶) و گناهی نابخشودنی و موجب هلاکت (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۲۵۴؛ علوی عاملی، ۱۳۹۹ ق، ج ۲: ۱۲۱) تلقی شده است؛ چنان که در روایات چنین اشخاصی همانند مجاهدان فی سبیل الله (حلی، ۱۴۰۷ ق: ۸۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۳۶۱) و در برخی دیگر از مرتبه مجاهدان نیز بالاتر محسوب شده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹: ۳۷). پس هر کسی در هر زمینه‌ای که می‌تواند باید تلاش کند و وقت خود را به امور بیهوده سپری نکند که این امور در واقع ضربه زدن به نظام اقتصادی یک جامعه اسلامی است.

۲-۳. ایثار کردن نسبت به فقرا

یکی از پایه‌های اقتصاد اسلامی برای ریشه‌کن کردن فقر و حل معضلات اقتصادی، وجود حس گذشت، ایثار و همکاری میان انسان‌هاست که در آیات قرآن (حشر، ۹) و

۱. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».

۲. «الْكسَلُ وَالضَّجَرُ فَانْهَمَا مِفْتَاحَ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُوَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ».

روایات به صورت فراوان تأکید شده است به گونه‌ای که شخص در عین نیاز خود به چیزی آن را در اختیار دیگری قرار دهد (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ ق: ۴۴؛ الحویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵: ۲۸۷). چنان که امام کاظم (علیه السلام) این چنین به این مسئله اصحاب خود را متوجه می‌کند که زمانی با برادران ایمانی خود حب فی الله دارید و وصلت حقیقی میان برادران دینی برقرار می‌شود که اگر آن‌ها محتاج باشند بتوانند بدون اجازه از اموال شما استفاده و نیازهای خود را برطرف کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۵: ۳۶). ایثار و از خودگذشتگی اساس حل مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی است که از طریق آن افراد توانمند نیازهای انسان ناتوان را حل کنند، چنان که اگر متمولان به وظایف شرعی مالی خود یعنی خمس و زکات مقید باشند بسیاری از مشکلات اقتصادی حل می‌شود چنان که رهبر کبیر انقلاب یکی از ادله اثبات ولایت فقیه را مسئله پرداخت خمس و زکات دانستند؛ چرا که از این طریق سرمایه اقتصادی عظیمی شکل می‌گیرد که حتی نیازهای مالی حکومت اسلامی را برطرف می‌کند. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است» (خمینی، ۱۳۵۶: ۳۴).

چنین ایثاری را نه تنها در سیره امام کاظم (علیه السلام) بلکه با هدایت ایشان در اصحاب‌شان نیز مشاهده می‌شود. شخصی از متمولان ری مقدار زیادی بدهکاری به حاکم ری پیدا می‌کند به گونه‌ای که باید همه دارایی‌های خود را بدهد و در فقر و فلاکت زندگی کند. از آنجا که شنیده بود حاکم ری از محبان امام موسی کاظم (علیه السلام) و شیعیان است، تصمیم می‌گیرد در موسم حج از امام کاظم (علیه السلام) بخواهد که حاکم ری بدهی‌های وی را ببخشد. اجمالاً این مطلب مسلم است که پرداخت بدهی‌ها به حکومت ظالم واجب نیست چون حکومت اسلامی نیست تا احترام داشته باشد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۲۲۵)؛ حاکم ظالم است و اموال مردم را ظالمانه دریافت می‌کند و در ازای اموالی که می‌گیرد، مسئولیتی ندارد. امام کاظم (علیه السلام) در ازای درخواست شخص متمول، نامه‌ای کوتاه به این صورت نوشتند: بسم الله الرحمن الرحیم بدان در زیر عرش خداوند سایه‌ای وجود دارد که در آن کسی ساکن

نمی‌شود مگر کسی که به برادر مؤمن خود خدمت و نیکی نموده یا مشکلی را حل کرده باشد^۱ و این کسی که نامه را به سوی تومی آورد برادر ایمانی تو است. شخص متمول نزد حاکم می‌رود و حاکم پس از خواندن نامه به غلام دستور می‌دهد تمام اموال وی را بیاورد تا نصف آن را به شخص متمول بدهد؛ دیوان بدهی‌ها را هم می‌آورد و تمام بدهی‌های وی را هم پاک می‌نماید تا از امر مولای خود امام کاظم (علیه السلام) اطاعت کرده باشد و قلب ایشان را مسرور کند (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۲۸۹).

حل مشکلات اقتصادی در جامعه اسلامی تنها به این نیست که دولت بنگاه‌های اقتصادی را به راه بیندازد و واردات و صادرات را کنترل کند، بلکه هر کسی به میزان خود در این مسئله سهمی دارد. متأسفانه مجموعه‌های فرهنگی همچون هیئت‌های مذهبی تنها هویت فرهنگی یافته است و از بعد عملی خود مقداری دور شده‌اند در حالی که زمان پیشین مساجد، امور خیریه و تعاونی داشتند و مؤمنان علاوه بر تجمعات برای روضه‌خوانی واقعاً وحدت قلبی داشتند و هر کسی که از درآمد خود مال اضافه‌ای داشت در اختیار خیریه قرار می‌داد. زمانی که وحدت قلوب باشد خداوند در آن برکت قرار می‌دهد و امور را به لطف و برکت خویش پیش می‌برد^۲ (فصلت، ۳۰).

۳. فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) در بُعد اجتماعی

از لحاظ اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) را می‌توان در سه زمینه مدیریت کلان، جذب سرمایه و کیفیت صرف سرمایه بررسی کرد.

۳-۱. مدیریت کلان مسائل اقتصادی

مدیریت کلان منابع مالی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی است، چراکه هر جامعه‌ای اوضاع گوناگونی را از لحاظ اقتصادی تجربه می‌کند به گونه‌ای که گاه بی‌توجهی به مخاطرات اقتصادی داخلی و خارجی، ضربه‌ای مهلک و غیرقابل جبران بر پیکر آن وارد

۱. «إِنَّ اللَّهَ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ ظِلًّا لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ نَفْسٍ عَنْ أُخِيهِ كَرِبَتْهُ أَوْ أَعَانَهُ بِنَفْسِهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ وَ هَذَا أَخْوَكُ وَ السَّلَامُ.»

۲. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.»

می‌کند. این مسئله به قدری اهمیت دارد که مقام معظم رهبری در ابتدای ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیش از دیگر موارد این گونه تنبه می‌دهند: «ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

با توجه به اهمیت چنین شاخص اقتصادی یکی از فعالیت‌های امام کاظم (علیه السلام) در بُعد اجتماعی، مدیریت کلان سرمایه‌های شیعه قرار گرفت. امام کاظم (علیه السلام) با توجه به فرصتی که بعد از کنار رفتن بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس پیش آمد، تشکیلات وکلا را در جهان اسلام راه‌اندازی کردند که تا عصر امام زمان (علیه السلام) ادامه داشت. ایشان در هر شهری شخصی را به عنوان نایب برای خود قرار دادند، مجموعه اختیاراتی را به او تفویض و آن‌ها را به شیعیان آن منطقه معرفی کردند تا از طریق شبکه وکلا امور شیعیان را در جهان اسلام مدیریت کنند. یکی از شواهد این امر در سعایت‌هایی است که افراد پیش هارون از شیعیان می‌کردند بدین صورت که آن‌ها امام کاظم (علیه السلام) را پیشوای خود می‌دانند و خمس خود را پیش او می‌فرستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲۱۹). مدیریت متمرکز سرمایه‌ها یکی از اصول اساسی اقتصادی برای مصرف صحیح آن است. بدیهی است چنین تشکیلاتی برای هارون و خلفای عباسی هراس‌انگیز بود؛ زیرا از این طریق تمام اموال شیعیان به‌طور متمرکز مدیریت می‌شد و در سیطره تام حکومتی آن‌ها

خلل وارد می‌کرد. در دوره‌های قبل از امام کاظم (علیه السلام) ائمه امکان ایجاد چنین تشکیلاتی را نداشتند، دسترسی به منابع مالی بدین صورت ممکن نبود و بسیاری از اموال شیعیان هدر می‌رفت و در جای خود صرف نمی‌شد. امام کاظم (علیه السلام) با وجود اینکه در حبس بودند از طریق شبکه وسیع وکالت به رفق و فتق امور شیعیان می‌پرداختند که هم اموال جمع‌آوری و هم بر همان مجرای که صلاح می‌دانستند مصرف می‌شد.

در نظام اقتصادی اسلام چنین اصلی وجود دارد که باید مدیریت واحد وجود داشته باشد که تنها از طریق حکومت اسلامی و ولی فقیه می‌توان در اموال تصرف کرد و دیگران نیز از مجرای او باید حرکت کنند. چنان که برخی بزرگان معتقدند که تمام اموال خمس و زکات باید به دست ولی فقیه برسد و مراجع دیگر اذن در تصرف ندارند، چون به اعتقاد برخی صرف اجتهاد برای تصرف در آن کافی نیست (حسینی تهرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۵۷). علاوه بر اجتهاد به مدیریت واحد نیاز است تا با نگاهی کلان نیازهای جامعه اسلامی را بشناسد و بعد از شناخت اهم و مهم نماید و سرمایه‌ها را در بهترین مجرا صرف کند.

۳-۲. جذب سرمایه‌های بعید الوصول

از جمله چالش‌های اساسی در باب اقتصاد این است که چگونه می‌توان منابع مالی عظیمی را که در جامعه به راحتی قابل دستیابی نیستند به دست آورد تا از طریق آن اوضاع اقتصادی جامعه را بهبود بخشید. سازوکارهای تربیت دینی و اخلاق اسلامی یکی از پاسخ‌های اساسی برای چنین چالشی است، چراکه این سازوکارها منجر به تقویت باورهای دینی می‌شود (بابازاده خراسانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۶) و نظام تأمین مالی متفاوتی را برای جامعه اسلامی فراهم می‌کند به گونه‌ای که متدینان بر آن می‌شوند سرمایه‌های خود را در اختیار فرد یا نهادی قرار دهند که از لحاظ دینی موجه است تا در قبال چنین عملی به وظایف دینی خود عمل کرده باشند.

گاهی علت ترجیح نظام‌های مالی اسلامی بر غیراسلامی تنها بر وجوه اعتقادی و تعبدی صرف منحصر نمی‌شود، بلکه وجوه عقلایی نیز از چنین قراردادهایی حمایت می‌کند، چنان که تجربیاتی با رویکرد اقتصاد آزمایشگاهی نشان داده است که انسان‌ها هنگامی که با

قراردادهای مشارکتی اسلامی مواجه می‌شوند، انگیزه بیشتری برای پابندی دارند تا هنگامی که با قراردادهای غیراسلامی همچون وام ربوی مواجه می‌شوند چرا که نوعاً آن‌ها را منصفانه‌تر ارزیابی می‌کنند (همان).

حضرت کاظم (علیه السلام) تشکیلات نفوذی در دربار بنی العباس ایجاد کردند که بسیار عجیب است و نوع ارتباط ایشان با این تشکیلات عجیب‌تر است. یکی از شیعیان ائمه (علیهم السلام) شخصی به نام یقطین است که در دربار منصور و هادی عباسی بود و بعد از رحلت او علی بن یقطین به وزارت می‌رسد. این شخص علاقه و نوع ارتباطش با حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به‌رغم جاسوس‌هایی که خلفای بنی العباس و به خصوص هارون الرشید داشتند یکی از عجایب است که با زیرکی خاصی از بغداد با مدینه در ارتباط بوده و جزئیات امور را به مدینه منتقل می‌کرده و دستور از امام (علیه السلام) به صورت سری می‌گرفته است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۱: ۳۷۹).

یکی از کارهایی که حضرت توسط علی بن یقطین انجام می‌دادند، مصارف اموالی بود که در دربار وجود داشت چون مدیریت چنین اموالی در اختیار او بود و خازن و مسئول بیت المال منصور، هادی و مهدی بود و تعدادی از شیعیان در دربار بنی العباس نفوذ کرده بودند که با همکاری یکدیگر اموالی که به دربار می‌رسید و امکان داشت به گونه‌ای مصرف شود که هارون اطلاع نیابد به فقرای شیعه می‌رساندند. زمانی که علی بن یقطین از امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌خواهد که از این منصب استعفا کند، حضرت ماندن ایشان را در آن منصب بهتر می‌دانند. در بسیاری از موارد علی بن یقطین از شیعیان اموالی را با عنوان مالیات از آن‌ها دریافت و یادداشت می‌کرد که چنین مالیاتی دریافت شد و شبانه با گروهی که داشت اموال را به شیعیان برمی‌گرداند. علاوه بر اینکه شیعیان فقیر را شناسایی می‌کردند و اموال دربار را تا حد امکان به آن‌ها می‌رساندند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۳۳۵).

جذب کردن سرمایه‌های پراکنده و سرمایه‌هایی که در دست ظالمان و تبهکاران قرار دارد و لو به صورت سری و علنی یکی از مؤلفه‌های اجتماعی در الگوی اقتصادی اسلامی است که از فعالیت حضرت کاظم (علیه السلام) می‌توان استنباط و در عرصه تحقق اقتصاد مقاومتی از این مؤلفه استفاده کرد.

۳-۳. کیفیت صرف سرمایه‌ها برای فقرزدایی

یکی از مسائل اساسی در باب اقتصاد این است که چگونه می‌توان از سرمایه‌های موجود در جهت رفع مشکلات مالی جامعه بهترین استفاده را کرد به گونه‌ای که فاصله طبقاتی میان دهک‌های جامعه به حداقل ممکن برسد.

در دین مبین اسلام از جمله ابزار مالی بسیار مهم، دریافت خمس و زکات است که می‌تواند نقشی بسزا در رفع فقر در جامعه اسلامی داشته باشد. چنان‌که در این زمینه مقالات گوناگونی تألیف شده تا نقش چنین ابزارهای بسیار مهمی در ایجاد تعادل در اقتصاد اسلامی را نشان دهند (زارع و پژومان، ۱۳۹۸؛ عسگری، ۱۳۹۸؛ حسن‌شاهی، ۱۳۹۸). علاوه بر اینکه یکی از اهداف تشریع دین تحقق عدالت و رفع فقر در جامعه است که یکی از راه‌های آن توزیع مناسب و عادلانه درآمد در جامعه اسلامی است (زارع و پژومان، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

نوع و کیفیت مصرف سرمایه‌ها در زندگی امام کاظم (علیه السلام) فارغ از مدیریت کلان اقتصادی و جلب سرمایه‌ها الگوی اساسی مستقلی را نشان می‌دهد. چنان‌که از سیره ائمه این چنین به دست می‌آید که سرمایه‌های مالی اگر به صورتی توزیع شود که فقرا بتوانند خودکفا و مستقل شوند بهتر از آن است که سرمایه مذکور میان تعداد بیشتری توزیع شود بدون آنکه هیچ کدام در زندگی خود استقلال پیدا کنند در حالی که ممکن است این گونه تصور شود که اگر به فقرای بیشتری احسان شود ثواب بیشتری خواهد داشت چرا که افراد بیشتری بهره‌مند می‌شوند.

سرّ چنین توصیه‌ای در این است که مال مذکور زمانی که میان فقرا سرشکن شود فقر هیچ‌گاه ریشه‌کن نمی‌شود، اما اگر همان سرمایه به یک فقیر داده شود، بر اساس آن سرمایه می‌توان زندگی مستقلی را پدید آورد و نیاز فرد را برای همیشه تأمین کرد. این روش اگرچه در کوتاه‌مدت آثار کمی را از خود بروز می‌دهد، اما در درازمدت می‌تواند از جامعه اسلامی فقرزدایی کند.

بنابراین، روش انفاق ائمه (علیهم السلام) این گونه بود که سرمایه‌ای را که به دست آن‌ها می‌رسید به میزانی به فقیر بدهند تا سرمایه کار به دست آورد و بی‌نیاز شود. چنان که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) پیش شخصی می‌آید که ناراحت است و علتش را جویا می‌شود که شخص می‌گوید امسال زراعت کرده بودم و هندوانه، خیار و کدو کاشته بودم همه محصولات در اوان برداشت بود که ملخ‌ها حمله کردند و تمام زراعت را تار و مار کردند، ۱۲۰ دینار بدهکار شدم و دو شتر بیشتر ندارم که با فروش آن دو بدهی‌ام پرداخت نمی‌شود. نه سودی برای زندگی خودم و نه سرمایه‌ای برای کار باقی مانده است. حضرت به غلام خود دستور دادند ۱۵۰ دینار نقدی به شخص بدهد تا علاوه بر پرداخت بدهی بتواند با بقیه آن به کار خود ادامه دهد (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۲۱۷). در تاریخ مشهور است که امام کاظم (علیه السلام) کیسه‌هایی داشتند که به صرار موسی مشهور شده بود (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۳۰۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ ق، ج ۲: ۲۸۹) که از ۲۰۰ تا ۳۰۰ دینار تقسیم شده بود و به حسب نیاز به خانواده‌ها پرداخت می‌شد و این طور معروف بود که خانواده‌ای که موسی بن جعفر به وی صره پرداخت کنند فقیر نخواهد بود. بر اساس چنین سیره‌ای در شرایط فعلی باید برای افراد زمینه کار فراهم شود تا بتوانند مستقل شوند و زندگی خود را به تنهایی مدیریت کنند.

البته در کنار آن انفاق‌های جزئی به کسانی که اصلاً نمی‌توانند کار کنند مثل فقرایی که زمین گیرند یا زن تنهایی است یا افرادی که ضرورت فعلی دارند در جای خود در سیره ائمه (علیهم السلام) همچون امام کاظم (علیه السلام) محفوظ است (جزائری، ۱۴۲۷ ق، ج ۲: ۲۸۹)۲. امام کاظم (علیه السلام) به فقرایی که این چنین بودند هر چند روز یکبار غذا می‌رساندند، چرا که اگر به این افراد سرمایه‌ای برای کار داده شود باز هم زمینه کار کردن برای شان به وجود نمی‌آمد.

۱. «ذكر جماعة من أهل العلم أن أبا الحسن (عليه السلام) كان يصل بالمائتي دينار إلى الثلاثمائة و كان صراراً [موسی] مثلاً»
 ۲. «كان يتفقّد فقراء المدينة ليلاً فيحمل إليهم الزبيل فيه العين و الورق و الادقة و التمور فيوصل إليهم ذلك و لا يعلمون من أي جهة هو.»

۴. نتیجه‌گیری

سیره امام کاظم (علیه السلام) در ابعاد فردی و اجتماعی در حوزه اقتصاد در شرایط کنونی که جوامع جهانی با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو شده‌اند قابل الگوگیری است، به گونه‌ای که ابعاد فردی آن را باید تک‌تک افراد جامعه مد نظر قرار دهند؛ بدین صورت که فرهنگ زهد و قناعت و ترک نیازهای باطل و بیهوده از سویی به‌عنوان اقدامی پیشگیرانه در جهت رفع مشکلات اقتصادی لحاظ شود و از سوی دیگر با شناخت نیازهای واقعی افراد در زندگی با کار و تلاش در پی حل آن برآمد و از افرادی که در این زمینه ناتوان هستند دستگیری کرد تا با برخورداری از رحمت و برکت الهی به‌واسطه چنین اعمال صالحه‌ای هر یک از اشخاص در تحقق اقتصاد اسلامی نقشی از خود باقی بگذارند. بعد اجتماعی الگوهای اقتصادی امام کاظم (علیه السلام) هم به تشکیلات حکومت اسلامی مربوط می‌شود تا با بهره‌گیری از تشکیلات وکلا و ثمرات آن در پی مدیریت کلان مسائل اقتصادی و جذب سرمایه‌های نایاب برآید و با توجه به امکانات مالی به دست آمده و دستگیری کامل از فقر زمینه‌های فقرزدایی در جامعه اسلامی را فراهم آورد. در صورت نبود حکومت اسلامی نیز این الگوهای اقتصادی کلان در اجتماعاتی خردتر قابل پیگیری است اگرچه تأثیرات چنین الگوهایی در اجتماعات خردتر به جهت کوچک بودن چنین مجموعه‌هایی کمتر است. چنان‌که اگر در زمان حیات امام کاظم (علیه السلام) حکومت اسلامی برقرار می‌شد و امام کاظم (علیه السلام) حاکم چنین حکومتی می‌شدند این فعالیت‌های اقتصادی کلان از تأثیرات شگرفی برخوردار می‌شد و می‌توانست الگوی اقتصادی مناسب برای حکومت‌های اسلامی کنونی باشد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
- (۱۴۱۵ق). المقتنع. قم: مؤسسه امام مهدی.
- (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبی طالب. قم: انتشارات علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). عدة الداعی و نجاح الساعی. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تبریز: انتشارات بنی هاشمی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بابازاده خراسانی، بهزاد؛ فرزین‌وش، اسدالله؛ سبحانی، حسن؛ فاطمی اردستانی، سید فرشاد. (۱۳۹۸). «نقش سازوکارهای اعمال قرارداد در تمایز میان نظام تأمین مالی اسلامی و متعارف». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۱۹. شماره ۷۶. صص: ۸۹-۱۱۸.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۱ق). حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد و آلہ الأطهار. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- (۱۴۱۳ق). مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- بروجردی، حسین. (۱۳۸۶). جامع أحادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بهشتی، مهدی؛ علیزاده، امیر خادم. (۱۳۹۹). «امکان‌سنجی استفاده از روش آزمایشگاهی در اقتصاد اسلامی (با تأکید بر مبانی معرفت‌شناختی استاد مطهری)». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۲۷۳-۳۰۰.
- پاک‌نیا، عبد الکریم. (۱۳۸۳). «امام کاظم (علیه السلام) اسوه صلابت و ظلم ستیزی». مجله مبلغان. شماره ۵۷. صص: ۴۰-۵۱.
- پورفرد، مسعود. (۱۳۹۲). «راهبرد امام کاظم (علیه السلام) در برابر هژمونی حاکمان عباسی». مجله تاریخ اسلام. شماره ۵۳. صص: ۴۷-۸۲.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- جداری عالی، محمد. (۱۳۹۸). «معیار اخلاقی تولید در نظام اقتصادی اسلام». فصلنامه اقتصاد اسلامی. دوره ۱۹. شماره ۷۴. صص: ۶۵-۸۷.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله. (۱۴۲۷ق). ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- چلونگر، محمدعلی؛ نجاتی، محمد سعید. (۱۳۹۴). «بررسی رویکردهای سیاسی و معنوی امامت شیعه در زندگی

- امام کاظم (علیه السلام). *مجله تاریخ اسلام*. شماره ۶۱. صص: ۷-۳۰.
- حسن شاهی، مرتضی. (۱۳۹۸). «برآورد میزان تأثیر خمس و زکات بر منحنی لورنز و ضریب جینی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۵. صص: ۷۹-۱۰۷.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۹۹). «بخشش‌ها و انفاق‌های مالی امام کاظم (علیه السلام)». *مجله مبلغان*. شماره ۲۶۱. صص: ۵۰-۶۱.
- حسینی، سید حمید؛ رستنده، مسعود؛ یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). «اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم با تکیه بر راهبردهای روان‌شناختی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۵-۳۴.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۸ق). *ولایت فقیه در حکومت اسلام*. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام).
- _____ (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- _____ (۱۴۱۴ق). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة*. مشهد: آستانة الرضویة المقدسه.
- حلی، علی بن یوسف. (۱۴۰۸ق). *العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- الحویزی، عبد علی بن جمعة. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خمینی، روح الله. (۱۳۵۶). *نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطا*. بی‌جا: بی‌نا.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البيت.
- راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق). *الدعوات / سلوة الحزین*. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی.
- زارع، هاشم؛ پژومان، سودابه. (۱۳۹۸). «ارتباط منابع درآمدی از طریق پرداخت زکات؛ شرطی برای یک اقتصاد تعادلی اسلامی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۳. صص: ۱۲۳-۱۵۳.
- سلیمانزاده، رامینه؛ مؤمنی، فرشاد؛ علیزاده، امیرخادم؛ پاداش، حمید. (۱۳۹۸). «رهیافت نشانه‌شناختی به توسعه در اقتصاد اسلامی، با تأکید بر دیدگاه‌های شهید مطهری و شهید صدر». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۶. صص: ۵-۳۳.
- سوری، محمد. (۱۳۹۲). «واکاوی متون زهد و بررسی ارتباط مشایخ صوفیه با امام کاظم (علیه السلام)». *مجله تاریخ اسلام*. شماره ۵۳. صص: ۱۷۰-۱۵۳.
- شاهرخی، سید علاءالدین. (۱۳۹۹). «بررسی روابط برمکیان با امام کاظم (علیه السلام) و خاندانش». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. شماره ۳۲. صص: ۵۹-۸۳.
- شریفی، عنایت. (۱۳۹۰). «اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم». *پژوهشنامه معارف قرآنی*. دوره ۲. شماره ۴. صص: ۲۷-۵۸.
- شمخی، مینا؛ باجی، نصره. (۱۳۹۳). «علوم قرآنی در بیان امام کاظم (علیه السلام)». *مجله بینات*. شماره ۸۱. صص: ۱۷۳-۱۸۸.
- صادقی اردستانی، احمد. (۱۳۹۳). «امام کاظم (علیه السلام) و استدلال به آیات در احکام فرعی». *مجله بینات*. شماره ۸۱. صص: ۴۳-۵۲.

- طباطبایی، سید محمد کاظم؛ بهرامی، علی رضا. (۱۳۹۱). «جستاری در آسیب شناسی چالش های آغاز امامت امام کاظم (علیه السلام)». *مجله امامت پژوهی*. شماره ۸. صص: ۷۳-۱۰۶.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). *مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریة.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- عراقیان، حمیده؛ اسدیگی، اردشیر؛ دلبری، شهریانو. (۱۴۰۰). «اقدامات امام کاظم (علیه السلام) در راستای اثبات امامت ایشان در منابع شیعه و اهل سنت». *مجله شیعه شناسی*. شماره ۷۳. صص: ۹۱-۱۰۸.
- عسگری، محمد مهدی؛ محمدی پور، احمد. (۱۳۹۸). «مفهوم فقر اقتصادی و تبیین راهکار زکات در رفع آن». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۱۹. شماره ۷۵. صص: ۵۱-۷۸.
- علوی عاملی، احمد. (۱۳۹۹ق). *مناهج الأخیار فی شرح الإستبصار*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعة العلمیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم: انتشارات رضی.
- فراهانی فرد، محمدعلی؛ پارسانیا، حمید. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی عقل گرایی در اقتصاد متعارف و حکمت عملی اقتصاد اسلامی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. دوره ۲۰. شماره ۷۷. صص: ۹۱-۱۲۰.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتب.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- _____. (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- همت بناری، علی. (۱۳۷۷). «رهنمودهای تربیتی امام کاظم (علیه السلام)». *مجله فرهنگ کوثر*. شماره ۱۶. صص: ۹-۱۲.

منابع اینترنتی

- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲/۱۱/۲۹). *ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»*. در سایت فارسی خامنه‌ای به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۴.
- _____. (۱۳۹۱/۶/۲). *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت*. در

سایت فارسی خامنه‌ای به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> تاریخ مشاهده:

۱۴۰۱/۱۰/۴

_____ (۱۳۹۱/۵/۳). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام. در سایت فارسی خامنه‌ای به

نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۴.



بررسی مضامین آموزه‌های اسلامی در کتیبه‌های معماری رواق‌های حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) (مطالعه موردی: حرم امام رضا (علیه‌السلام) در دوران تیموری و صفوی)

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

محبوبه زمانی^۱، امیر اکبری^۲، محمد دارینی^۳

چکیده

مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در طول تاریخ به دلیل علاقه و ارادت مسلمانان، همواره مورد توجه ویژه بوده است. در این میان، حکومت تیموریان و صفویان، بر اساس گواهی مورخان از نظر عظمت و گستردگی حوزه نفوذ زیادی داشته و بناهای متعددی را در مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) بنا کرده‌اند. در دوران صفویان اقدامات فراوانی برای ساخت، بازسازی و گسترش مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در ایران و عراق صورت گرفت و آنان بناهای ارزشمندی را از خود برجای گذاشتند. معماری مجموعه مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) فضاهای گوناگونی را در بر گرفته که در این بین فضای رواق جایگاه ویژه‌ای داشته است. به همین دلیل، حکومت تیموریان و صفویان رواق‌های متعددی را در مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) بنا کرده‌اند. همان‌گونه که معماری این دوران از مفاهیم اسلامی سرچشمه گرفته است، فرض بر آن است که کتیبه‌های آن نیز به‌منزله برترین نوع تزیینات، از آموزه‌های اسلامی نشئت گرفته باشد. هدف این پژوهش، شناسایی تأثیر آموزه‌های اسلامی در شکل‌گیری کتیبه‌های رواق مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) و در پی پاسخگویی به نحوه تأثیر آموزه‌های اسلامی در شکل‌گیری تزیینات کتیبه‌های معماری رواق اهل بیت (علیهم‌السلام) و همچنین بازخوانی مضامین آن‌هاست. به دلیل دسترسی مناسب به مرقد امام رضا (علیه‌السلام) در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و تاریخی سه رواق دارالحفاظ و دارالسلام از دوران تیموری و رواق دارالفیض از دوران صفوی به‌عنوان نمونه پژوهشی، بررسی و تحلیل شده تا آموزه‌های اسلامی کتیبه‌ها روشن شود.

کلیدواژه‌ها: مضامین اسلامی، کتیبه، معماری، رواق، حرم امام رضا (علیه‌السلام).

۱. دانشجوی دکتری گروه هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران: M_Zamani@mshdiau.ac.ir
۲. استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول): Amirakbari84@yahoo.com
۳. مربی گروه معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران: M.Darini123@gmail.com

۱. مقدمه

تزیینات در هنر و معماری اسلامی در بناهای مذهبی و فضاهای قدسی، ابزار یا بیانی تصویری برای شرافت بخشیدن به ماده است تا به افق‌های برتر اعتلا یابد و دارای ابعاد معنوی و الوهی شود (آوینی، ۱۳۷۴: ۷۲). هنرمند مسلمان با تأسی از مبانی اعتقادی، اسلامی و با کمک تزیینات معماری فضایی معنوی ایجاد می‌کند. این تزیینات علاوه بر دارا بودن ارزش صوری، بیانگر راز و رمزهای فرهنگی و دینی نهفته در خود نیز است (بورکهارت، ۱۳۸۶: ۶۲). یکی از مهم‌ترین تزیینات در معماری اسلامی که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، کتیبه‌نگاری است. این هنر علاوه بر بُعد زیبایی‌شناسی، بعد مفهومی نیز دارد که در آن مضامین اسلامی نهفته است.

یکی از جلوه‌های تزیینات کتیبه‌نگاری در بناهای مذهبی است. از آنجا که مسلمانان همواره ارادت خاصی به اهل بیت (علیهم‌السلام) داشته‌اند، سعی کرده‌اند، مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) را به بهترین نحو بسازند و تزیین کنند. از همین رو، با شکوه‌ترین تزیینات کتیبه‌نگاری را می‌توان در مرقد اهل بیت (علیه‌السلام) پیدا کرد. بناهای مرقد اهل بیت، به خصوص مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) منبعی ارزشمند از معماری اسلامی و تزیینات ارزشمندی چون کتیبه‌هاست که می‌توان با مطالعه آن‌ها، رمز و رازهای مبانی اسلامی نهفته را به ظهور رساند. در معماری مرقد امام رضا (علیه‌السلام) رواق، جایگاه مهمی داشته و سابقه ساخت برخی از آن‌ها به قدیمی‌ترین دوران می‌رسد، به طوری که جزو نخستین فضاهای اطراف مرقد بوده است. رواق به عنوان مکان حضور زائران برای تشریف به حرم، فضایی معنوی بوده و مفاهیمی ارزشمند را در معماری و تزیینات کتیبه‌ها جای داده است. کتیبه‌های رواق‌های حرم امام رضا (علیه‌السلام)، دارای گونه‌های مختلفی همچون قرآنی، حدیثی، دعایی، تاریخی و ادبی است که هر یک از آن‌ها مفاهیم ارزشمندی را ارائه می‌کند. از این رو، مطالعه ما به اهمیت جایگاه رواق‌ها در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) و کتیبه‌های آن به منزله والاترین نوع تزیینات، اهمیت فراوان داده و آن‌ها را برای نمونه پژوهشی خود برگزیده است.

حکومت تیموریان و صفویان در تاریخ تأثیرگذاری فراوانی بر ساخت، گسترش و بازسازی

مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) و به‌خصوص رواق‌های حرم داشته‌اند. تیموریان دوستدار پرشور معماری و نوشته‌های تاریخی و حامی مذهب بودند. تیمور سنی مذهب بود و به اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) توجه خاصی داشت و از ساخت عمارت برای آنان پشتیبانی می‌کرد (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸). در دوران تیموری با وجود معماری ساده‌تر، اما طرح‌های تزئینی بیشتر شد (هیلن‌برند، ۱۳۸۷: ۷۶). در این دوران از کتیبه‌نگاری برای تزئین به‌وفور استفاده می‌کردند. مضامین آن‌ها آیه‌های قرآنی، احادیث نبوی، اسماء‌الله و نام ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴). همچنین برنامه‌های فرهنگی و علایق حاکمان تیموری نشانگر وجود ارتباط مستقیم بین هنر و عقیده آن زمان بوده است. آن‌ها از مضامین اسلامی در تزئینات بنا حمایت می‌کردند. ظهور سلسله صفویان (۹۰۵-۱۱۴۸ ق) به دنبال غلبه‌یافتن بر طایفه قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در ایران بود. صفویان موفق به یکپارچه کردن ایران تحت یک سیاست و سلسله واحد شدند. این واقعه تاریخی، باعث ایجاد تحول بزرگ سیاسی مذهبی در ایران شد و آن رسمی شدن مذهب شیعه بود (شایسته‌فر، ۱۳۷۹: ۲۶). معماری دوران صفوی، اوج شکوه تاریخی معماری اسلامی محسوب می‌شود و ارزشمندترین بناهای تاریخی در این دوران ساخته شده‌اند. حکومت تیموریان و صفویان به دلیل علاقه فراوان به اهل بیت (علیهم‌السلام) اقدامات زیادی برای مرقد آنان انجام داده‌اند. خدمات آنان خارج از مرز و بوم ایران به عراق نیز رسیده است.

۱-۱. اهداف تحقیق

این پژوهش با هدف شناسایی جایگاه رواق در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) و بررسی محتوای مضامین اسلامی در کتیبه‌نگاری‌های رواق‌های دوران تیموری و صفوی حرم مطهر است. در روند پژوهش ابتدا به بررسی رواق در مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) و خدمات حکومت تیموریان و صفویان در آن‌ها پرداخته شده است. سپس به صورت اختصاصی معرفی رواق‌های دوران تیموری و صفوی مرقد امام رضا (علیه‌السلام) بررسی و در نهایت محتوای مضامین اسلامی کتیبه‌های آن‌ها مطرح شده است.

۱-۲. سؤالات تحقیق

با توجه به اهمیت مبانی اسلامی در تمامی ابعاد زندگی مسلمانان، سؤال تحقیق این است که محتوای مضامین اسلامی در تزیینات کتیبه‌های معماری رواق‌های مرقد امام رضا (علیه‌السلام) چیست؟ این مضامین با چه آموزه‌های اسلامی درآمیخته است؟

۱-۳. روش تحقیق

روش پژوهش به شیوه تحلیلی توصیفی و تاریخی است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از روش استدلال منطقی استفاده شده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسناد تاریخی، کتب و مقالات کتابخانه‌ای بوده است. همچنین برای بررسی و ارزیابی و برداشت کتیبه‌های تاریخی، نگارندگان در مکان مد نظر حضور یافتند. در وهله نخست به بررسی مضامین اسلامی و مبانی اعتقادی در دوران مورد بررسی پرداخته شده و سپس اقدامات حکومت‌های تیموریان و صفویان در مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) مطرح شده است. در ادامه، معماری و تزیینات در آن دوران معرفی و سپس نمونه‌های موردی رواق از مرقد امام رضا (علیه‌السلام) که بازدید و برداشت میدانی نیز شده، تحلیل می‌شود.

۱-۴. پیشینه تحقیق

درباره حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام)، کتاب‌های ارزشمندی به چاپ رسیده است. نعمتی (۱۳۹۱)، در کتاب «هنر در حرم مروری بر هنرهای به کار رفته در حرم رضوی» هنرهای به کار رفته در حرم را به صورت اجمالی بررسی کرده است. همچنین عالم‌زاده (۱۳۹۰) در کتاب «دانشنامه رضوی» بازگاه امام رضا (علیه‌السلام) را از منظر هنری و معماری بررسی کرده است. علاوه بر این عطاردی (۱۳۹۱) در کتاب «تاریخ آستان قدس رضوی» ایوان‌ها، صفه‌ها، محراب‌ها، بست‌ها، درب‌ها و رواق‌های اطراف مضجع شریف را معرفی کرده است. کتاب‌های ارزشمند دیگری مانند کتاب «تاریخ آستان قدس» به نگارش مؤتمن (۱۳۵۵) کتاب «شمس الشموس» به نگارش کاویانیان (۱۳۵۵) و کتاب «مطلع الشمس» به نگارش اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲) به چاپ رسیده‌اند که بناهای معماری حرم مطهر را بررسی کرده‌اند.

تاکنون مطالعاتی در باب فضاهای وابسته به مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در دوران تیموری و صفوی صورت گرفته است. فغفوری و بلخاری (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دوره تیموری و صفوی» کتیبه‌های مسجد گوهرشاد را مطالعه کرده‌اند. حسینی (۱۳۸۸) در مقاله «مقایسه ویژگی‌های هنر کتیبه‌نگاری عصر صفوی در دو مجموعه شاخص شیعی ایران (حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) و بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی)» به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای به مطالعه کتیبه‌های آن پرداخته است. شایسته‌فر (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تزیینات و کتیبه‌های قرآنی دو مجموعه گوهرشاد هرات و مشهد» به بررسی کتیبه‌های دو مسجد مراکز فرهنگی تیموریان از جهت موضوعی و مفهومی پرداخته است. شایسته‌فر (۱۳۸۰) در مقاله «جایگاه قرآن، حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی» به صورت کلی مفاهیم قرآنی در کتیبه‌ها را بررسی کرده است. صحراگرد (۱۳۹۲) در کتاب «شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی؛ کتیبه‌های مسجد گوهرشاد» به دسته‌بندی و تحلیل ساختاری و هنری کتیبه‌های مسجد گوهرشاد، از زمان ساخت تاکنون پرداخته است. درباره رواق‌های حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) پژوهش‌های بسیار اندکی صورت گرفته است. همچنین خلأ پژوهش درباره کتیبه‌های رواق‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) مشهود است. از این رو، پژوهش ما بر کتیبه‌های رواق‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در دوران تیموری و صفوی تمرکز دارد.

۲. مبانی نظری

اعتقادات سلاطین تیموری به مسائل دینی و ترویج احکام بزرگداشت شعائر دینی به تبع تزوئات تیموری بود و بر این اساس هیچ مذهبی از مذاهب مورد قبول مسلمانان، بر مذهبی دیگر برتری نداشت. تیموریان حنفی مذهب بودند، ولی معتقدان به دیگر مذاهب و شیعیان را مجبور به پیروی از این مذهب نمی‌کردند و احترام به ائمه دوازده امامی در این دوره بسیار رایج بود. در هر حال، شاه‌رخ و جانشینانش زیارت امام رضا (علیه‌السلام) را از فرایض خود می‌دانستند و به دیگر ائمه نیز احترام زیادی می‌گذاشتند؛ تا آنجا که تصور اعتقاد سلاطین به تشیع می‌رفت (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۱۳۹۱). در کنار مذهب رسمی این دوره، عناصر اعتقادی شیعه چون حب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اعتقاد به ایشان از جایگاه والایی

در میان آثار و افکار علما و مردم ایران برخوردار بود که نمونه آشکار آن را در آثار جامی و فضل‌الله بن روزبهان می‌توان یافت (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۹۷). حاکمان قرن نهم هجری ایران کمتر درگیر تعصبات مذهبی بودند و این زمینه مناسبی برای ترویج تشیع و شیعه دوازده امامی بود. به همین دلیل از این فرصت برای نشر عقاید و اظهار آزادانه اعتقادات خویش بهره بردند. این دوران باعث همسویی تصوف با تشیع و تشکیل نهضت شیعی صوفی شد. در اواخر این دوران تشیع به سوی نیرومندی و تسنن به ضعف می‌گرایید و زمینه‌های فراگیری مذهب تشیع در کشور به خوبی فراهم و سال ۹۰۷ قمری مذهب شیعه اثناعشری به دست شاه اسماعیل صفوی، به‌عنوان دین رسمی کشور شناخته شد (سیوری و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۶).

در دوران صفوی مذهب دوازده امامی به‌عنوان مذهب رسمی اعلام شد و از آن پس، هر یک از شاهان صفوی در گسترش و تقویت آن، به تلاش‌های فراگیری روی آوردند. کارکرد دینی و مذهبی، مهم‌ترین وظایف دولت صفوی را تشکیل می‌داد. آنان جدا از تکاپوی جدی در حمایت از قوانین شریعت و برقراری مناسبات نزدیک با عالمان دین، ترویج آیین‌ها و شعایر مذهبی را بخش دیگری از وظایف دینی خود قرار دادند (اشراقی و علوی، ۱۳۹۳: ۲۶۱). دوره صفویه را می‌توان دوران طلایی معماری شیعی دانست. از آنجا که حکام و پادشاهان این دوره برای ترویج و تبلیغ بیشتر مذهب تشیع، دستور ساخت بناهای مذهبی بزرگ‌تری را در مملکت صادر کردند و معماران شیعه مذهب، با حکمت خویش، مبانی عرفانی و آسمانی تشیع را دریافت کردند و الهامات و اعتقادات الهی را برای تغییر و قدسی کردن فضای مذهبی به کار بردند (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۷). با توجه به تشکیل حکومت مقتدر و رسمی ساختن مذهب شیعه در دوران صفوی بعد از ۹ قرن تلاش شیعیان، می‌توان این دوران را مهم‌ترین فصل تاریخ اسلامی ایران دانست. آموزه‌های اسلامی شیعه در تمامی حوزه‌های زندگی همچون سیاست، فرهنگ، تبادلات و به‌خصوص هنر و معماری تأثیر فراوان گذاشت. معماری در این دوران برگرفته از آموزه‌های اسلامی همچون وحدت، توحید، ذکر و تذکر، تزکیه نفس و بسیاری از مبانی اعتقادی شیعی است. تزیینات نیز به پیروی از معماری، مفاهیم اسلامی را در قالب نقش بیان کرده است تا عالم مادی را به زمینه‌ای برای درک عالم معنوی تبدیل کند.

۲-۱. مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در دوران تیموری و صفوی

حکومت تیموریان و صفویان توجه ویژه‌ای به مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) داشته و خدمات ارزشمندی در این زمینه انجام داده‌اند که نشانگر علاقه آن‌ها به اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در ادامه، اقدامات آنان در مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) مطرح شده است.

مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در عراق: دوران تیموری در ایران باعث شکوفایی بسیاری در زمینه معماری آرامگاهی و مذهبی شده است، اما اقدامات حکومت تیموری به پهنه سلطنت خود محدود بود و تأثیر چندانی در ساخت و گسترش مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در خارج از ایران و عراق نداشته است. صفویان نه تنها در سرزمین ایران به ساخت، توسعه و بازسازی بناهای مذهبی، آرامگاه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به خصوص حضرت رضا (علیه‌السلام) پرداختند، بلکه در سرزمین عراق نیز فعالیت‌های هنری برای توسعه، تعمیر و تزیین بناهای مرقد امامان شیعه به انجام رساندند (بهرام‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۸۷). در دوران تیموری در شهر مشهد به دلیل وجود مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) اقدامات و آبادانی فراوانی صورت گرفت و شاهزادگان و امرای تیموری در گسترش این شهر کوشیدند (شیخی، ۱۳۹۸: ۹۶).

دولت صفوی از آغاز تأسیس، با رسمی کردن تشیع در ایران، آن را پشتیبانی برای حمایت از خود قرار داد و با روش‌های مختلف توسل و تمسک مذهبی کوشید خود را بیش از پیش مطرح و قلوب شیعیان را به صفویه جلب کند؛ بنابراین، با مهم شمردن زیارت قبور اهل بیت (علیهم‌السلام) در ایران و عراق عرب توسعه و آبادانی این اماکن مقدس شیعی، در رأس برنامه‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی، اجتماعی دولت صفوی قرار گرفت (لانگریک، ۱۳۷۸: ۶۰). در نظر شاهان صفوی و در رأس همه آنان، شاه عباس اول عراق و عتبات عالیات، آرامگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بود که به سان کعبه‌ای دیگر، آمال همه شیعیان جهان و عاملی مهم در گسترش مذهب و فرهنگ تشیع، قلمداد می‌شد و همانند پشتیبانی محکم، برای شاه بزرگ صفوی محسوب می‌شد و این دولت از آغاز تأسیس، به آن توجه خاصی داشت. شاه عباس، فقط هنگام ضعف و ناتوانی‌اش پذیرفت تا آن مناطق را به دشمن کینه‌توز خود واگذار سازد و موقت او را آرام کند، اما سرانجام در آخرین سال‌های حکومت، موفق

به باز پس‌گیری آن شد. زمانی که شاه عباس، مظفرانه قدم به خاک عراق نهاد، مشاهد مشرفه در عراق با توسعه و آبادانی فزاینده‌ای مواجه شد. در این زمان، حرم مقدس حضرت علی (علیه‌السلام) در نجف اشرف در جایگاه اول قرار داشت. در واقع، بنای اصلی نجف، در این دوران گذاشته شد (سعاد ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۳). شیخ بهایی، وظیفه طراحی و نظارت بر بنای این آستانه مطهر را بر عهده یافت. او طرح بسیار جامع و باشکوهی را ایجاد کرد. گنبد بسیار رفیعی برای حرم بنا شد و اطرافش را رواقی به عرض ۱۲ زراع که گرداگرد آن رواق، حجرات ساختند و درهای بسیار نفیس از هنر خاتم‌کاری بر آن‌ها نصب کردند. قبه حرم با کاشی‌های زمردی منقش آراسته شد و داخل آن با بهترین کاشی‌های اصفهان و سنگ‌های مرمر، تزیین شد. در چوبی قدیمی حرم را برداشتند و دری از نقره به جای آن قرار دادند. وضوخانه، کاروان‌سرا، دارالشفاء و مطبخ نیز برای اقامت و آسایش زائران دور و نزدیک ساخته شد (آقاسید، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۱). همچنین به دستور شاه عباس ضریح‌های فولادی با شکوهی ساخته شد که روی هر شش صندوق قدیمی در سامراء، کاظمین، کربلا و نجف قرار گرفت و در همه این اماکن مقدس، در حد توان ساخت و سازهایی انجام داد. شاه دستور به تعمیر کاشی‌کاری حرم امام حسین (علیه‌السلام) را نیز داد و ویرانی و آسیب‌های حرم کاظمین را بر طرف کرد (آل طعمه، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

پس از مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۳۸ قمری نواده‌اش شاه صفی جانشین او شد. او حرم کاظمین (علیه‌السلام) را که بر اثر طغیان رودخانه دجله در سال ۱۰۴۲ قمری خراب شده بود، تعمیر کرد (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۸۰). همچنین در شهر سامرا و عتبه مقدس عسکریین (علیه‌السلام)، دستور به بازسازی و نظارت بر امور حرم را داد (اسکندریک، ۱۳۷۱: ۸۱). شاه صفی، حرم مطهر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را که در جنگ‌های مداوم و آتش توپخانه دشمن ویران شده بود، از نو بنا کرد. به دستور او و میرزا تقی خان مازندرانی، اعتمادالدوله شاه، مأمور رفع مشکل کم‌آبی این شهر شیعه‌نشین شد (همان: ۹۴).

هم‌زمان با ورود شاه اسماعیل به عراق، در سال ۱۵۰۸ قمری اقدامات عمرانی و تلاش برای بازسازی و توسعه عتبات آغاز شد. او «جهت هر یک از آن شش عتبه کعبه مرتبه نقاره و راتبه مقرر ساخت و فرمود که نجاران هنرمند و مهندسان خاتم‌بند از اطراف ممالک

محروسه در بغداد جمع آمده، شش صندوق منقش به نقوش اسلامی و ختایی در غایت تکلف و زیبایی ترتیب دهند و صنادیق قدیم را از آن مرقد عطریاش برداشته صندوق‌های مجدد را به جایش نهند» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۶). در آستانه هر یک از ائمه (علیهم‌السلام)، نقاره‌خانه‌هایی ساختند که در آن‌ها همچون دربار سلاطین، هر روز صبح و عصر به انجام مراسم می‌پرداختند. همچنین برای آبادانی شهر نجف و حتی رساندن آب به حرم مطهر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تلاش بسیار شد (عمادزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۸). شاه اسماعیل دستور داد تا نهر آبی را از رودخانه فرات به نجف حفر کنند و به این جهت، قاضی جهان از معماران و مهندسان بزرگ آن زمان را برای این امر مهم، مأمور ساخت. قاضی جهان موفق شد تا آب را از رودخانه فرات به چهار فرسخی نجف برساند (علی عبدی بیک شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۱۱-۲۱۳).

«آستانه کاظمین (علیه‌السلام) که بر اثر طغیان رودخانه دجله و غفلت‌های زمان گذشته و قرار داشتن در کانون منازعات فرقه‌ای ویران شده بود، مورد توجه خاص شاه اسماعیل قرار گرفت و از بنیاد خراب گردید و عمارت از پیش طراحی شده و زیبایی از نو بر آن ساخته شد» (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۱۰۸-۱۰۹). این بازسازی جدید، تمامی حرم را در بر می‌گرفت. همچنین صحن توسعه یافت و با مرمر، سنگ فرش شد. صندوق‌های چوبی قدیمی را برداشته و جای آن، صندوق‌های خاتم‌کاری زیبا قرار گرفت. حرم با بنای دو گلدسته و بهترین کاشی‌ها تزیین شد. کاروان‌سرای درون صحن با انتقال به بیرون، در پشت آن ساخته شد. حرم را با فرش‌ها و چلچراغ‌ها زیبا نمودند و برای آن خادم و مؤذن و نگهبان تعیین گردید. بر کتیبه‌ای در قسمت بیرونی دیوار رواق شرقی، روبه‌روی صحن مطهر چنین نوشته شد: «امر کرد به ایجاد این بنای شریف» (کاظمی دلیگانی، ۱۳۸۶).

به دستور شاه طهماسب صفوی، «مناره العبد» یا «مناره مرجان» که بلندترین و باشکوه‌ترین مناره در تمام اعتاب مقدس عراق به شمار می‌آمد، تعمیر و تزیین شد (کلیددار، ۱۳۷۷: ۱۷۸). همچنین شاه طهماسب در جهت بهبود شرایط اقتصادی شیعیان کربلا و آسایش حال زائران، دستور حفر نهری را از رودخانه فرات به سوی شهر کربلا داد که به «طهماسبیه» معروف شد (۱۰). اقدامات عمرانی او آستانه حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) را نیز شامل

می‌شد که آن با زیباترین و نفیس‌ترین کاشی‌ها و فرش‌های ایرانی تزیین شد (کلیددار، ۱۳۶۷: ۳۴).

در اواخر عصر صفوی واقعه آتش‌سوزی در عتبه مطهر عسکریین (علیهم‌السلام) در سال ۱۱۰۶ هجری قمری رخ داد که باعث ویرانی این مکان مقدس شد. هنگامی که سلطان حسین (۱۰۷۷-۱۱۳۵ ق) آخرین پادشاه صفوی، از این خبر آگاه شد، تعدادی از علما را برای نوحه‌خوانی به سامرا فرستاد و برای بازسازی و تعمیر این آستانه از دولت عثمانی اجازه گرفت. حرم و رواق را دوباره سنگ‌فرش کرد و ضریح و چهار صندوق برای حرم ساختند که دو صندوق، برای قبور دو امام دهم و یازدهم شیعیان، یعنی امام علی النقی (علیه‌السلام) و امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و دو تالای دیگر برای قبر نرجس خاتون، مادر امام زمان (علیه‌السلام) و حکیمه خاتون، دختر امام جواد (علیه‌السلام) بود و ضریحی از فولاد، روی صندوق‌ها قرار گرفت و این عتبه مطهره تا حد امکان بازسازی شد (دایره‌المعارف تشیع، ۱۳۶۹: ۹۳). نخستین شاهان عصر صفوی و به تبع آن، دیگر شاهان این عصر کوشش فراوانی در راه بازسازی و توسعه عتبات کرده‌اند. این موضوع بیانگر علاقه و ارادت خاص آن‌ها به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دارد.

مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در ایران: حکومت صفویان در ساخت، بازسازی و گسترش حرم رضوی نیز تلاش‌های ارزشمندی کرده و بناهای گران‌قدری را در حرم رضوی بر جای گذاشته‌اند. از این‌رو، خدمات و اقدامات حکومت صفویان و ارادت آن‌ها به اهل بیت (علیهم‌السلام) به خصوص حرم مطهر رضوی را که آن را پایتخت مذهبی اعلام کرده بودند، نمی‌توان نادیده گرفت.

از زمان حکومت شاه‌رخ به بعد با توجه خاصی که تیموریان به مشهد مبذول داشتند، به رشد و ترقی بسیاری رسید و مبدل به یک قطب زیارتی در خراسان گشت (شامی، ۱۹۵۶: ۸۷-۸۶). مشهد در این دوران به لحاظ معماری به اوج خود رسید (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۲۲۰). در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) اقدامات مختلفی همچون دستور ساخت رواق دارالحفاظ، دارالسیاده و دارالسلام را دادند که هر سه نیز به دستور گوهرشاد، همسر شاه‌رخ میرزا ساخته شده بود (قصابیان، ۱۳۸۴: ۳۲). یکی دیگر از اقدامات مهم حکومت تیموریان ساخت مسجد

گوهرشاد بوده است (مقری، ۱۳۵۹: ۸) که طبق متن کتیبه مسجد، گوهرشاد هزینه ساخت مسجد را از اموال خود تقبل کرده است (مشکوتی، ۱۳۴۳: ۳۵۰). در این میان، بایسنقر بن شاهرخ نیز یک جلد قرآن به خط خود به حرم تقدیم کرده است (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۲).

دیگر اقدامات حکومت تیموریان ساخت مدرسه دو در و پریزاد (خزایی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۹) و همچنین مدرسه بالاسر بود که محل دقیق آن میان صحن عتیق و بازار بزرگ یا رنجبر و مدرسه پریزاد بوده است (سیدی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). همچنین صحن عتیق در اواخر دوران تیموری ساخته شده و گسترش آن نیز در دوران صفوی ادامه داشته است (افشار آراء، ۱۳۸۲: ۳۱۶). این صحن پشت سر حضرت واقع شده و نصف آن که در سمت گنبد طلای نادری است از بناهای امیرعلی شیر، وزیر شاه سلطان حسین بایقرا و نصف دیگر از بناهای شاه عباس است (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۲: ۱۲۹). هنگامی شاه عباس صفوی برای زیارت حرم مطهر مشرف می‌شود، با کوچک یافتن فضای صحن اقدام به گسترش آن کرده و به قرینه نیمه جنوبی (بنای امیرعلی شیر)، نیمه شمالی و دو ایوان شرقی و غربی را احداث می‌کند (اسکندریگ، ۱۳۱۷: ۵۸۴).

پس از تیموریان، با تشکیل حکومت صفویان و گسترش مذهب شیعه، مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) در ایران نیز مورد توجه بسیار زیاد حاکمان وقت قرار گرفت. در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) نیز بناهای بسیاری در این دوران ساخته شده است که از نظر معماری جزو ارزشمندترین بناهای حرم رضوی است.

نخستین ضریح منور با جواهرات تزیین شده توسط شاه اسماعیل اول و پس از آن ضریح طلا توسط شاه طهماسب تهیه شد (نوابی، ۱۳۴۷: ۷۳). همچنین نخستین بار گنبد توسط شاه طهماسب اول طلاکاری شد (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۴۷). از دیگر اقدامات شاهان صفوی، ساخت رواق‌های توحیدخانه، الله‌وردی خان و حاتم‌خانی است. رواق توحیدخانه از رواق‌های شمالی مضجع شریف حضرت رضا (علیه‌السلام) است. این رواق از آثار مرحوم ملا محسن فیض است که برخی عقیده دارند وی در آنجا تدریس می‌کرده است (عطاردی، ۱۳۷۱).

ج ۱: ۲۰۱). همچنین شاه طهماسب صفوی، در سال ایوان امیرعلی شیر (ایوان جنوبی صحن عتیق) و گل دسته کنار گنبد را طلاکاری کرد (ظریفیان، ۱۳۸۷: ۱۰). علاوه بر این، در پی تخریبی که بعد از زلزله سال ۱۳۸۴ قمری در حرم اتفاق افتاد، شاه سلیمان اقدام به مرمت مدارس عهد تیموریان و ترمیم سقف رواق دارالسیاده و ترمیم تذهیب مجدد گنبد کرد (عالم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹). حکومت صفویان دو مدرسه میرزا جعفر و خیرات خان را نیز در این دوران ساختند (پسندیده و واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۳۹-۱۵۰).

۲-۲. معماری و تزیینات دوران تیموری و صفوی

معماری و تزیینات در ادوار مختلف تغییر می‌کرده و یکی از ابعاد معماری چشمگیر و دیگر ابعاد آن دستخوش افول قرار می‌گرفته است. دوران تیموری، نوآوری‌هایی در معماری و تزیینات داشته و به تزیینات توجه ویژه شده است. برخی از ویژگی‌های تزیینات از دوران قبل یعنی ایلخانیان گرفته شده و در برخی موارد نوآوری‌هایی داشته است. تلاش‌های تیموریان به دوران صفوی انتقال یافته و این دوران شاهد اوج و شکوه معماری و تزیینات هستیم. در ادامه ویژگی‌های معماری و تزیینات هر دو دوره بررسی شده است.

دوران تیموری: در دوران تیموری، معماری با عنوان سبک آذری از نظر عظمت و شکوه و غنای تزیینات به اوج خود رسیده بود. به‌ویژه با سلطنت شاه‌رخ، دستاوردهای فرهنگی و هنری در این دوره آغاز شد و بهره‌گیری از شاهزادگان تیموری در حکومت ایالات مختلف، الگوی جدیدی از بالندگی و تحول هنری را پدید آورد (اسکیرس و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۷). دوره تیموری عصر شکوفایی انواع هنرها در حوزه معماری و هنر است که طی آن از یک سو پیشرفت‌ها و ابداعات دوره‌های قبل تکامل یافت و از سوی دیگر زمینه‌ای مطلوب برای پیشرفت هنر و معماری عصر صفویان مهیا شد. مهم‌ترین مساعدت تیموریان در عالم هنر متعلق به تزیینات معماری و مصورسازی نگاره‌هایی بود که تا پیش از آن هرگز به اهمیت و برجستگی این چینی دست نیافته بودند (شراتو و گروه، ۱۳۹۱: ۴۲). از این رو، معماری دوران تیموری از منظر هنر، کاربرد رنگ، فن و تنوع حیرت‌آور در اوج خود بوده است (پل‌مانزو، ۱۳۸۰: ۲۶). یکی از برجسته‌ترین هنرهای این دوران، تزیینات واسپته به

بناهاست. تزیینات در این دوران در بناهای مختلف حضور دارد و جزء جدایی‌ناپذیر معماری شده است.

در معماری دوران تیموری، تزیینات نقش مهمی در افزایش کیفیت بنا ایفا می‌کرده است (ویلبر و گلمبرک، ۱۳۷۴: ۲۸۶). در این دوران، شناخت مناسب هنرمندان در استفاده مناسب از تزیینات راهی را گشود تا هنرمندان عصر صفوی به‌طور تحسین‌برانگیزی از این هنر بهره ببرند و آن را به اوج کمال خود برسانند. از این‌رو، مهم‌ترین تأثیر معماری تیموریان در تزیینات ساختمان‌ها بود (گراپر، ۱۳۷۶: ۴۱). در عصر تیموری به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی هنر و معماری، معماران توانسته‌اند در زمینه‌ها مختلف به‌ویژه هنر کتیبه‌نگاری با استفاده بی‌نظیر از انواع خطوط به چنان درجه‌ای از تکوین و تکامل برسند که الگویی برای کل مکاتب آینده باشند (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ بنابراین در تزیینات این دوران، کتیبه‌ها جایگاه مهمی داشته و کتیبه ثلاث کوفی بنایی، نقش غالب اکثر بناهای آن دوران بوده است (خزایی، ۱۳۸۱: ۴)، به‌طوری‌که استفاده از کتیبه‌ها رایج‌تر از بقیه گونه‌های تزیینی شده بود (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

دوران صفوی: اغلب مورخان، عصر صفوی را دوره شکوفایی و اقتدار ملی نامیده‌اند (فضیلت، ۱۳۹۱: ۱۳۲). شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران در قالب یک دولت شیعه اثناعشری را باید یکی از مهم‌ترین فصول تاریخی در ایران و اسلام به‌شمار آورد (مزاوی، ۱۳۶۸: ۲۸). دولت صفوی، در چهارچوب اعتقادی تشیع، به هویت ملی در قالبی متفاوت از آنچه در امپراتوری اسلامی در جریان بود، شکل بخشید و متمرکزترین دولت ایرانی در دوره اسلامی را بعد از دولت قاهر ساسانی بنیان نهاد. امنیت و رونق به وجود آمده در این دوره و بستر مناسبی که شکوفایی حیات عقلی شیعی را فراهم ساخت، موجب باروری و رشد هنر اسلامی ایرانی در همه زمینه‌ها شد (نصر، ۱۳۷۵: ۴۵).

با گسترش تفکر شیعه در ایران، شخصیت‌های برجسته‌ای مانند میرداماد و ملاصدرا تربیت یافتند و زمینه برای ترکیب و تلفیق مکاتب مختلف اسلامی در زمینه‌های هنر و معماری ایجاد شد (نصر، ۱۳۸۹: ۲۱). این زمینه باعث پیدایش جریان فکری اصیلی به

نام مکتب اصفهان نیز شد. به دلیل توجه حکومت صفویان و شکل‌گیری مکتب اصفهان، معماری این دوران به اوج خود در تمامی ادوار گذشته رسید (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۳). حکومت و اقتدار شاهان صفوی، فرصتی را به وجود آورد تا معماری در قالب ایده‌های نوین شکل بگیرد. همچنین شاه عباس می‌خواست شهر خود را بر اساس تصویر بهشت بنا کند (استیرلن، ۱۳۷۷: ۴۱). معماری عصر صفوی، گرچه بدعتی را نشان نمی‌دهد، ولی عصر اعتلا و آخرین نمایش معماری اسلامی ایران است (اپهام پوپ، ۱۳۷۳: ۲۰۶). در عصر صفوی، امکان بروز اندیشه‌های معنایی شیعی در مکتب اصفهان فراهم شد و معماران این مکتب در ساخت بناهای مذهبی در پی خلق جهان آرمانی بودند تا بتوانند زیبایی‌های آن جهان را در این بناها تصویر کنند (استیرلن، ۱۳۷۷: ۷۷).

معماری عصر صفوی بیشتر از عمق و جان بنا در معماری، به تزیینات اصول زیبایی‌نگاری آن پرداختند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۵۲). از مهم‌ترین ویژگی‌های عمده تزیینات در دوره صفوی، می‌توان به تبعیت از قاعده‌های تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی اشاره کرد که حرکت با زمان و مکان را در وحدتی ادغام می‌کند که تا لایتناهی در فضا بسط می‌یابد (فیاضی و جباری، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در معماری صفویه برخلاف دوره اول معماری اسلامی، معماران به جای نوآوری مستقیم ترجیح می‌دادند تا بخش‌های سازنده بنا را تذهیب و آراسته کنند (شایسته‌فر، ۱۳۸۰: ۵). از دیگر ویژگی‌های تزیین اسلامی که درباره معماری صفوی نیز صادق است، ضرورت تغییر شکل یک موتیف به شکل‌های کوچک‌تر، تکرار یا تقسیماتی از آن به انگیزه نشان دادن عمق و حرکت در یک دنیای دوبعدی است (اپهام پوپ، ۱۳۷۳: ۱۱۵). تزیینات در معماری دوره صفوی شامل کاربندی، یزدی‌بندی، گچ‌بری، کاشی‌کاری، ماریج تزیینی حجاری و مقرنس‌کاری است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳). دوران صفوی از درخشان‌ترین دوره‌های ترقی و تکامل خطوط مختلف ایرانی به‌ویژه ثلث، نستعلیق و نسخ بوده است (حقیقت، ۱۳۶۹، ج ۱: ۵۲۱). در این دوران ارتباط خوشنویسی و تزیینات معماری بسیار عمیق بوده است و از آنجا که در این دوران به کتیبه‌نگاری اهمیت بسیار زیادی داده می‌شده، نمود خوشنویسی در کتیبه‌ها بارز است (اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۹).

۲-۱. کتیبه‌نگاری به‌منزله برترین تزیینات دوران تیموری و صفوی

کتیبه در لغت به معنای «سپاه و لشکر» یا «رمه اسبان» است. کتیبه به‌عنوان عنصر تزیینی در معماری عبارت است از خطوط درشت و جلی که از روی کاغذ و از دست کاتب به صفحات کاشی منتقل و بر سردرها، دیوارها و محراب‌ها و مکان‌های مقدس و بناهای دیگر قرار می‌گیرد (فضائلی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). با گسترش اسلام در ایران، هنر کتیبه‌نگاری بیشتر در تزیینات معماری و بناهای مذهبی استفاده می‌شده است و عموماً از آجر، کاشی، سنگ، چوب و گچ ساخته می‌شده‌اند (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). شکل‌گیری کتیبه‌ها در بناهای اسلامی، به‌گونه‌ای است که در صورت خوانده‌نشدن نیز چشم را در جهت‌های نوشتاری خود به حرکت در آورده و شکوه و عظمت فضای معماری را در ذهن انسان متصور می‌سازد.

کتیبه‌ها از حیث مضمون به دو دسته احداثیه (دربردارنده نام بنا، تاریخ ساخت، نام واقف، معرفی حاکمان و شرح رویدادهای تاریخی) و مذهبی (دربردارنده آیات قرآن، احادیث، اسماء جلاله، توصیف نام‌های خداوند، روایات مطرح از سوی امامان و مضامین معنوی) تقسیم‌بندی می‌شود (صحراگرد، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۱). در این میان کتیبه‌های قرآنی در زمره کتیبه‌های مذهبی جزو پرکاربردترین کتیبه‌هاست که متناسب با مکان نصب می‌شود (همان، ۱۳۹۴: ۲۸).

برخی صاحب‌نظران معتقدند، استفاده از خطوط در تزیین و ساخت معماری قدسی بیانی از وحدانیت ذات الهی و توصیفی از مشاهبت‌های کیهانی در عالم اسلام است (بورکهارت، ۱۳۸۶: ۷۳). کتیبه‌ها نقش حقیقی خود را در ابلاغ و دعوت وسیع به اسلام ایفا می‌کنند (استیرلن، ۱۳۷۷). کتیبه‌ها اندیشه‌ها، مبانی مذهبی و اعتقادی را به آیندگان انتقال می‌دهند و یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی در شناخت فرهنگ و اقوام پیشین علاوه بر نسخ خطی، کتیبه‌ها هستند و همچون منابع تاریخی قابلیت شناسایی و ارجاع دارند (اتینگهاوزن و یارشاطر، ۱۳۷۹: ۲۰۶)؛ بنابراین اهمیت کتیبه‌ها در نمایش حقایق معنوی و مباحث عرفانی است. کتیبه‌ها با مضامین دینی خود به محیط انسان اعتدال

و فضایی الهی می‌بخشند (شوان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۳). همچنین به دلیل اهمیت کتیبه‌ها، عموماً هنرمندان مشهور هر عصر آن‌ها را کتابت می‌کردند (داننده، ۱۳۹۶: ۳۶).

کتیبه‌ها در این دوران معمولاً از آجر، کاشی، سنگ، گچ و چوب ساخته شده‌اند. متن عبارات کتیبه‌ها، اسماء مبارک حق تعالی، آیات و سوره‌های قرآن، نام‌های مبارک حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، دعاها، مناجات، شعارهای مذهبی، نام سفارش‌دهنده اثر، نام حاکم یا سلطان وقت، نام سازنده اثر، نام کاتب و خطاط، تاریخ ساخت اثر، اشعار فارسی و عربی، گفته‌های بزرگان و حکما، فرامین پادشاهان و عهدنامه‌ها و پند و اندرز را شامل می‌شود (فراست، ۱۳۸۵: ۲۹). کتیبه‌ها علاوه بر تزیینات، انعکاس‌دهنده شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی زمان خود و نمایانگر خلاقیت‌های هنرمندان مسلمان و ظهور خلوص معنوی نیز هستند (شایسته‌فر، ۱۳۸۰: ۶۱). به نظر می‌رسد که آیات قرآنی، به عنوان بیشترین تزیینات بنا در سطوح خارجی و داخلی ساختمان‌ها کاربرد داشته است. کتیبه‌های قرآنی، اغلب در برگیرنده جملاتی در اظهار ایمان و اعتقادات مسلمانان است (فراست، ۱۳۸۵: ۳۰).

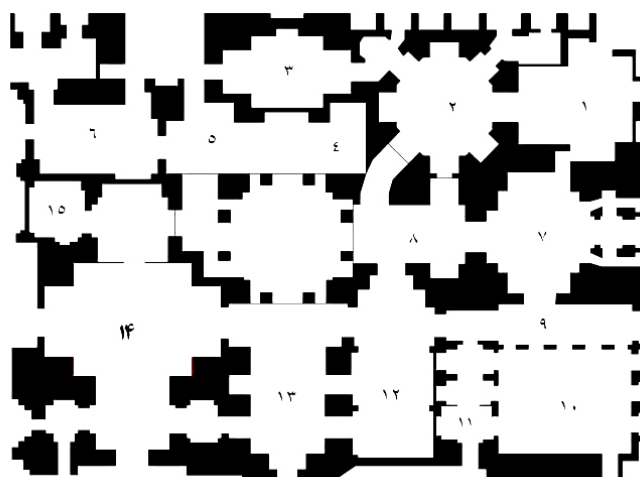
۲-۳. جایگاه رواق در معماری مرقد امام رضا (علیه‌السلام)

رواق از نظر لغوی به معنی پیشگاه خدا، پیشاخانه؛ ایوانی که در مرتبه دوم ساخته شود و سایبان ذکر شده است (معین، ۱۳۸۹: ۱۶۸). رواق به فضاهای سرپوشیده ستون‌دار یا متشکل از چشمه طاق‌هایی گفته می‌شود که در طرفین صحن یا میان‌سرای مساجد یا اماکن مذهبی ساخته می‌شود. دهانه این گونه فضاها رو به صحن است و در ورودی مسجد را به شبستان یا گنبدخانه متصل می‌سازد (کیانی، ۱۳۷۷: ۱۹). رواق‌ها در اطراف صحن هستند که برای عبادت مردمان در نظر گرفته شده‌اند؛ مواد ساخت آن‌ها در بسیاری از موارد یکسان است؛ همه آن‌ها از سنگ مرمر پوشیده شده‌اند. ازاره آن‌ها تا ارتفاع ۱/۵ متر سنگ و به‌طور متداول از ازاره به بالا آئینه‌کاری شده‌اند (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۱۳۰). تزیینات داخلی رواق‌ها از هنرهای وابسته به معماری بوده، لیکن دوره ساخت آن تا حدودی به نوع سبک و مضمون آرایه‌های تزیینی مرتبط است (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۷۱).

مرقد امام حسین (علیه‌السلام) چهار رواق دارد که در چهارسوی ضریح و روضه منوره ایشان قرار دارد. هر یک از این رواق‌ها حدود ۴۰ متر طول و حدود پنج متر عرض دارد و ارتفاع دیواره‌های آن نیز به ۱۲ متر می‌رسد. رواق شمالی، معروف به رواق پادشاهان است که شاه‌صفی آن را ساخته است و چون پادشاهان قاجار در آن دفن هستند، آن را رواق پادشاهان نامیده‌اند. رواق شرقی معروف به رواق فقیهان است. به دلیل دفن باقر وحید بهبهانی، از فقهای اصولی در این رواق، به نام رواق «آقاباقر» نیز معروف شد. رواق جنوبی معروف به رواق حبیب بن مظاهر است که به دلیل وجود مرقد حبیب بن مظاهر، یار با وفای امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا، به این نام مشهور شده است. رواق غربی معروف به رواق ابراهیم مُجاب بوده است و به سبب دفن یکی از فرزندان امام کاظم (علیه‌السلام)، یعنی سید ابراهیم مُجاب، به این نام مشهور شد.

مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) رواق‌های متعددی دارد که دورتادور مرقد را دربرگرفته‌اند و مکانی معنوی برای حضور زائران است. رواق دارالحفاظ از قدیمی‌ترین رواق‌های حرم مطهر، مربوط به اواخر دوران تیموری و به دستور گوهرشاد بنا شده است. این رواق از قدیم محل تجمع حافظان قرآن و انجام مراسم خاص و تلاوت کلام‌الله و خطبه مخصوص حفاظ آستان قدس رضوی بوده و از این‌رو، به «دارالحفاظ» شهرت یافته است. رواق دارالسیاده از دیگر رواق‌های دوران تیموری است که بانی آن نیز گوهرشاد است. نام‌گذاری این رواق از آن جهت است که از قدیم محل تجمع و تدریس علما و سادات و منسوبان خاندان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است. دیگر رواق دوران تیموری، رواق دارالسلام است و به دستور گوهرشاد آغا بنا گشته است. پس از دوران تیموری، حکومت صفویان نیز رواق‌های متعددی را در اطراف ضریح امام بنا کرده‌اند. رواق گنبد حاتم‌خانی به دستور حاتم‌بیگ اردوبادی، از وزرای عصر صفویه بنا شده است. رواق الله‌وردی خان نیز در عصر صفوی بنا شده است. این رواق جزو زیباترین رواق‌های حرم مطهر است که پلان آن هشت ضلعی بوده و گنبد مرتفعی از جنس مس آن را پوشانده است. از دیگر رواق‌های دوران صفوی می‌توان به توحیدخانه اشاره کرد که در این رواق مفسر نامدار شیعه، ملا محسن فیض کاشانی، آیات توحیدی قرآن کریم را تدریس و تفسیر می‌کرده است. هم‌چنین رواق دارالفیض نیز در این

دوران بنا شده است. پس از رواق الله‌وردی خان، رواق دارالضیافه ساخته شده است. رواق دارالسعادة از بناهای عصر قاجار و بنای آن الله‌یار خان آصف‌الدوله است. پس از دوران قاجار، رواق دارالسرور، دارالشکر، دارالشرف، دارالعزه، دارالذکر، دارالزهد، دارالعباده، رواق شیخ بهایی، دارالولایه، دارالهدایه، دارالرحمه، دارالاخلاص بنا شده‌اند. در دهه‌ها اخیر نیز رواق حضرت معصومه (علیها‌السلام)، رواق دارالحکمه، دارالکرامه، دارالحجه، رواق امام خمینی (رحمته‌الله)، شیخ طوسی، شیخ حر عاملی، دارالمرحمه، کوثر، غدیر، حضرت فاطمه زهرا و رواق دار النور ساخته شده‌اند.



۱. دارالضیافه
۲. الله وردی خان
۳. توحیدخانه
۴. دارالقیض
۵. دارالشکر
۶. دارالشرف
۷. دارالسعادة
۸. حاتم خانی
۹. دارالسرور
۱۰. دارالذکر
۱۱. دارالعزه
۱۲. دارالسلام
۱۳. دارالحفاظ
۱۴. دارالسیاده
۱۵. دارالاخلاص

تصویر ۱- رواق‌های اطراف مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) (منبع: نگارندگان)

۲-۳-۱. کتیبه‌های رواق‌های دوران تیموری و صفوی مرقد امام رضا (علیه‌السلام)

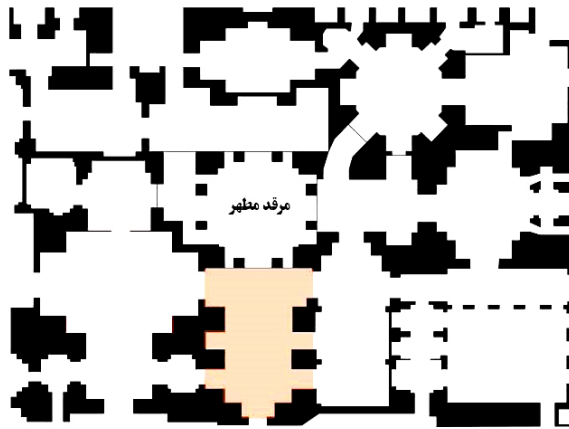
آموزه‌های اسلامی و مبانی اعتقادی مسلمین همواره در بناهای اسلامی، تأثیر بسیار زیادی داشته است. این موضوع در بناهای مذهبی تأثیر بیشتری داشته است، به‌طوری‌که علاوه بر معماری بنا در تزیینات و حتی در معنای آن نیز مؤثر بوده است. معماری مسلمان بنا همواره با اعتقادات راسخ خود، بناهایی را شکل داده است که با حضور در آن معنویت و خلوص فضا را نیز می‌توان درک کرد. در این بین، تزیینات به‌عنوان یکی از اجزای اصلی و جدایی‌ناپذیر معماری بناهای مذهبی، بهترین نمود آموزه‌های اسلامی است. مرقد

اهل بیت (علیهم‌السلام) منبعی ارزشمند و میراثی گران‌بها برای معاصران است که با کاوش در این زمینه می‌توان مبانی شکل‌گیری آن را که ریشه در آموزه‌های اسلامی داشته است، به منصه‌ظهور رساند.

مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام)، گنجینه‌ای ارزشمند برای ایرانیان در طول تاریخ بوده که در ادوار مختلف ساخته، بازسازی و گسترش داده شده است. در همجواری مرقد منور، رواق‌های فراوانی وجود دارد که هر یک مأمنی برای زائران محسوب می‌شود. در میان رواق‌های دوران تیموری، دارالحفاظ و دارالسلام به‌عنوان کهن‌ترین رواق‌های مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) برای نمونه پژوهشی انتخاب شده است. همچنین در میان رواق‌های دوران صفوی، رواق دارالفیض یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین رواق‌های مرقد انتخاب شده است. در ادامه، معماری رواق‌های نام‌برده و سپس تزینات کتیبه‌های آن بررسی و آموزه‌های اسلامی مؤثر در شکل‌گیری کتیبه‌ها تحلیل شده است.

الف. رواق دارالحفاظ

دارالحفاظ اولین رواق از دوره تیموری است. بنای دارالحفاظ به دستور گوهرشاد آغا همسر میرزا شاهرخ پسر امیر تیمور گورکانی ساخته شده و تاریخ بنای آن اوایل قرن نهم هجری است (سعادت، ۱۳۵۵: ۲۵). این رواق از طرف شرق با حرم مطهر، از طرف شمال با دارالسیاده، از غرب با مسجد گوهرشاد و از طرف جنوب شرقی با رواق دارالسلام ارتباط دارد (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۶۵). رواق دارالحفاظ دو بخش در هم تنیده دارد؛ بخش نخست متشکل از هندسه چلیپایی است و بخش دوم متشکل از یک فضای گنبدخانه‌ای به همراه فضای ایوانی شکل مقابل آن است (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶). رواق دارالحفاظ هفت صفه دارد که سه صفه آن به طرف دارالسلام، سه صفه دیگر به طرف دارالسیاده و یک صفه آن به طرف گوهرشاد است. این رواق از قدیم، محل تجمع حافظان قرآن و انجام مراسم خاص تلاوت کلام الله مجید بوده است (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۶۵). طول رواق ۱۸ متر و عرض آن ۸/۶۵ و ارتفاع آن تا زیر سقف ۱۲/۸ متر و با محاسبه فضاهای جانبی، مساحت آن به ۲۱۷ مترمربع می‌رسد (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۱۶۰).



تصویر ۲- مکان رواق دارالحفاظ در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) (منبع: نگارندگان)

کتیبه‌های قرآنی: این رواق بزرگ‌ترین رواق دوران تیموری است. رواق دارالحفاظ دارای کتیبه‌های قرآنی، حدیثی، دعایی، اسماء الحسنی و اشعار فارسی است و تمامی این کتیبه‌ها مضامین ارزشمندی دارد. در جدول ۱ کتیبه‌های قرآنی تحلیل شده است.

آیه/سوره	متن آیه	مضمون
آیه ۵۳، احزاب	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظَرٍ إِنَّهُ وَإِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ غَظِيمًا	زیارت مرقد اهل بیت / اذن دخول برای وارد شدن به مرقد
آیه ۲۳، شوری	قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ	بدون اجر بودن رسالت پیامبران / مودت و محبت در حق خویشاوندان او / اجر برای دوستدار آل محمد
آیه ۵۹، نساء	قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىٰ مَنَقَلٍ يَنْقَلِبُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَتِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا	اطلاعت کردن از خداوند و اولی امر / پیروی کردن از حکم خداوند / ایمان به خداوند و روز قیامت

آیه ۹۵، نساء	قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا	اجر و پاداش عظیم برای ماجدت در راه خداوند
آیه ۸، آل عمران	رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ	درخواست از خداوند برای هدایت به حق / طلب اعطای رحمت از باری تعالی
آیه ۳، طلاق	وَيَزُوقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ	کافی بودن توکل بر خداوند برای مسلمین برای روزی
آیات ۳۰ و ۳۱، نمل	إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَى وَاتُونِي مُسْلِمِينَ	برتری خداوند و تسلیم بودن در مقابل او
آیه ۵۶، مائده	وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ	فاتح و غالب بودن لشکر خداوند / فرمان بردن از خداوند و اولیای امر
آیه ۵۵، مائده	إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ	خداوند و رسول تنها یاور و ولی / اهمیت به پا داشتن نماز و زکات
آیه ۸۸، قصص	لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ	تأکید بر یکتایی خداوند / رجوع انسان به خداوند
آیه ۷۳، زمر	وَسَبِّحْ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ	پاداش بهشت به متقیان
آیه ۳۶، نور	فِي بَيْوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُسَبِّحَ فِيهَا بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلَى الْعَظِيمِ	ذکر و تسبیح و تنزیه ذات پاک خداوند در ساجد و منازل انبیا و اولیا
آیه ۱۱۸، مؤمن	وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ	خداوند بخشنده‌ترین بخشنندگان عالم وجودی

جدول ۱ - کتیبه‌های قرآنی رواق دارالحفاظ (منبع: نگارندگان)

کتیبه‌های حدیثی: در بالای در ورودی قسمت شمالی رواق دارالحفاظ، کتیبه‌ای با مضمون مدح و منقبت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، این چنین نوشته شده است: «رحمه الله وبرکاته

علیکم اهل البیت». دیگر کتیبه حدیثی رواق، حدیث شریف «سلسله الذهب» منسوب به امام رضا (علیه‌السلام) با متن «اللّٰهُ جَلَّ جَلَّالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» نقش بسته که مضمون آن اشاره به «توحید، دژ محکم من است، هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده و از عذاب من در امان است» دارد.

یک کتیبه حدیث دعایی نیز بر بالای ازاره سنگی در ورودی دارالحفاظ با دارالسلام نقش بسته که متن ارزشمند آن این‌گونه نگاشته شده است: «یا مجیب الدعوات یا غافر الخطیئات یا عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم». مضمون این کتیبه بیان کننده «ای اجابت کننده دعاها، ای نادیده گیرنده خطاها و ای عالم الغیب» است. این کتیبه که قسمتی از دعای جوشن کبیر است، به خط ثلث توسط «مرحوم حاج میرزا احمد زنجانی» از خطاطان معاصر نگاشته شده است.

کتیبه اسماء الحسنی: قسمت شمالی دارالحفاظ در حاشیه ورودی به حرم مطهر روی کاشی‌های چینی‌نمای سنجری با خط نسخ جلی نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحیم هذه الروضة المكرمه المطهر لمولانا الامام المعصومين الشهيد المظلوم الرضا على بن الكاظم موسى بن الصادق جعفر بن الباقر محمد بن زين العابدين على بن الشهيد بكر بلاء حسين اخ الحسن بن علي بن ابي طالب و امام المتقين و وصی رسول رب العالمين محمد بن عبد الله ابن عبد المطلب صوات الله عليه و على آله الطيبين الطاهرين و اصحابه المنتخبين و رحمه اله و برکاته.»

کتیبه اشعار فارسی: ۴۲ بیت از اشعار فارسی در مدح امام رضا (علیه‌السلام) در رواق دارالحفاظ نگاشته شده که این اشعار به خط نستعلیق است. مضامین کلی اشعار به این صورت است که شاعر بوی معطر مرقد امام رضا (علیه‌السلام) را جاودانه و منشأ آن را از کوثر بهشتی می‌داند. ذات و سرشت آن را از خورشید می‌داند که روشنایی بخش است. بوی معطر حرم امام رضا را مشک و عنبری می‌داند که نشانه‌ای از بهشت دارد و خورشید جز ذات امام رضا (علیه‌السلام) است و نسیمی را که از حرم مطهر می‌وزد، نشانه‌ای از بهشت روح‌پروری می‌داند.

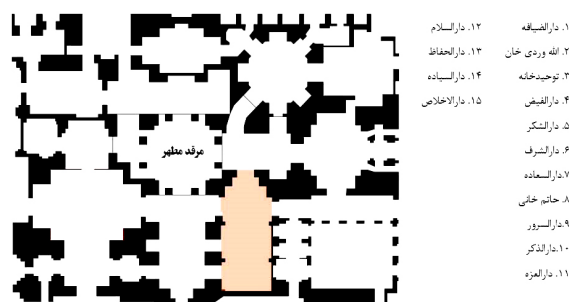
عالم از وجود امام رضا (علیه‌السلام) روشن است، این روشنایی از دیده حضرت زهرا (علیها‌السلام) و علی (علیه‌السلام) است و امام رضا (علیه‌السلام) مثل خورشیدی است که شرف تمام آدمیان خاک‌نشین است.

آیت ز کوثر و گلت از مشک و عنبر است	این روزه که دهر ز بویت معطر است
بوی تو چون نسیم جنان روح‌پرور است	در طینت تو چشمه خورشید مضمّر است
تا در تو نور دیده زهرا و حیدر است	خاکی و نه ملک به وجودت منور است
بهر شرف ز خاک نشینان این در است	خورشید گویگانه رو هفت کشور است

کتیبه تاریخی: رواق دارالحفاظ آیینه‌کاری شده و مدفن بسیاری از افراد صاحب‌نام در تاریخ معاصر ایران است. از گروه کتیبه‌های تاریخی، کتیبه‌ای که اشاره به نام شخصی و احتمالاً معاصر یا هنرمند کاشی کار است، در رواق دارالحفاظ دیده می‌شود: «اصغف عبدالله محمدبن ابی طاهر بن ابی طاهرین الحسن بعد، عمله و صنه فی تاریخ عزه جمادی الاولی سنه اثنی عشر و سمانه غفر الله له و لوالدیه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات به حمد و عترته الطاهرین»

ب. رواق دارالسلام

رواق دارالسلام در قسمت جنوبی حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) قرار دارد. از غرب به رواق دارالحفاظ، از شرق به گنبد حاتم‌خانی و از جنوب به رواق دارالعزه ارتباط دارد. رواق دارالسلام از آثار گوهرشادآغا و هم‌زمان با دارالحفاظ ساخته شده است (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷۲). طول رواق حدود ۲۰ متر، عرض آن ۱۰ متر و ارتفاع آن بالغ بر ۹/۵ متر است که در مجموع با محاسبه فضاهای جانبی آن، ۲۲۷ متر مربع مساحت دارد.



تصویر ۳- مکان رواق دارالسلام در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) (منبع: نگارندگان)

کتیبه قرآنی: رواق دارالسلام دارای سه کتیبه قرآنی است. در این رواق یک محراب ساخته شده که دورتادور آن آیه ۳۵ سوره نور با مضمون خدا نور آسمان و زمین و او هدایت‌گر و داناست، نگاشته شده است. در قسمت شرقی متصل به گنبد حاتم‌خانی، سوره قدر با مضمون عظیم‌الشان بودن روز نزول قرآن در شب قدر و اهمیت قرآن با خط ثلث زیبا نوشته شده است.

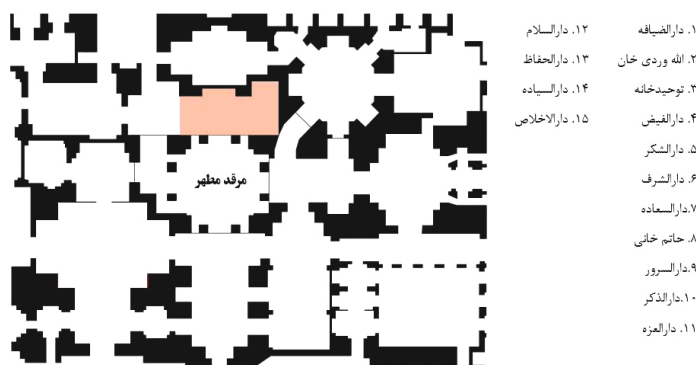
آیه / سوره	کتیبه قرآنی	مفهوم
آیه ۳۵، نور	اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ	خداوند وجودبخش آسمان‌ها و زمین / وجود خداوند مانند چراغی روشن برای عالم
آیه ۱ و ۲، اخلاص	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ صَمَدٌ	یگانگی خداوند / بی‌نیازی خداوند از عالم و نیازمندی عالم به خداوند
آیه ۱، قدر	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ	نازل شدن قرآن عظیم‌الشان در شب قدر

جدول ۲- کتیبه‌های قرآنی رواق دارالسلام (منبع: نگارندگان)

کتیبه دعایی: در رواق دارالسلام بخشی از دعای جوشن کبیر در بالای ازاره متصل به گنبد حاتم‌خانی با این مضمون نوشته شده است: «یا من له ذکر لا ینسی، یا من له نور لا یطفی، یا من له نعم لا تعد، یا من له ملک لا یزول، یا من له ثناء لا تحصی، یا من له جلال لا یکیف، یا اول کل شیء و آخره، یا اله کل شیء و ملیکه، یا رب کل شیء و صانعه، یا باری کل شیء و خالقه، یا قابض کل شیء و باسطه، یا مبدأ کل شیء معیده» با مضمون: «ای کسی که یادش از دل‌ها نمی‌رود؛ نورش خاموش نمی‌گردد، نعمت‌هایش قابل شمارش نیست و حکومتش پایان ندارد، ای کسی که بزرگی و جلالش قابل تعریف نیست، ای آغاز و پایان همه اشیا، ای معبود و صاحب هر چیزی، ای پرورنده همه اشیا و خالق آن‌ها، ای آفریننده همه چیز، ای گیرنده و دهنده همه اشیا، ای آغازکننده هر شیء و برگرداننده آن» در بالای ازاره در اطراف رواق، قصیده بسیار طولانی در ستایش امام رضا (علیه‌السلام) با خط نستعلیق روی سنگ حجاری شده است.

۳. رواق دارالفیض

دارالفیض از رواق‌های دوره صفویه است. این رواق در پشت سر مبارک امام رضا (علیه‌السلام) واقع شده و متصل به حرم است، به این صورت که صفه جنوبی آن (معروف به صفه شاه طهماسبی)، دارای گذرگاهی وسیع است و در طرفین آن، در گذرگاه کوچک نیز قرار دارد که رواق را به حرم مرتبط می‌کند. صفه شمالی دارالفیض که به قرینه صفه جنوبی است، رواق را به توحیدخانه مرتبط می‌کند. صفه شمالی دارالفیض که به قرینه صفه جنوبی است، رواق را به توحیدخانه ارتباط می‌دهد. صفه غربی رواق نیز حد فاصل بین دارالفیض و دارالشکر است. دارالفیض ۱۴/۳۰ متر طول، ۷/۲۰ متر عرض و ۹/۶۰ متر ارتفاع دارد (شایسته‌فر، ۱۳۹۲: ۱۲۰). این رواق از شمال به حرم مطهر و از شرق به گنبد الله‌وردی خان و از غرب به رواق دارالشکر ارتباط دارد. کف رواق از سنگ مرمر ابری پوشیده شده و ازاره آن به ارتفاع ۱/۶۷ متر از سنگ مرمر سفید است. دیوارهای اطراف رواق از بالا تا سقف مقرنس است. کاشی‌کاری معرق با نقوش اصیل و زیبا و ۹۸ شمسه کوچک و ظریف مزین به اسماء الله و طرحی به صورت یک محراب تعبیه شده بر دیوار شرق است (عطاردی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹۹).



تصویر ۴- مکان رواق دارالفیض در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) (منبع: نگارندگان)

کتیبه‌های قرآنی: رواق دارالفیض ۱۴ کتیبه قرآنی دارد. کتیبه‌های نزدیک گنبد که با سوره‌های مبارکی چون کوثر و حمد و تمامی اسامی اعظم خداوند متعال که در داخل

ستاره‌ها نوشته شده‌اند. سوره مبارکه ضحی، کوثر و حمد در نزدیک گنبد نگاشته شده‌اند. مضمون سوره ضحی نیز درباره اهمیت روز و شب که نشانه قدرتمندی خداوند است و سوره کوثر نشانگر اعطای مقام شفاعت به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سوره حمد یاری خواستن از خداوند و ستایش اوست. در حاشیه در ورودی به حرم مطهر، آیه هفتم سوره واقعه با مضمون نیکو بودن اصحاب یمین، در بالای طاق در کوچک به طرف حرم مطهر، آیه ۱۹۷ سوره بقره با مضمون برتری تقوا و خدا ترس بودن و در دیوار جنوبی این رواق آیه ۲۸۵ سوره بقره با مضمون ایمان داشتن به خدا و پیامبر، در بدنه دیوار وسط طرف راست، آیه ۴۵ سوره حجر با مضمون پاداش اهل تقوی و در طرف چپ، آیه ۳۳ سوره ق با مضمون خاشع بودن در مقابل خداوند، مزین شده است.

آیه / سوره	کتیبه قرآنی	مفهوم
آیه ۱ تا ۳، ضحی	وَالضُّحَى وَدَعَاكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى	اهمیت روز و شب / قطع موقت لطف را نشانه غفلت و قهر الهی ندانید.
آیه ۱ تا ۳، کوثر	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ	اعطای مقام شفاعت به پیامبر / پرداختن به طاعت و مناسک حج برای خداوند / باقی ماندن نسل پیامبر تا قیامت به کثرت و برکت و عزت
آیه ۱، حمد	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	ستایش خداوند، پروردگار جهانیان
آیه ۸ و ۱۳، واقعه	فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ	عاقبت نیکو اصحاب یمین در بهشت ابدی
آیه، بقره	وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ	آگاهی خداوند بر کار نیک / پیشی گرفتن در راه تقوا / پروا از خداوند
آیه ۴۵، حجر	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ	وعده خداوند بر اهل تقوا در بهشت

آیه ۳۳، ق	مَنْ حَشَى الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ	در نهان از خدای رحمان خشیت داشتن و بازگشت با توبه به سوی خداوند
آیه ۱ تا ۲، شمس	وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها	اهمیت خورشید و ماه و روز و شب

جدول ۳- کتیبه‌های قرآنی رواق دارالفیض (منبع: نگارندگان)

کتیبه‌های ادبی: در رواق دارالفیض دوره صفویه در بالای ازاره سنگی به عرض ۳۳ سانتی‌متر کتیبه‌ای از اشعاری از قآنی به خط نستعلیق با متن زیر نگاشته شده است:

زمین ز یمن تو محسود و هفت کاخ مطبق	زهی به منزلت از عرش بده فرش تو رونق
تویی که فیض تو با فرسرد است ملفق	تویی که خاک تو با آب رحمت مخمر
چو شمع حیدر صفدر قواعد تو موثق	چو دین احمد مرسل مبانی تو مشید
ز خاک‌روب تو گردی است هفت کاخ مروق	ز آستان تو حصنی است نه سپهر معظم

مضمون اشعار بیان شده، منزلت امام رضا (علیه‌السلام) است. حتی زمین و هفت طبقه آسمان هم به یمن وجود امام رضا (علیه‌السلام) دارای فیض هستند، عظمت و بزرگی امام رضا (علیه‌السلام) در عقل و خیال هیچ کس نمی‌گنجد.

۲-۳-۲. تحلیل محتوای مضامین اسلامی در کتیبه‌های قرآنی رواق‌های دارالحفاظ، دارالسلام و دارالفیض مرقد امام رضا (علیه‌السلام)

همان‌گونه که بیان شد، آموزه‌های اسلامی در جان و دل بناهای مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) نقش بسته است. هر جایی از فضای معنوی این رواق‌ها گام می‌گذاریم، درس و آموزه‌ای برای راهنمایی انسان وجود دارد. رواق‌ها محفلی برای انس با خود و باری تعالی است و حضور در آن روح تازه‌ای بر مسلمین می‌بخشد. کتیبه‌های قرآنی به‌عنوان زیباترین نمود تجلی آموزه‌های اسلامی در معماری رواق‌ها، ابزاری برای درس گرفتن از اسلام است. در جدول ۴ مضامین اسلامی که در کتیبه‌های رواق‌های مورد بررسی نگاشته شده، ارائه و آموزه آن بیان شده است.

دوران تاریخی	نام رواق	کتیبه قرآنی	آموزه‌های اسلامی
دوران تیموری	رواق دارالحفاظ	آیه ۵۳، احزاب	اذن دخول
		آیه ۲۳، شوری	بدون اجر بودن رسالت پیامبران
		آیه ۵۹، نساء	اطلاعت کردن از اولی امر
		آیه ۹۵، نساء	اهمیت جهاد در راه خداوند
		آیه ۸، آل عمران	اهمیت تضرع به درگاه باری تعالی
		آیه ۳، طلاق	اشاره به رزاقی خداوند و توکل بر او
		آیات ۳۰ و ۳۱، نمل	برتری خداوند و تسلیم در مقابل او
		آیه ۵۵، مائده	اهمیت نماز و زکات
		آیه ۵۶، مائده	پیروزمند بودن خداوند
		آیه ۸۸، قصص	متذکر شدن شرک نورزیدن و برتری خداوند
		آیه ۷۳، زمر	اهمیت توکل بر خداوند
		آیه ۳۶، نور	اهمیت ذکر خداوند در مسجد و مقابر اهل بیت (علیهم‌السلام)
		آیه ۱۱۸، مؤمن	بخشنده‌گی خداوند
		آیه ۳۵، سوره نور	علم و قدرت خداوند
دارالسلام	رواق	آیات ۱ و ۲، اخلاص	یگانگی خداوند
		آیه ۱، قدر	عظمت نزول قرآن

دوران صفوی	رواق دارالفیض	آیات ۱ تا ۳، ضحی	اعتماد به لطف الهی
		آیات ۱ تا ۳، کوثر	اهمیت مناسک حج
		آیه ۱، حمد	ستایش پروردگار
		آیات ۸ و ۱۳، واقعه	عاقبت نیکو صالحین
		آیه ۱۹۷، بقره	برتری و آگاهی خداوند
		آیه ۴۵، حجر	وعده بهشت متقین
		آیه ۳۳، ق	اهمیت توبه به درگاه خداوند
		آیات ۱ تا ۲، شمس	اهمیت روز و شب

جدول ۴- آموزه‌های اسلامی در کتیبه رواق‌های مرقد امام رضا (علیه‌السلام) در دوران تیموری و صفوی (منبع: نگارندگان)

۳. نتیجه‌گیری

مرقد مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره مکانی ارزشمند از لحاظ معماری و تزیینات بوده است. این موضوع به دلیل توجه ویژه مسلمین به مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) باعث شده است در ادوار مختلف بناهای ارزشمندی در آن ساخته شود که هر یک از آن‌ها به منبعی ارزشمند از منظر معماری و تزیینات تبدیل شده‌اند. معماران مسلمان به دلیل اعتقادات راسخ خود بناهایی معنوی برپا کرده‌اند که هر جزئی از آن، درسی از جانب خداوند و هر فضایی از آن، مکانی برای درک ذات خداوندی است. دوران تیموری و صفوی دوران با عظمت تاریخی ایران بوده است. در دوران تیموریان، با وجود گسترده‌گی مذهب سنی احترام زیادی برای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و شیعیان قائل بودند. در این دوران اقدامات زیادی در مرقد امام رضا (علیه‌السلام) صورت گرفت، اما تلاش این حکومت در مرزوبوم ایران محدود شد و به خارج از مرزهای ایران نرسید. رواق‌های دارالحفاظ، دارالسیاده و دارالسلام از جمله رواق‌هایی است که در این دوران بنا شده‌اند. همچنین یکی از بناهای ارزشمند این دوران، مسجد گوهرشاد بنایی باشکوه در جوار مرقد امام رضا (علیه‌السلام) است. صفویان نیز به دلیل رسمیت بخشیدن مذهب تشیع، اقدامات شاهان این دوره برای گسترش، بازسازی و ساخت بناهای مذهبی گسترش

یافت و حتی در عراق نیز اقدامات ارزشمندی برای بناهای مرقد مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام) صورت گرفت. در این دوران هنرمندان، مضامین اسلامی و آیات قرآنی را به زیباترین نحو ممکن، در تزیینات بناها طراحی میکردند و همین موضوع سبب گسترش و تقویت مذهب شیعی شد. در دوران صفوی رواق‌های متعددی همچون رواق‌های دارالفیض، حاتم‌خانی، توحیدخانه و گنبد اللهوردی خان ساخته شدند که جزو زیباترین بناهای معماری همجوار مرقد محسوب می‌شوند.

در معماری و تزیینات این رواق‌ها مفاهیم ارزشمندی مستتر است که ریشه در اعتقادات اسلامی داشته است. کتیبه‌ها یکی از تزیینات بارز این دوران است که تجلی آموزه‌های اسلامی است. کتیبه‌ها عناصر تزیینی هستند که حامل مفاهیم و پیام‌هایی هستند که ریشه در قرآن دارد و دارای مضامین قرآنی، تاریخی، احادیث، اسماء الحسنی و ادبی هستند. عموماً کتیبه‌های قرآنی تعداد بیشتری در معماری رواق‌ها داشته‌اند. کتیبه‌های قرآنی علاوه بر زیبایی بصری حامل معنا و مضامین اسلامی هستند. این مضامین دربردارنده حقایق معنوی و ارزش‌های معرفتی و راهنمای انسان هستند. در میان کتیبه‌ها آموزه‌های اسلامی همچون یگانگی، بخشندگی، علم و قدرت، آگاهی و برتری خداوند، نقش بسته است. همچنین تأکید بر توکل بر خدا، جهاد در راه خداوند، ستایش خداوند، ذکر خداوند، تضرع در درگاه خداوند را گوشزد می‌کند. علاوه بر این، به آموزه‌هایی دیگر همچون طعام یتیمان، اهمیت مناسک حج و ... نیز اشاره دارد. بررسی و تحلیل کتیبه‌های معماری رواق‌های مرقد امام رضا (علیه‌السلام)، بیانگر تأثیر عمیق آموزه‌های اسلامی بر آن است. همچنین در تزیینات دیگر مرقد اهل بیت (علیهم‌السلام) مبانی اعتقادی و آموزه‌های اسلامی تأثیر فراوان داشته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آقاسید، عبدالله. (۱۳۷۹). *لولو صدف فی تاریخ النجف*. بی‌جا: مهربان.
- آل طعمه، سلمان. (۱۳۸۹). «توصیف عمومی حرم امام حسین (علیه‌السلام)». *ادیان، مذاهب و عرفان*. شماره ۳ و ۴. صص: ۱۵۰-۱۶۱.
- آل یاسین، شیخ محمد حسن. (۱۳۷۱). *تاریخ حرم کاظمین*. ترجمه غلامرضا اکبری. قم: نشر کنگره جهانی حضرت رضا (علیه‌السلام).
- ایهام پوپ، آرتور. (۱۳۷۳). *معماری ایران*. ترجمه غلامحسین صدری افشار. چاپ سوم. تهران: فرهنگستان.
- اتینگهاوزن، ریچارد و یار شاطر، احسان. (۱۳۷۹). *اوج‌های درخشان هنر ایران*. ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز. تهران: آگاه.
- استیرلن، هانری. (۱۳۷۷). *اصفهان تصویر بهشت*. ترجمه جمشید ارجمند. تهران: نشر فروزان روز.
- اسکندریک، ترکمان. (۱۳۷۱). *ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح سهیلی خوانساری. تهران: اسلامیه.
- اسکارچیا، جیان روبرتو. (۱۳۷۶). *تاریخ هنر ایران هنر صفوی، زند، قاجار*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- اسکندر بیک، منشی. (۱۳۷۷). *عالم‌آرای عباسی*. جلد ۲. تهران: نشر آشنا.
- اسکیرس، گالینا آتولیونا پوگاچنکووا؛ ژان دویروین، سوات سوچک؛ رایینسن، آنتونی ولش. (۱۳۸۶). *هنر و ادب ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- اسماعیلی، مراد. (۱۳۹۵). «بررسی چگونگی و جرایبی نگاه متفاوت شاعران سبک اصفهانی به عناصر اسطوره‌ای». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. شماره ۴۵. صص: ۱۱-۳۳.
- اشراقی، احسان؛ علوی، نصرت‌خاتون. (۱۳۹۳). «وحدت مذهبی ایرانیان در دوره صفوی». *فصلنامه شیعه‌شناسی*. شماره ۴۷. صص: ۲۵۹-۲۸۲.
- افشار آرا، محمدرضا. (۱۳۸۲). *خراسان و حکمرانان*. تهران: انتشارات محقق.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). *مطلع‌الشمس تاریخ ارض اقدس مشهد مقدس*. تهران: فرهنگ‌سرا.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم. (۱۳۸۳). *فتوحات شاهي*. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه‌السادات؛ ملایی، معصومه. (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر عقاید مذهب شیعه بر ارتباطات فضایی مساجد شیعی». *فصلنامه شیعه‌شناسی*. شماره ۲۳. صص: ۱۴۵-۱۷۴.
- اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*. ترجمه علی آخشیتی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۶). *مبانی هنر اسلامی*. ترجمه و تدوین: امیر نصری. تهران: انتشارات حقیقت.
- بهرام نژاد، محسن. (۱۳۹۷). *تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه*. تهران: انتشارات سمت.

- پسندیده، محمود؛ واعظ‌زاده خراسانی، محمد. (۱۳۸۵). *حوزه علمیه خراسان، مدارس علمیه مشهد*. جلد ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پل مانزو، ژان. (۱۳۸۰). *هنر در آسیای مرکزی*. ترجمه محمد هاشمی گلپایگانی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- تاکستن، حیدر؛ دران، راکسبورو؛ کوماروف، گرونکه؛ گولومبیک، بناتریس منز. (۱۳۸۴). *تیموریان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- حسینی، سیدهاشم. (۱۳۸۸). «مقایسه ویژگی‌های هنر کتیبه‌نگاری عصر صفوی در دو مجموعه شاخص شیعی ایران (حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) و بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی)». *مطالعات هنر اسلامی*. دوره ۶. شماره ۱۱. صص: ۱۰۵-۱۳۲.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۹). *تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی*. تهران: انتشارات آرین.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ. (۱۳۷۵). *سفرنامه خانیکوف گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی*. ترجمه ابوالقاسم بیگناه و اقدس یغمایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۱). *هزار نقش*. تهران: انتشارات مطالعات هنر اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۳۳). *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. جلد ۴. تهران: نشر کتاب-فروشی خیام.
- داندنه، سمیرا سادات. (۱۳۹۶). «مقایسه ترکیب‌بندی در دو کتیبه ثلث طوماری از محمدرضا امامی اصفهانی و محمدحسین شهید مشهدی در صحن عتیق حرم امام رضا (علیه‌السلام)». *نگره*. شماره ۴۴. صص: ۲۰-۳۹.
- *دایرةالمعارف تشیع*. (۱۳۶۹). زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی. ج ۱. تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط.
- زنده‌دل، حسن. (۱۳۷۷). *مجموعه راهنمای ایرانگردی استان خراسان*. تهران: نشر ایران‌گردان.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۵۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ اول، تهران: طهوری.
- سعاد ماهر. (بی‌تا). *مشهد الامام معلى فى النجف و ما به الهدایا و التحف*. قاهره: نشر دارالمعارف بمصر، بی‌تا.
- سیدی، مهدی. (۱۳۸۲). *سیمای تاریخی فرهنگی شهر مشهد*. مشهد: سازمان فرهنگی شهرداری مشهد.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- سیوری و همکاران. (۱۳۸۰). *صفویان*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ اول. تهران: انتشارات مولی.
- شامی، نظام‌الدین. (۱۹۵۶). *ظفرنامه*. تصحیح فلکس نادر. پراگ (چک و اسلواکی): انتشارات مؤسسه شرقیه.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۷۹). «رابطه مذهب و نگارگری دوره تیموریان و اوایل صفویان». *مدرس علوم انسانی*. دوره ۴. شماره ۲. صص: ۲۵-۴۰.
- _____ (۱۳۸۰). «جایگاه قرآن، حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی». *فصلنامه مدرس*. دوره ۵. شماره پیاپی ۲۳. صص: ۵۷-۹۴.
- _____ (۱۳۸۹). «بررسی تزیینات و کتیبه‌های قرآنی دو مجموعه گوهرشاد هرات و مشهد». *مطالعات هنر اسلامی*. دوره ۶. شماره ۱۲. صص: ۷۳-۹۸.

- _____ (۱۳۹۲). «بررسی محتوایی کتیبه‌های رواق‌های ساخته‌شده در حرم رضوی در عصر تیموری و صفوی». فرهنگ رضوی. شماره ۳. صص: ۱۱۵-۱۴۶.
- _____ شراتو، امیرتو؛ گروبه، ارنست. (۱۳۹۱). هنر/ایلخانی و تیموری. ترجمه یعقوب آژند. چاپ سوم. تهران: انتشارات مولی.
- _____ شوان، فریتهیوف و همکاران. (۱۳۹۰). هنر و معنویت. گردآوری و ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: فرهنگستان هنر.
- _____ شیخی، علیرضا. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی مضامین کتیبه‌ها در آثار چوبی وابسته به معماری در حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام)». مرمت و معماری ایران. شماره ۲۰. صص: ۹۱-۱۱۳.
- _____ صنیع‌الدوله، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطلع‌الشمس. تهران: نشر پیشگام.
- _____ طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). شیعه. به کوشش خسرو میرشاهی. تهران: بوستان کتاب.
- _____ ظریفیان، الهام. (۱۳۸۷). راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم مطهر حضرت رضا (علیه‌السلام). مشهد: موسسه فرهنگی قدس.
- _____ صحراگرد، مهدی. (۱۳۹۲). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی؛ کتیبه‌های مسجد گوهرشاد. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۹۴). «محمدحسن رضوان و احیای سنت کتیبه‌نگاری در کتیبه‌های قرآنی حرم امام رضا (علیه‌السلام)». آستان هنر. شماره ۱۴ و ۱۵. صص: ۲۶-۳۱.
- _____ صنیع‌الدوله، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطلع‌الشمس. تهران: نشر پیشگام.
- _____ عالم‌زاده، بزرگ. (۱۳۹۰). دانشنامه رضوی. تهران: شاهد.
- _____ عبداللهی، علی؛ جلالیان قانع، نوید؛ مودی، آرمین؛ آئینی، سجاد. (۱۳۹۹). «بررسی شکلی-تاریخی هسته اولیه کالبد معماری حرم مطهر رضوی با تکیه بر اسناد روایی و در تطابق با طرح‌مایه‌های معماری کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام». باغ نظر. دوره ۹۳. شماره ۱۷. صص: ۵-۲۲.
- _____ عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی. جلد ۲. تهران: عطارد.
- _____ علی‌عبدی بیک شیرازی، خواجه زین‌العابدین. (۱۳۶۹). تکمله‌الاخبار. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نشر نی.
- _____ عمادزاده، حسین. (۱۳۸۴). تاریخ جغرافیایی کربلای معلی. تهران: نشر مجله خرد.
- _____ فراست، مریم. (۱۳۸۵). «همخوانی کتیبه و نقوش هندی در بناهای اصفهان عصر صفوی». مطالعات هنر اسلامی. شماره ۵. صص: ۲۵-۴۴.
- _____ فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۸۴). تعلیم خط. تهران: سروش.
- _____ فضیلت، محمود. (۱۳۹۱). «سبک اصفهانی در ترازوی نقد تاریخی». پژوهشنامه نقد ادبی. شماره ۱. صص: ۱۲۷-۱۴۱.
- _____ فغفوری، رباب؛ بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دوره تیموری و صفوی». فصلنامه نگره. شماره ۳۵. صص: ۵-۱۷.
- _____ فیاضی، محمدانور؛ جباری، محمدرضا. (۱۳۹۰). «نمادهای اجتماعی شیعه در عصر حضور: نمادهای زبانی». تاریخ در آینه پژوهش. دوره ۸. شماره ۲۹. صص: ۱۳۷-۱۶۴.

- قصابیان، محمدرضا. (۱۳۸۴). *راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم امام حضرت رضا (علیه‌السلام)*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کاظمی دلگانی، مریم. (۱۳۸۶). «اقدامات عمرانی شاهان صفوی در عتبات عالیات». *تاریخ اسلام*. شماره ۲۶. صص: ۶۷-۸۰.
- کاویانیان، احتشام. (۱۳۵۵). *شمس‌الشموس*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلیددار، محمدحسن مصطفی. (۱۳۶۷). *مدینه‌الحسین او مختصر تاریخ کربلا*. بغداد: نشر النجاج.
- کلیددار، عبدالجواد. (۱۳۷۷). *تاریخ کربلا و حائر حسین (علیه‌السلام)*. ترجمه محمد صدر هاشمی. اصفهان: نشر کتاب فروشی ثقیفی.
- گرابر، الگ. (۱۳۷۶). *هنر ایران*. ترجمه یعقوب آژند کیهان فرهنگی. شماره ۱۳۷. صص ۵۱-۴۶.
- لانگتریک، استیون همزلی. (۱۳۷۸). *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰-۱۵۰۰*. ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- مزاولی، میشل. (۱۳۶۸). *پیدایش دولت صفوی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۸۱). *نزهة القلوب*. حواشی و تعلیق: محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- مشکوتی، نصرالله. (۱۳۴۳). *فهرست بناهای تاریخی اماکن باستانی ایران*. تهران: انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- مشهدی محمد، عباس. (۱۳۸۳). *مشهدالرضا*. تهران: مؤلف.
- مقری، علی اصغر. (۱۳۵۹). *بناهای تاریخی استان خراسان*. مشهد: داره کل فرهنگ خراسان.
- مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی تزیینات معماری*. تهران: سمت.
- _____. (۱۳۸۸). *تزیینات معماری*. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- مؤتمن، علی. (۱۳۵۵). *تاریخ آستان قدس*. مشهد: بی‌نا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). *هنر و معنویت اسلامی*. تهران: حکمت.
- _____. (۱۳۷۵). *تاریخ فلسفه اسلامی*. جمعی از مترجمان. چاپ اول. تهران: حکمت.
- نعمتی، بهزاد. (۱۳۹۱). «طلاکاری گنبد حرم امام رضا (علیه‌السلام)». *آستان هنر*. شماره ۲-۳. صص: ۴-۱۵.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۴۷). *شاه‌اسماعیل صفوی (اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ویلبر، دونالد؛ گلمبرک، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هیلن‌برند، رابرت. (۱۳۸۶). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، روزنه.



جایگاه حضرت خدیجه (علیها السلام) در مدیریت و سامان دهی بحران محاصره شعب ابی طالب

دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۶

محمد کشاوری (بیضایی)^۱، محمد جمیری^۲، رضا معینی رودبالی^۳

چکیده

گسترش و اشاعه اسلام و مقابله با موانع و دشمنی های آن، مرهون مجاهدت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مردان و زنان بزرگی بوده است. تحریم و محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب از حوادث مهم، طاقت فرسا و سرنوشت ساز قبل از هجرت در تاریخ صدر اسلام به شمار می رود که سامان دهی هوشمندانه و مدبرانه پیامبر و یارانش طی این رویداد، تأثیر شگرفی در تقویت و اشاعه مبانی اسلام و نیز غلبه مسلمانان بر مصائب و مشکلات بعدی داشت. در این میان، جایگاه حضرت خدیجه (علیها السلام) به عنوان همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مواضع و سهم وی در مدیریت این بحران عظیم، موضوع قابل درنگی است که روشن کردن ابعاد و زوایای آن، پژوهشی مستقل و جامع را می طلبد. از این رو، این جستار با روشی توصیفی تحلیلی، به دنبال پاسخ این سؤالات است که حضرت خدیجه در بحران شعب ابی طالب چه جایگاهی داشته و سهم وی در مدیریت این بحران چه بوده است؟ یافته ها نشان می دهد که حضرت خدیجه (علیها السلام) در جایگاه اولین بانوی مسلمان و همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با انفاق ثروت چشمگیر خود برای رفع نیازهای مسلمانان در شعب، همچنین پایداری، مدیریت و نفوذ وی در دور زدن برخی تحریم ها و بی اثر کردن آن، در کنار مساعی و حمایت های بی دریغ وی از پیامبر، به سهم خود در شکستن و الغای محاصره اقتصادی و اجتماعی مسلمانان در شعب، تأثیر بسزایی داشته است.

کلیدواژه ها: شعب ابی طالب، مدیریت بحران، جایگاه حضرت خدیجه (علیها السلام)، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله).

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (نویسنده مسئول): mkeshavarz_59@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر: Jamiri.mohammad@gmail.com

۳. استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان: moeini.reza.60@gmail.com

۱. مقدمه

مقاومت در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و برون‌رفت از آن در هر اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با مدیریت و سامان‌دهی مردمان آن داشته‌است. مشرکان برای از میان بردن اسلام و مقابله با پیامبر به اقدامات و توطئه‌های مختلفی مبادرت ورزیدند. سازش و شگردهای مسالمت‌آمیز، آزارهای فیزیکی، برخوردهای علمی و برخوردهای روانی و سیاسی از زمره این اقدامات به شمار می‌رود. عقیق‌ماندن برخوردها و شگردهای اغواکننده، ایذایی، روانی، تهدیدآمیز و علمی مشرکان در برابر پیامبر (ص) آنان را به مطرود کردن و انزوای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان سوق داد. محاصره شعب ابی طالب و انزوای پیامبر (ص) و یاران وی از دسته برخوردهای اقتصادی اجتماعی مشرکان است که از آن می‌توان به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام قبل از هجرت اشاره کرد.

۱-۱. مسئله پژوهش

یکی از نقش‌های جهانی و ارزشی زنان، حضور و مشارکت مؤثر در زندگی پیامبران الهی است که با پرورش و حمایت‌های مادی از آنان، بر اشاعه توحید و پیشبرد مقاصد ادیان آسمانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در دین اسلام جایگاه، حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کمتر از مردان نبوده و زنان نیز در کنار رسول خدا (ص) به سهم خود به انجای مختلف در گسترش و اشاعه اسلام اهتمام ورزیده‌اند. افزون‌بر آن، پیامبر اسلام (ص) برای اصلاح باور و اخلاق و مبارزه با مفاسد اجتماعی، مسیری دشوار در پیش رو داشت و این در حالی بود که اغلب جامعه در قالب شرک یا نفاق در مقابل وی بودند. در این شرایط، همسران ایشان هم به‌عنوان زن و نیز همسر، نقش مؤثری در همراهی و غمخواری با ایشان بر عهده داشتند. بی‌تردید حادثه شعب ابی طالب، یکی از سخت‌ترین و حساس‌ترین حوادث دوران بعثت پیامبر (ص) است. با محاصره شعب ابی طالب و فائق شدن مسلمانان بر این بحران، امکانات و ظرفیت‌های جدیدی بر روی مسلمانان گشوده شد که در مقابله با بحران‌ها و رویدادهای بعدی تأثیر بسزایی گذاشت. طبعاً شکسته شدن محاصره شعب و غلبه یافتن مسلمانان بر مشکلات

و مصائب بی‌شمار آن مرهون رهبری و تدابیر پیامبر ﷺ، همچنین مجاهدت‌ها و مساعی نزدیکان و یاران وی بود که در طی این دوران در جبهه‌ای یکدست در کنار رسول خدا ﷺ ماندند و توطئه‌های مشرکان را یکی پس از دیگری بی‌اثر کردند. در این میان، کنش‌مندی و نقش‌آفرینی حضرت خدیجه (ع) به‌عنوان اولین زن مسلمان و همسر پیامبر ﷺ در غلبه بر این بحران و سهم و جایگاه مدیریت وی، موضوع قابل‌درنگی است ولی آنچنان که باید به آن پرداخته نشده است.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

حادثه شعب ابی طالب نمونه مهمی از غمخواری، همراهی، اثرگذاری و اثرآفرینی حضرت خدیجه (ع) در مسیر رسالت و نبوت به شمار می‌رود. تبیین و تشریح نقش حضرت خدیجه (ع) در مدیریت بحران شعب و مواضع وی در این دوران، افزون بر شناخت جایگاه عظیم وی در تبلیغ و ترویج اسلام، می‌تواند ما را در دستیابی به عملکردها و نحوه کنش‌مندی این بانویاری و آن را به‌مثابه الگویی قابل‌اتکا فراروی مسلمانان و زنان عالم بگذارد. نظر به اهمیت بحث، این جستار به روش توصیفی تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که جایگاه حضرت خدیجه و سهم وی در سامان‌دهی و مدیریت بحران محاصره شعب ابی طالب چه بوده است؟

مفروض این پژوهش این است که حضرت خدیجه (ع) در نقش همسر پیامبر ﷺ، با موقعیت و دارایی چشمگیر خود و صرف آن در رفع نیازهای مسلمان در شعب، دور زدن هوشمندانه برخی تحریم‌ها و نیز همراهی و پایداری وی در کنار رسول خدا ﷺ در نقش همسر و وزیری مهربان، کاردان و خردمند به سهم خود در از میان رفتن محاصره شعب نقش مهمی داشته است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

درباره محاصره شعب ابی طالب، همچنین جایگاه حضرت خدیجه (ع) در تاریخ اسلام و ویژگی‌های وی پژوهش‌های چندی صورت گرفته که در مواردی به اجمال یا گزارشی از

نقش ایشان در محاصره شعب ابی طالب سخن به میان آمده است. از جمله: حسین زاده یزدی و شریف زاده (۱۳۹۵) در مقاله «سیره پیامبر اکرم در مقابله با تحریم‌های اقتصادی» به شیوه مقابله پیامبر با تحریم‌های اقتصادی دوران نبوتش، نظیر تحریم اقتصادی شعب ابی طالب، محاصره و انحصار تجاری قریش، محاصره اقتصادی نظامی احزاب و تهدید به تحریم اقتصادی منافقان پرداخته‌اند. کاظمی (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه در شکل‌گیری و گسترش اسلام»، به تأثیر شیوه و رفتار حضرت خدیجه در شکل‌گیری و اشاعه اسلام پرداخته است. نسیحه حسین (۲۰۱۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «خدیجه و عایشه»، جایگاه این دو بانوی پیامبر را بررسی کرده است. علی اکبر افراسیاب‌پور و فلور ولی‌پور چهارده چریک (۱۳۹۱)، به نقش زنان در زندگی پیامبر (ص) پرداخته‌اند و از نقش حضرت خدیجه (س) در زندگی پیامبر (ص) نیز سخن به میان آورده‌اند. ابرار الحیدری (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی دعوت پیامبر (ص) از سال هفتم تا دهم بعثت؛ محاصره شعب ابی طالب» به این سؤال پرداخته که آیا حضرت در سه سال محاصره شعب ابی طالب دعوت به اسلام را تعطیل کرده و به تحکیم آموزه‌های دینی در میان مسلمانان بنی‌هاشم حاضر در شعب اکتفا کرده یا اینکه روش جدیدی را در دعوت به اسلام به کار برده است؟ با این همه این آثار به جایگاه و سهم حضرت خدیجه (س) در مرتفع کردن و شکستن تحریم‌ها، نیز چگونگی و نحوه ساماندهی آن چندان توجهی نکرده‌اند و راه را برای پژوهشی مستقل و موردی باز گذاشته‌اند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. شعب ابی طالب و تحریم اقتصادی و اجتماعی پیامبر (ص) و یارانش

شعب به کسر اول و سکون دوم، واژه‌ای عربی و جمع شعب و به معنای «گشادگی میان دو کوه؛ دره، راه در کوه» به کار رفته است (عمید، ۱۳۸۹: ۷۰۱؛ فیاض، ۱۳۸۱: ۶۳). شهر مکه شهری است با کوه‌های فراوان و فراگیر که در میان آن، وادی‌ها و دامنه‌های کوچکی است که در فرهنگ عرب «شعب» نامیده می‌شود (الطریحی، ۱۴۰۸: ۲؛ ج ۵۱۲؛ جعفریان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۵۸؛ الحیدری، ۱۳۹۹: ۴۴). مکه مملو از شعب است و از قدیم

این ضرب‌المثل مرسوم بوده که «أهل مکه اعلم بشعابها»، اهل مکه به شعب‌های خود آگاه‌تر از دیگران‌اند. ساکنان مکه که مشتمل بر طوایف مختلفی بودند، هر کدام در یکی از این شعب‌ها اقامت داشتند. از این‌رو، هر شعبی را به نام آن طایفه می‌شناختند. آنچه به نام شعب ابی‌طالب معروف شده در آغاز شعب ابی‌یوسف نام داشته و ظاهراً در عصر بعثت شعب ابی‌طالب نام گرفته‌است (جعفریان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۵۸).

عقیم ماندن تعقیب مهاجران به حبشه، نفوذ قابل‌توجه اسلام در میان جوانان، مردان، زنان و مستضعفان، و به‌طور کلی، بیهوده ماندن برخوردها، روش‌ها و شگردهای مسالمت‌آمیز، اغواکننده، علمی، تهدیدآمیز، سرکوبگرانه و بازدارنده، از قبیل وعده پست و مقام، شکنجه‌های جسمی و روحی، تهمت سحر و جنون، سؤالاتی از اسرار هستی و تاریخ گذشتگان بر نگرانی مشرکان افزود و آنان را به مطرود کردن، انزوای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوق داد. در واقع، تحریم اقتصادی و اجتماعی پیامبر (ص) و یارانش در شعب ابی‌طالب، یکی از برخوردهای سیاسی و روانی مشرکان در مواجهه و مقابله با مسلمانان بود (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۸۹-۳۹۰). مشرکان عهدنامه‌ای صادر و در خانه خدا نصب کردند که طبق آن هر گونه معامله، وصلت و حشر و نشر با پیامبر (ص) و یارانش ممنوع شد (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۷۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۰۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۳۴؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۷۸؛ بیهقی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۱۱-۳۱۲). از این‌رو، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب به ابوطالب روی آوردند و به‌همراه ایشان به درون دره رفتند و در آنجا اقامت گزیدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۰۹). اقدامات مشرکان از قبیل نظارت شدید بر اجرای عهدنامه، انزوای اقتصادی و اجتماعی پیامبر (ص) جلوگیری از رسیدن آذوقه و کالا وضعیت بسیار دشوار و فرساینده‌ای را برای مسلمانان در شعب ابی‌طالب ایجاد کرد (ابن‌سعد، ۱۳۷۴: ۱۹۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۱۰؛ ابن‌هشام، ۱۳۸۳: ۱۷۷؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۷۸). کسانی که در داخل شعب بودند، نمی‌توانستند احتیاجات خود را تأمین کنند؛ زیرا هیچ‌کس حاضر به معامله با آنان نبود. افزون‌بر این، در آن شرایط سخت تهدیدات دیگری نیز وجود داشت (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۶۰؛ فیاض، ۱۳۸۱: ۶۴). مسلمانان در این دوران سه ساله تنها در سالی دو بار در ماه‌های ذی‌حجه و رجب می‌توانستند از شعب خارج شوند

و اندکی آذوقه تهیه کنند (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۳۲۹). وضعیت دشوار مسلمانان در شعب به گونه‌ای بود که آنان در برخی مواقع برای رهایی از گرسنگی به چیزهایی نظیر خوردن برگ درختان که ماهیت غذایی نداشت، روی آوردند (حلبی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۳۷). در یک مرحله که عباس برای تهیه و خرید آذوقه از شعب خارج شد، ابوجهل قصد وی کرد؛ ولی خداوند وی را نجات داد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۳۵). شایان ذکر است که عباس در این زمان هنوز مسلمان نشده بود؛ ولی به خاطر حمایت خانوادگی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در شعب وارد شده بود. همچنین هاشم بن عمرو شب‌ها خوراکی بر شتر خود می گذاشت و تا نزدیکی شعب می‌رفت و به پهلوی شتر می‌زد تا به داخل شعب برود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۳۵). در تمام مدتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در شعب بود، ابوطالب عمویش مراقب بود تا کسی به پیامبر سوء قصد نکند.

نظام قبیله‌ای بر اساس نسب و خویشی بود. قریش و به خصوص برخی تیره‌ها، به رغم همه دشمنی‌شان با اسلام، به خاطر ملاحظات قبیله‌ای نمی‌توانستند در آن شرایط در برابر بنی‌عبدالمطلب بی‌توجه باشند. اکنون پس از گذشت سه سال، برخی احساس ندامت و پشیمانی کرده و وجدان‌شان آنان را عذاب می‌داد (جعفریان، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۶۲؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۱۶۱-۱۶۲). افزون بر آن، برخی از مشرکان و اشراف مکه، از تبعات سوء حضور بنی‌هاشم در شعب آگاه بودند؛ چراکه حضور مسلمانان و مشرکان بنی‌هاشم در کنار یکدیگر در شعب و آشنایی آنان با محتوای دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حقانیت و صداقت گفتار و کردار او، ارکان اولیه اسلام و اولین هسته‌های مقاومت در برابر مشرکان را شکل داد. از همین رو، برای پایان بخشیدن به محاصره، با توسل به زور و تهدید در مقابل جناح ابوجهل تلاش کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۴). همزمان پیامبر عمویش را از خورده شدن پیمان‌نامه توسط موریانه آگاه کرد. ابوطالب زمانی که سخنان پیامبر را شنید، گفت: «اشهد أنك لا تقول الا حقاً». وی سپس مشرکان را از این امر آگاه کرد و آنان پیمان‌نامه را آوردند. مشرکان با دیدن پیمان‌نامه که موریانه خورده و از آن چیزی جز عبارت «باسمک اللهم» نمانده بود، شگفت‌زده شدند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۳۴؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۱۶۱-۱۶۲). آنان با استفاده از زمینه‌های مساعد ذهنی مردم عادی مکه که در میان آنان

نزدیکان و بستگان بنی‌هاشم نیز بودند، مسلحانه به سوی شعب حرکت و بنی‌هاشم را به ترک آنجا دعوت کردند. گروه ابوجهل نیز که قدرت کمتری داشتند، ناگزیر ابطال عهدنامه را پذیرفتند. تاریخ الغای معاهده را پانزدهم رجب سال دهم بعثت دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۱۰).

اندکی پس از خروج از شعب دو واقعه حزن‌انگیز برای پیامبر به وقوع پیوست و آن درگذشت خدیجه (ع) و ابوطالب بود که به فاصله کمی از یکدیگر رخ داد. وفات این دو یار و یاور مهربان و بردبار برای پیامبر (ﷺ) بسیار سنگین بود؛ چنان‌که سال دهم بعثت را «عام‌الْحُزْن» نامید.

۲-۲. جایگاه حضرت خدیجه (ع) در مقابله با بحران شعب ابی طالب

خدیجه (ع) زنی از قبیله قریش بود. پدرش خویلد بن اسد قریشی و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم نام داشت. وی ۱۵ سال قبل از حادثه عام‌الفیل (۵۵۵ م) در مکه چشم به جهان گشود. خانواده وی از حیث شرف و نسب در زمره بانفوذترین قبایل عرب به شمار می‌رفت (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۰؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۳۲؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۵؛ مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۳۰؛ محمد بن محمد رفیع، ۱۳۰۶، ج ۱: ۹۸-۹۹). خدیجه (ع) قبل از بعثت به واسطه انتخاب پیامبر به کار تجارت و به دنبال صداقت، کاردانی و امین بودن ایشان در امر تجارت با وجود داشتن خواستگارهای متعدد با پیامبر ازدواج کرد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۳۳-۸۳۴). به روایت ابوالقاسم کوفی که ابن‌شهر آشوب از آن یاد کرده، زنان قریش از ازدواج خدیجه (ع) با محمد (ﷺ) خشمگین شدند؛ زیرا بر این باور بودند که خدیجه (ع) با وجود خواستگاران متعدد از بزرگان و اشراف قریش نمی‌باید با یتیم و تهیدست ابوطالب ازدواج می‌کرد (کوفی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۵). در تاریخ اسلام کمتر زنی چون حضرت خدیجه (ع) همسر بزرگوار رسول خدا (ﷺ) یافت می‌شود که آثار بزرگی از خود بر جای گذاشته باشد. بهره‌گیری از صفات عالی انسانی و رفتار برخاسته از معرفت و تعالی وی، چنان شخصیتی از وی ساخته بود که پیامبر اکرم (ﷺ) تا سال‌ها پس از رحلتش، هرگاه نام او را می‌شنید، بی‌اختیار اشک بر گونه‌هایش جاری می‌شد و از او به بزرگی یاد

می‌کرد. وی نخستین زن مسلمان و همسر و همراهی فداکار و مهربان در زندگی پیامبر ﷺ به خصوص در مراحل دعوت و رسالت آن حضرت بود و زندگی خود را در نقش زنی دیندار در راستای تبلیغ و گسترش اسلام قرار داد (Hussain, 2015 : 7). پیامبر نیز تا زمان حیات وی همسری نگرفت و پس از وفات او همواره از خدیجه به عنوان همسری نیک، اثرگذار، دلسوز و مهربان یاد می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تهدیدها و خطرهایی که پیامبر و یارانش در آغاز رسالت با آن مواجه شدند، محاصره شعب ابی طالب بود و به مدت سه سال از سال هفتم تا دهم بعثت استمرار داشت. حمایت اقتصادی سیاسی خدیجه (ع) از پیامبر کلید شکست این تحریم اقتصادی و محاصره بود. این تحریم قبل از آنکه اقتصادی باشد سیاسی بود و هدف آن از بین بردن اسلام بود (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). سیره و رفتار حضرت خدیجه (ع) در بحرانی‌ترین موقعیت‌ها در کنار پیامبر ﷺ به خصوص محاصره شعب ابی طالب هر پژوهشگری را به تحسین این بانو برمی‌انگیزد. چه بسا اگر مقاومت و پایداری ایشان، ابوطالب عموی پیامبر و یاران وی نبود، اسلام در همان مراحل اولیه راه متوقف و نتیجه مجاهدت‌های پیامبر ﷺ به شکست منتهی می‌شد. هرچند مشارکت اجتماعی زنان در جاهلیت فراگیر نبود؛ ولی بنا بر آداب و رسوم و قبیله به قبیله متفاوت بود. همچنین زنان و مردان در معاشرت با یکدیگر محدودیتی نداشتند و گفت‌وگو و نگاه کردن به یکدیگر مانعی نداشت (جاحظ، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۱۴۸). در هر حال، جایگاه حضرت خدیجه (ع) در همراهی با پیامبر و نقش‌آفرینی وی در بحران شعب ابی طالب را می‌توان در موضوعات ذیل تشریح و تبیین کرد:

۲-۱. حمایت مالی و هزینه کردن همه ثروت خود در شعب

پیامبر ﷺ در زمان رسالت، افزون بر تأمین و گذران زندگی، برای پشتوانه فعالیت خویش و حمایت از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه به حمایت اقتصادی نیاز مبرمی داشتند. البته منظور از حمایت از طبقات فقیر، نه در آن حد که ایشان را بی‌نیاز کند تا مسلمانان متهم شوند که به علت کمک پیامبر ﷺ، اسلام آورده‌اند، بلکه در آن حد که در مواقع ضرورت و

در تنگناهای شدید، نظیر شعب ابی طالب، بتواند همراه و در کنار مسلمانان باشد (عالمی، ۱۳۹۵: ۲۴۴). بر اساس روایتی، پیامبر ﷺ بعد از ازدواج با خدیجه (علیها السلام) به خرید و فروش پارچه (ترمذی، ج ۳: ۵۶۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۹۳) و بر اساس روایتی دیگر به خرید و فروش حیوانات می‌پرداخته‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۱۳۰)؛ بنابراین پیامبر ﷺ در کنار راز و نیاز و عبادت، از پیشه خود غافل نبوده است. از دیگر سوی ثروت خدیجه (علیها السلام) و انفاق آن در راه اسلام تأثیر بسزایی در ترویج اسلام و مقابله پیامبر ﷺ با موانع آن داشته است. از شخصیت خدیجه (علیها السلام) تا قبل از اسلام اطلاعات چندانی در دست نیست؛ ولی می‌توان اذعان کرد که وی فردی اصالتمند، ثروتمند و تجارت‌پیشه بوده و با پیچ و خم تجارت آشنایی خوبی داشته است (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۸۸؛ آئینه‌وند، ۱۳۶۱: ۴۳). وی با استعانت از افراد کاردان، سرمایه تجاری خود را به شکل مضاربه برای تجارت به کار می‌گرفت. افراد مختلفی راغب بودند تا با وی که زن کاردانی در کار تجارت بود سهیم شوند (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۸۸). بر اساس روایاتی که علامه مجلسی نقل کرده، کاروان‌ها و تجارت‌خانه‌های حضرت خدیجه (علیها السلام) در کشورهای مصر، حبشه و شام مشغول تجارت بودند و غلامان و کارگزاران بسیاری به ایشان در کار تجارت یاری می‌رساندند (مجلسی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱۶: ۲۱). در خور ذکر است تجارت‌پیشگی حضرت خدیجه (علیها السلام) آن هم در دورانی که در شبه جزیره، زنان جایگاه بسیار نازلی داشتند و به آنان به چشمی مزاحم، سربار، حقیرانه، شیء انگارانه و کالایی نگاه می‌شد، حاکی از خبرگی و زبده‌گی اجتماعی وی در عرصه اجتماعی و اقتصادی است. به عبارت دیگر، حضرت خدیجه (علیها السلام) با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی چون: اصالت و پاک‌دامنی (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۰)، توانمندی‌ها و تجارب ویژه‌ای داشته که توانسته با تجار بزرگ مکه رقابت و چنین ثروتی را فراهم کند و دامنه آوازه‌اش را تا خارج از مکه نیز برساند.

حضرت خدیجه (علیها السلام)، ثروت چشمگیر خود را در راه ترویج و تبلیغ اسلام مصروف کرد (فاضل: ۱۹). به روایت زهری، حضرت خدیجه (علیها السلام) در راه ترویج اسلام ۴۰ میلیون سکه طلا و نقره خرج کرده است (همان). پیامبر ﷺ نیز با اشاره به حمایت‌های بی‌دریغ مادی و معنوی وی می‌فرماید: «خداوند هیچ‌گاه برایم همسری بهتر از وی جایگزین نکرد، او مرا پذیرفت

زمانی که کسی مرا تصدیق نکرد، یاری‌ام کرد در زمانی که هیچ‌کس مرا یاری ننمود، از اموالش در اختیارم قرار داد، هنگامی که همه مالشان را از من دریغ کردند» (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۴: ۱۸۲۴). در جای دیگر نیز با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «هیچ ثروتی، همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۴۶۸). یکی از رویدادها و بحران‌های مهمی که حضرت خدیجه (س) ثروت و دارایی خود را وقف آن کرد حادثه شعب ابی طالب بود. اتفاق و بخشش حضرت خدیجه (س) در راه اسلام و همچنین حادثه شعب ابی طالب به گونه‌ای است که این آیه از سوره بقره را در ذهن تداعی می‌نماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۶۲).^۱ بسیاری از منابع نیز به اتفاق کردن تمامی ثروت خدیجه در حادثه شعب ابی طالب اذعان کرده‌اند. به روایت ابن شهر آشوب خدیجه در این دوران اموال فراوان و چشمگیری در راه پیامبر (ص) خرج کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶، ج ۱: ۵۸). گزارش طبرسی نیز بیانگر خرج و انفاق دارایی‌های خدیجه در این دوران است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۵۱). ابن جوزی و یعقوبی نیز به این مطلب اذعان کرده‌اند (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۸۳؛ یعقوبی، ج ۲: ۳۵). وی اقلام غذایی و مصرفی را به ارزشی چند برابر قیمت مرسوم، برای رفع نیازهای محاصره‌شدگان می‌خرد و با مشقات فراوان و پنهانی شترانی را که از گندم و خرما بار شده بودند به شعب ابی طالب می‌رسانید (سبحانی، ۱۳۷۰: ۵۹). بدین ترتیب، ثروت و دارایی خدیجه (س) توانست در راه تقویت و پیشرفت اسلام و نبوت، بخش اعظمی از توطئه‌ها و دسیسه‌های مشرکان را بی‌اثر کند و در این زمینه کمک شایانی برای مسلمانان باشد.

۲-۲-۲. استفاده از نفوذ خود در جهت دور زدن تحریم‌ها

حضرت خدیجه (س) در طی محاصره شعب ابی طالب با توجه به نفوذی که در گذشته از مجرای تجارت و بازرگانی در میان خویشان خود و قریش داشت، از این نفوذ خود در جهت دور زدن تحریم‌های قریش استفاده کرد. وی در ابتدا، نمایندگان به نزد ابوجهل

۱. «آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند. [آنان] پاداش‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شود.»

فرستاد تا وی را متقاعد کنند که مانع ورود مواد غذایی به شعب نشود. هرچند وی از این اقدام نتیجه‌ای نگرفت؛ ولی سرانجام توانست از طریق برادرزاده خود، حکیم بن حزام خُوَیلِد و حمایت ابوبختری بن هشام، بارهایی از گندم را برای محاصره‌شدگان مهیا سازد (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۱۰؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۷۸). به نظر می‌رسد نفوذ حضرت خدیجه (علیها السلام) در میان قریش و مساعدت‌های وی در دور زدن تحریم‌ها و فراهم کردن آذوقه برای محاصره‌شدگان در پایداری آنان، نقش بسزایی داشته است. طبعاً اگر این حمایت‌ها نبود، پایداری مسلمانان در برابر جبهه گسترده مشرکان آسیب‌پذیر می‌شد و زمینه گشایش‌ها و موفقیت‌های بعدی برای آنان امکان‌پذیر نمی‌شد.

۲-۳. نقش آفرینی در سامان‌دهی و مدیریت مردمان شعب

مقاومت در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در هر اجتماع و برون‌رفت از آن، ارتباط تنگاتنگی با مدیریت رهبران و سامان‌دهی مردمان داشته است. حضرت خدیجه (علیها السلام) در سامان‌دهی و مدیریت مردان و زنان شعب، دمیدن روح مقاوت و امید در آنان، در کنار پیامبر ﷺ و ابوطالب، اهتمام و مساعی ویژه‌ای نشان داد.

حضرت خدیجه (علیها السلام) با وجود اشتغالات اجتماعی فراوان و خستگی‌های ناشی از کار روزانه و رسیدگی به امور خانه، خود را از سیاست، مدیریت و سامان‌دهی امور عمومی دور نداشت (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). وی با انفاق تمامی ثروت خویش در جریان شعب، حس نوع‌دوستی، معاضدت و همکاری را در میان مسلمانان تقویت کرد و به سهم خود زمینه روحی رویارویی و مقاومت در برابر ناملایمات و مصائب شعب را در آنان فراهم ساخت.

۲-۴. وزیری مشفق، خردمند و صادق در کنار پیامبر ﷺ

جایگاه دیگر خدیجه (علیها السلام) در محاصره شعب و به‌طور کلی در زندگی کنار پیامبر ﷺ را می‌توان در نقش وی به‌عنوان وزیری خردمند (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۸۹؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۳۳) مشفق و صادق معرفی کرد. در واقع، وی بهترین، با معرفت‌ترین و صادق‌ترین وزیر و مایه آرامش پیامبر ﷺ بود (ابن کثیر، ۱۹۸۶، ج ۲: ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۲۳، ج ۱۶: ۱۰-۱۲).

خدیجه عدول از جایگاه و پایگاه اشرافی و استقرار در جایگاه فضیلت را نه از سر عاطفه گذرا و عشق به جوانی محمد (صلی الله علیه و آله) بلکه از سر معرفت انجام داده بود (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۸). خدیجه (علیها السلام) در محاصره طاقت‌فرسای شعب نیز در نقش وزیری با معرفت، دلسوز و صادق با وجود رفاه و نعمتی که در زندگی اش داشت، بی آنکه خم به ابرو بیاورد، تمامی امکانات مادی و روحی خود را در راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام صرف کرد. به خاطر همین ایثارها، دلسوزی‌ها و مساعدت‌ها و مشاوره‌های خردمندانه خدیجه (علیها السلام) بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا پایان عمر، وی را فراموش نکرد و تا نامش برده می‌شد، گاهی اشک در چشمانش حلقه می‌زد و می‌گفت: نمی‌دانید از زمانی که مرا تنها گذاشته بودند، این زن چه فداکاری‌ها و ایثارها کرد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۴۰۴).

۲-۵. تجلی مقاومت و پایداری در محاصره شعب

حضرت خدیجه (علیها السلام) را می‌توان تجلی مقاومت و پایداری در محاصره شعب ابی طالب نامید. وی در طی این سه سال تحریم فراگیر مشرکان علیه مسلمانان با اینکه زندگی اش را در رفاه و نعمت سپری کرده بود، خم به ابرو نیاورد و دوشادوش پیامبر و یارانش در مسیر مقاومت در برابر مشرکان پایبند و راسخ ماند.

محاصره اقتصادی و اجتماعی مسلمان در شعب و رفتارهای مشرکان و منافقان تأثیر فراوانی در تحیل قوای جسمانی حضرت خدیجه (علیها السلام) گذاشت؛ به‌طوری که اندکی بعد از پایان محاصره بر اثر همین ناملایمات، چشم از جهان فرو بست (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). اگر مقاومت‌ها و پایداری‌های خدیجه (علیها السلام) همسر و ابوطالب عموی پیامبر در کنار مسلمانان شعب نبود، مسیر رسالت و نبوت با سرنوشتی گنگ و غامض و یا شکننده مواجه می‌شد؛ بنابراین نقش دیگر خدیجه (علیها السلام) همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در محاصره شعب را می‌توان به فداکاری، پایداری و مقاومت شگفت‌آور وی در امر محاصره توصیف کرد. چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز با اذعان به این نکته فرمود: «ماقام الاسلام الا بسیف علی و ثروه خدیجه» (اشتهدادی، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

۳. نتیجه‌گیری

دین اسلام به‌عنوان دینی جهان‌شمول به تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان توجه داشته و برای زنان نیز در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حق مشارکت قائل است. چنان‌که آنان از همان آغاز رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، دوشادوش مردان در حفظ و صیانت از دین اسلام به‌پا خاستند و در عرصه‌های مهمی همچون بیعت، هجرت و جهاد نقش‌آفرینی کردند. از این‌رو، جایگاه و حضور زنان در تاریخ اسلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی عامل مؤثری در توسعه نفوذ شعائر و احکام اسلامی و مدیریت اقتصادی و اجتماعی آن بوده و در ابعاد مختلف تمدن اسلامی و نتایج آن با ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی همراه بوده است. حضرت خدیجه (علیها السلام) مصداقی برجسته از زنان بزرگ و نقش‌آفرین تاریخ صدر اسلام به‌شمار می‌رود که بیش از هر زنی در سرنوشت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ایفای نقش کردند. وی در طی ۲۵ سال زندگی با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جایگاه همسر وی در بحرانی‌ترین و دشوارترین موقعیت‌ها و حوادث در کنار پیامبر بودند و ایشان را در مسیر نبوت یاری کردند. محاصره و انزوای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیامبر و یارانش از زمره این حوادث به‌شمار می‌رود. جایگاه حضرت خدیجه (علیها السلام) و نقش مهم وی در سامان‌دهی و مدیریت محاصره‌شدگان، همچنین شکست و الغای پیمان شعب را می‌توان در مواردی از قبیل: پایداری و مقاومت شگفت‌انگیز حضرت خدیجه (علیها السلام) در ایام محاصره، حمایت از همسرش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در نقش وزیری مشفق، دلسوز و خردمند، انفاق‌دارایی چشمگیر خود در راه رسالت و رفع نیازهای محاصره‌شدگان و نیز دور زدن هوشمندانه تحریم‌های اجتماعی و اقتصادی مسلمانان جست‌وجو کرد.

مساعی و مجاهدت‌های خدیجه (علیها السلام) در حادثه شعب ابی طالب و پایداری‌های وی در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در کنار رهبری پیامبر و مجاهدت‌های یاران و نزدیکانش، به‌خصوص عمومیش ابوطالب، پیروزی در خشانی را برای مسلمان رقم زد و زمینه موفقیت‌های بعدی در تاریخ اسلام را فراهم کرد. به‌طوری‌که می‌توان از این پیروزی به مثابه نقطه عزیمتی در امر رسالت و اشاعه اسلام یاد کرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن اثیر. (۱۳۸۴). *تاریخ الکامل*. ترجمه سیدحسین روحانی. جلد سوم. تهران: اساطیر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *امالی*. قم: مؤسسه البعثة.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۳۷۴). *الطبقات الکبری*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ابن شهر آشوب. (۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م). *مناقب آل ابی طالب*. تصحیح لجنة من اساتذه. نجف: المطبعة الحیدریه.
- ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله. (۱۹۹۲). *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*. تحقیق علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجلیل.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر. (۱۹۸۶). *البدایة و النهایة*. بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام. (۱۳۸۳) *سیرت رسول الله*. ترجمه رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی (قاضی ابرقوه). ویرایش جعفر مدرسی صادقی. تهران: مرکز.
- اشتهااردی، محمد. (۱۳۷۷). *حضرت خدیجه اسطوره ایشار و مقاومت*. تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
- افراسیاب پور، علی اکبر؛ ولی‌پور چهارده، فلور. (۱۳۹۱). «نقش زن در زندگی پیامبران الهی». *فصلنامه زن و فرهنگ*. سال چهارم. شماره چهاردهم. زمستان ۱۳۹۱. صص: ۵۷-۶۸.
- آئینه‌وند، صادق. (۱۳۶۱). *تاریخ زنان صدر اسلام*. تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه الزهرا.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*. جلد اول. بیروت: دارالفکر اسلامی.
- بیهقی، ابوبکر. (۱۴۰۳ق). *دلائل النبوه*. بیروت: دارالمکتب العلمیه.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا). *سنن الترمذی*. قاهره: نشر محمد عبدالمحسن الکتبی.
- جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۴۱۱ق). *رسائل*. به تحقیق عبدالسلام هارون. بیروت: دارالجمیل.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاریخ سیاسی اسلام*. سیره رسول خدا. جلد اول. تهران: دلیل ما.
- حلبی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۹ق). *السیرة الحلبیة النبویة*. بی جا: دارالمعرفة.
- الحیدری، ابرار. (۱۳۹۹). «بررسی دعوت پیامبر ﷺ از سال هفتم تا دهم بعثت؛ محاصره شعب ابی طالب». *تاریخ‌نامه اسلام*. سال دوم. شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹. صص: ۴۳-۵۲.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۷ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. عهد الخلفاء الراشدين حوادث و وفیات. بیروت: دارالکتب العربی.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین. (۱۳۸۴). *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۰). *تاریخ اسلام*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سبط بن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر. (۱۴۱۸ق). *تذکرة الخواص*. قم: منشورات الشریف الرضی.
- سید حسین زاده یزدی، سعید؛ شریف‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۵). «سیره پیامبر اکرم در مقابله با تهدیدهای

- ## منابع انگلیسی

_ Hussain, Naseeha S.(2015) *“Khadija and Aisha: A Study of Premodern and Modern Scholarly Portrayals”*, Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign.

چکیده‌های انگلیسی

English Abstracts

The Position of Lady Khadijah (as) in the Management and Organization of the Crisis of the Siege of Abi Tālib *Shi'b*

Mohammad Keshavarz (Beyzai)¹ Mohammad Jamiri² Reza Moeini Rudbali³

(Received: September 01, 2022, Accepted: December 07, 2022)

Abstract

The expansion and spread of Islam and confronting its obstacles and enmities has been due to the efforts of the Prophet (pbuh) and great men and women. The boycott and siege of Muslims in Abi Tālib *Shi'b* is one of the most important and exhausting events before the migration in the history of early Islam that the intelligent and thoughtful organization of the Prophet and his companions during this event had a tremendous effect on strengthening and spreading the foundations of Islam and also the victory of Muslims over subsequent sufferings and problems. In the meantime, Lady Khadijah's position as the wife of the Prophet (pbuh) and her contribution in the management of this huge crisis, is a subject to be pondered, which requires an independent and comprehensive research to clarify its dimensions and angles. Therefore, this essay, with a descriptive and analytical method, seeks to answer these questions: What was Lady Khadijah's position in the crisis of Abi Tālib *Shi'b* and what was her role in managing this crisis? The findings show that lady Khadijah (as) as the first Muslim lady and the wife of the Messenger of Allah (pbuh) by spending her significant wealth to meet the needs of Muslims in Abi Tālib *Shi'b*, as well as her stability, management and influence in bypassing some sanctions and making them ineffective, along with his unwavering efforts and support for the Prophet (pbuh), has had a significant impact in breaking and abolishing the economic and social siege of Muslims in the *Shi'b*.

Keywords: Abi Tālib *Shi'b*, Crisis Management, the Position of Lady Khadijah (as), the Holy Prophet (pbuh).

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Bushehr University of Medical Sciences (corresponding author): mkeshavarz_59@yahoo.com

2. Faculty member of Islamic Studies, Bushehr University of Medical Sciences: Jamiri.mohammad@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Education, Farhangian University: moeini.reza.60@gmail.com

Examining the Themes of Islamic Teachings in the Architectural Inscriptions of the Porticoes of the Ahl al-Bayt (as) Shrine

(A Case Study of the Shrine of Imam Riḍā (as) in the Timurid and Safavid Eras)

Mahbubeh Zamani¹ Amir Akbari² Mohammad Darini³

(Received: August 2022 ,02, Accepted: September 2022 ,21)

Abstract

The shrine of Ahl al-Bayt (as) has always been of special interest throughout history due to the interest and devotion of Muslims. In the meantime, the Timurid and Safavid governments, based on the testimony of historians, had a great influence in terms of the greatness and extent of the sphere of influence and built many buildings in the Ahl al-Bayt (as) shrine. During the Safavid era, many actions were taken to build, rebuild and expand the Ahl al-Bayt (as) shrine in Iran and Iraq, and they left behind valuable buildings. The architecture of Ahl al-Bayt (as) shrine complex includes various spaces, among which the portico space has a special place. For this reason, the Timurid and Safavid governments have built many porticoes in Ahl al-Bayt shrine. Just as the architecture of this period originated from Islamic concepts, it is assumed that its inscriptions, as the highest type of decoration, originated from Islamic teachings. The purpose of this research is to identify the influence of Islamic teachings on the formation of the inscriptions of the portico of the shrine of Ahl al-Bayt (pbuh), and also to answer how Islamic teachings influence the formation of the architectural inscriptions of the portico of the Ahl al-Bayt, as well as to reinterpret their themes. In this research, due to the convenient access to the shrine of Imam Riḍā (a.s.), three porticoes in Darul Hifāz and Darul Salām from the Timurid era and one portico in *Darul Fayḍ* from the Safavid era were examined and analyzed in order to clarify the Islamic teachings of the inscriptions.

Keywords: Islamic Themes, Inscriptions, Architecture, Portico, Shrine of Imam Riḍā (as).

1. PhD student, Department of Art and Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran: M_Zamani@mshdiau.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran (correspondingauthor): Amirakbari84@yahoo.com

3. Lecturer of the Department of Islamic Studies, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran: M.Darini123@gmail.com

Investigating the Individual and Social Dimensions of the Islamic Economic Model in the Life of Imam Kāẓim (as)

Mohammad Danesh Nahad¹ Mohammad Hasan Vakili²

(Received: March 2022 ,07, Accepted: June 2022 ,07)

Abstract

The 35-year period of Imamate of Imam Kāẓim (as) is considered one of the most important fields for understanding the Islamic economic model; because the long term of Imamate compared to other Imams on the one hand and the social conditions that have arisen on the other hand caused the economic activities of Imam Kāẓim (as) to emerge and develop. This research is based on the library method and information analysis in order to provide a solution for the realization of Islamic economy by following it and examining the individual and social dimensions of the economic activities of Imam Kāẓim (as). The results of this research include: Individual economic dimensions in the life of Imam Kāẓim (as) can be seen in at least three areas: Asceticism, contentment and abandoning false needs; Work, effort and self-sacrifice. **2.** The socio-economic dimensions in Imam Kāẓim's life are generally found in three areas: macro management of economic issues; attracting hard-to-reach funds and the quality of spending funds for poverty alleviation of society. **3.** One of the socio-economic patterns of Imam Kāẓim (as) is that in case of lack of financial resources, instead of giving favors to a larger number of the poor, a smaller number of people are given favors. But on the other hand, they should be taken care of so that they can form an independent life.

Keywords: Imam Kāẓim (as), Asceticism, Self-Sacrifice, Macro-Management, Lawyers' Network, Poverty Alleviation.

1. PhD in theology of Yasouj University and 3rd level student of theology and wisdom of Mashhad seminary (corresponding author): m_borosdar@yahoo.com

2. Professor of Higher Levels of Mashhad Seminary: Mohammadhasanvakili@gmail.com

Imam Hādi (as) and Confronting Ahl al-Sunnat's Theological Opinions

Rasoul Mohammad Jafari¹

(Received: March 2022 ,07, Accepted: August 2022 ,04)

Abstract

During the Imamate of Imam Hādi (as), Ahl al-Sunnah raised controversial theological issues that were incompatible with correct Islamic beliefs, and Imam Hādi (as) clarified and corrected them. This research is trying to analyze Imam's encounter with some Ahl al-Sunnat's theological opinions in a descriptive and analytical method. In this research, the encounter of Imam Hādi (as) with Ahl al-Sunnat's theological opinions has been investigated in four issues: *tashbīh* (assimilation, anthropomorphism) and *tanzih* (elimination of anthropomorphic), *jabr* (predetermination of man's action by Allah) of humans, the newness and antiquity of the Qur'an, and the succession of the Prophet (pbuh). The findings indicate: **1.** in analogy and contrast, Ahl al-Sunnah either presented a physical image of them, or by focusing on their appearances, they failed to explain them rationally. Imam Hādi (as) has criticized both approaches and expressed their reasonable meaning in accordance with the Qur'an. **2.** In the issue of predestination and free will, Ahl al-Sunnah believed in predestination and thought that humans lack free will in their guidance, misguidance, and actions. Imam (as) has considered the verses of guidance and misguidance as metaphors, and by denying the creation of actions by Allah the Almighty, he has proved free will. **3.** Regarding the issue of the creation of the Qur'an, some of the Ahl al-Sunnah believed that the Qur'an is the word of Allah the Almighty and not created. Others believed in *huduth* (the newness) of the Qur'an. Imam (as) considered entering into this issue as "sedition" and warned against it. Of course, it is possible to understand the implicit meaning of the Qur'an from his words. **4.** In the issue of the succession of the Prophet (pbuh), Ahl al-Sunnah, citing a hadith from the Prophet (pbuh), believe that the Islamic *Ummah* agreed on the pledge of allegiance to Abu Bakr. Imam Hādi (as) considered the validity of the argument to be correct when some members of the *Ummah* do not disagree with others.

Keywords: Imam Hādi (as), *Tashbīh*, *Tanzih*, Predestination of Men, the Newness and Antiquity of the Qur'an, the Succession of the Prophet (pbuh).

1. Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Shāhed University:
r.mjafari@shahed.ac.ir

The Role of the Government in Protecting Social Capital in Letter 53 of *Nahj al-Balāgheh*

Hamed Tawana¹

(Received: July 2022 ,24, Accepted: September 2022 ,18)

Abstract

Social capital is one of the concepts that have attracted the attention of social science researchers as well as politicians and economists during the last few decades. This category is considered more important because it has a great impact on the development of societies. At the same time, considering its wide impact, it can be emphasized in other ways, especially the politicians can pay more attention to this important element that leads to the advancement of programs and the realization of their goals in the society. Dealing with the issue of social capital with regard to its downward trend in Islamic Iran prompts us to pay attention to our rich Islamic resources while using the knowledge and experiences of others. The findings of this article show that the view of Amir Mu'minan (as) on the issue of production and preservation of social capital is a religion-oriented and value-oriented view. He considers the central role of the ruler and government officials in relation to social capital as a model of values and norms. He considers the transfer of capitalist values and norms to be dependent on the relationship and ethical and wise interaction of the sovereign with Allah the Almighty and the people. He emphasizes adherence and insistence on important trust-building values such as sincere worship and justice. In general, it can be claimed that Ali (as) considers the production and maintenance of social capital dependent on the maintenance, strengthening and expansion of religious and divine values and norms. In this regard, seven major capitalization policies have been emphasized in letter 53, which are: Democracy, religious observance of rulers and officials, comprehensive justice, morality of the ruler and officials, meritocracy, preservation and promotion of values, wisdom. This research has used the method of document analysis and thematic analysis to answer the research questions.

Keywords: Social Capital, Government, Imam Ali (as), Malik Ashtar's Covenant.

1. Ph.D. student of Cultural Sociology, Seminary Research Institute and Qom University: tavana114@yahoo.com

Stylistic Analysis of Razavieh's Odes in the Poetry Book of Sheikh Azari Esfrayeni

Mohammad Hassan Behnamfar¹

(Received: March 2022 ,23, Accepted: June 2022 ,23)

Abstract

Praise in the form of religious odes have been one of the main ways of expressing the religious interests of poets to religious leaders. The subtlety and tenderness of expression in ritual poetry, when combined with the expression of feelings for the Purified Imams (as), make the most beautiful literary poems. Sheikh Fakhr al-Din Ḥamzat ibn Ali Esfrayeni (866 - 784 A.H.) known in Azari as one of the famous poets, elders and poets of the 9th century AH, a large part of his odes were written in praise of the Purified Imams (as). Referring to Azari's odes, the praise and devotion to the purified Imams (as) and especially Imam Riḍā (as) is remarkable due to the presence of this poet in Khorasan. By examining and Razaviyeh's odes in Sheikh Azari's poetry book, this article has aimed to analyze and identify the stylistic features and innovations that the poet paid attention to on three levels, linguistic, literary and intellectual, and the aspects of beauty. With eloquent and fluent expression, Azari has succeeded in singing Razavi's odes along with literary arts and deep religious and historical concepts. The theme and intellectual language of the poet are combined with religious concepts and the poet has expressed his devotion well with a mystical look and with the language of poetry.

Keywords: Imam Riḍā (as), Sheikh Azari Esfrayeni, Razavi's Odes, Stylistics.

1. Assistant Professor of Esfrayen Technical and Engineering Higher Education Complex. North Khorasan, Esfrayen, Iran: behnamfarb@gmail.com

Address:

No 3 ,34 Kamyab St. Kamyab Blvd. Mashhad,
9145983738, Iran.

Tel: +98 51 32283044-49

Fax: +98 51 32284452

|||||

 Approach:

The Journal of Ahl-al-bayt`s Studies (as) accept research articles in the fields of belief, theology, interpretation, hadith, history, comparative and other scientific aspects with a focus on Ahl al-Bayt (as).

|||||

The Journal of Ahl-al-Bayt's Studies

Imam Reza(A.S) International Foundation for Culture and Arts

Vol. 1 | No. 3 | Autumn 2022

Managing Director: Morteza Saeedizadeh

Editor in Chief: Jalal Dorakhshah

Executive Director: Mohammad Ali Nedae

Mohammad Reza Aram: Associate Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai:

Associate Professor, Faculty of Political Science and Islamic Studies, Imam Sadiq (A.S.) University

Naser Bahonar: Professor , Faculty of Culture and Communications and Islamic Studies, Imam Sadiq(A.S.) University

Sayyed Mortaza Hosseini: Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mashhad Ferdowsi University

Jalal Dorakhshah: Professor, Faculty of Political Science and Islamic Studies, Imam Sadiq (A.S.) University

Seyed Alaeddin Shahrokhi: Associate Professor, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University

Baqer Qorbani Zarrin: Professor, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University

Seyyed Mehdi Masboogh: Professor, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University

Mohammad Hadi Homayoon: Professor , Faculty of Culture and Communications and Islamic Studies, Imam Sadiq(A.S.) University

Editor: Nematollah Panahi, Mohammad Ali Nedae

Abstracts Translator: Mohammad Reza Aram